

# سندیکالیسم در ایران

(جلد اول)

۱۳۲۰-۱۲۸۴ شمسی (۱۹۴۱-۱۹۰۵ میلادی)

صفحه

۵

## مقدمه

فصل اول : رشد و انکشا ف نیروی کارگری

۱-۱: سیر تاریخی، روابط کارگروکار فرما

درجا معهده سنtri ایران

۱۱

۱-۱-۱: قبل از اسلام

۱۲

۲-۱-۱: بعد از اسلام

۱۴

۳-۱-۱: دوران قاجاریه

۱۸

۲-۱: وضع اقتصادی و صنعتی در را ب طه با

۲۳

پیدائی گروههای کارگری (طبقه کارگر)

۲۹

۱-۲-۱: امتیاز بعد از امتیاز

۳۳

۳-۱: درجستجوی کار در رو سیه تزاری

۲۵

۱-۳-۱: درجستجوی نان

۴۲

۲-۳-۱: شرائط کاروزندگی

۴۳

۳-۳-۱: کاروکاری در مناطق نفتی جنوب

۴۴

روسیه

۴۵

۴-۳-۱: تحلیل و مقایسه دو منحنی

۴۶

۴-۴: همبستگی ملی و اوضاع فرهنگی و سیاسی

۴۹

کارگران ایرانی مقیم روسیه تزاری

فصل دوم : شکل گیری و تحول سندیکاهای کارگری

۵۴

۱-۱: انقلاب مشروطیت و اندیشه حقوق کارگری

۵۶

۱-۱-۲: آزادی تشکیل انجمن

۲-۱-۲: نقش و مواضع احزاب در با ب حقوق

کارگری و تشکیلات سندیکائی

صفحه

صفحه	
۱۰۶	- اخراج مولیتورسوندی
۱۰۸	- سید محمد هدگان، روزنامه حقیقت
۱۱۳	- سندیکا های عضو "شمسکا" و نمایندگانش
۱۱۸	- عضویت در بین امداد سرخ سندیکا ها
۱۲۱	- عاقبت کارشورای مرکزی سندیکا های کارگران ایران
فصل سوم: شرکت نفت انگلیس و ایران	
۱۲۶	شرائط کار زندگی، سندیکای کارگران نفت جنوب (۱۹۴۱-۱۹۰۷ میلادی)
۱۲۷	۱-۳: شرائط کار زندگی
۱۲۷	۱-۱-۳: مسکن و محیط زیست
۱۲۸	شهرآبادان
۱۳۰	- احمدآباد
۱۳۱	- پارک آریا
۱۳۱	- بهمن شهر
۱۳۲	- کلبه های گلی
۱۳۳	- حلبی آباد و حصیر آباد
۱۳۳	- بوارده
۱۳۴	- برویم
۱۳۷	۲-۱-۳: بهداشت و آیمنی محیط کار
۱۳۸	۳-۱-۳: بیماری و از کارافتادگی
۱۳۹	۴-۱-۳: وضعیت غذا شی کارگران
۱۴۰	۵-۱-۳: ترکیب شغلی کارکنان
۱۴۱	۶-۱-۳: استفاده و سطح دستمزد
۱۴۹	۲-۳: تشکیل سندیکای کارگران نفت جنوب

صفحه	
۶۱	- فرقه دموکرات
۶۲	- حزب سوسیال دموکرات (ما رکسیست)
۶۳	- سازمان انقلابی مجاہدین مشهد
۶۴	- مرا منا مهجنگلی ها
۶۴	- همت سازمان سوسیال دموکرات های مسلمان
۶۵	- حزب عدالت
۶۵	۲-۲: نخستین سندیکا و اعتضاد با ت پی درپی ۱-۲-۲: اعتضاد با ت آذربایجان و شمال و خراسان
۷۱	- آذربایجان
۷۲	- اعتضاد کارکنان گمرگات و پست و تلگراف تبریز
۷۲	- اعتضاد سندیکای چرمزاران (دباغ های) تبریز
۷۳	- سندیکای تبریز
۷۶	۳-۲: شورای مرکزی سندیکا های کارگران ایران (شمسکا) ۱۳۰۴-۱۳۰۵ شمسی (۱۹۲۵-۱۹۲۱ میلادی)
۸۲	۱-۳-۲: نقش حزب عدالت
۸۹	۲-۳-۲: تشکیل شورای مرکزی سندیکا های کارگری ایران (شمسکا)
۹۴	- ساختار "شمسکا"
۱۰۰	- اعتضاد سندیکای معلمين و سندیکای پستچی ها
۱۰۴	

## " مقدمه "

نوشته‌ای را که در دست دارد، شامل تاریخ سندیکاهای کارگری؛ از بدو فعالیت، یعنی سال‌های قبل از انقلاب مشروطیت (حدوداً " ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۱ ) می‌باشد.

در سال ۱۳۵۳ وقتی برای تکمیل یک کارداشگاهی بدنبال نوشته‌ای در زمینه فعالیت سندیکاهای کارگری در ایران می‌گشتیم هرچه در فیشیه‌ها کتابخانه‌ها جستجو کردم، غیرا زنوشته‌کوتاهی در کتاب " اقتضا و اجتماعی " دکتر شمس الدین جزائی، اثری قابل توجه بدت نیامد. هر آنچه در این باره در سال‌های ۱۳۲۲ - ۱۳۲۵ توسط فعالین و مبارزین سندیکائی نوشته شده بود، بوسیله ساواک، از کتابخانه‌ها جمع آوری شده بود که یا طمعه آتش گردیده، یا در محاون ویژه‌ای نگهداشی می‌شدواز دسترس مردم اهل تحقیق و مطالعه به دور بود. روزنامه‌های از جمله " حقیقت " که عملای رگان " سورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران " ( ۱۳۰۵ - ۱۳۰۴ ) می‌بود، " کار " و " نجات ایران " که دومی توسط رهبری سندیکای معلمین انتشار می‌یافت نیز در این مخازن بودند. به کمک کسی، به برخی از این آثار با صلح‌حضره دست یافتم. مدتی از جمع آوری استادومندارک و یا داشت‌ها در باره مبارزات سندیکائی نمی‌گذشت که مصمم بدانجام تحقیقی در این باب شدم. در آن زمان به علت نبودن مدارک و استادهای جود اختناق و کنترل ذره‌بینی ساواک، دست زدن به چنین کاری ساده نبود. برای جمع آوری استاد، مقاالت، بیانیه‌ها و نوشته‌های

صفحه	
۱۴۹	۱-۲-۳ : انجمن هموطنان
۱۴۹	۲-۲-۳ : شرکت‌های تعاونی و اعضا آن
۱۵۰	۳-۲-۳ : اعتصاب آذرماه ۱۳۹۵ (شمسی ۱۹۲۰ میلادی)
فصل چهارم : سندیکا لیسم زیربوق استبدادو	
۱۵۳	می‌لیتا ریسم رضا شاهی
۴-۱: علل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روی	
۱۵۵	آمدن رضا شاه
۱۶۱	۱-۱-۴ : شروع اختناق
۱۶۲	۲-۱-۴ : کنگره دوم حزب کمونیست (عدالت)
۴-۲-۴ : اعتصاب اردیبهشت ۱۳۰۸ (ماه مه ۱۹۲۹ میلادی) سندیکای کارگران نفت	
۱۶۴	جنوب
۴-۲-۴-۱: اعتصاب اردیبهشت ۱۳۱۰ (ماه مه ۱۹۳۱ میلادی) سندیکای کارخانجات وطن (کازرونی)	
۴-۴: بیوشن‌همه‌جانبه و آشکاره سندیکاهای کارگری	
۱۷۱	۱-۴-۴: قانون سیاه خرداد ۱۳۱۰ (ژوئن ۱۹۳۱ میلادی) (وسندیکاهای مخفی)
۴-۴-۲: آئین نامه کارخانجات و موسسات صنعتی	
۱۸۲	نتیجه‌گیری
۱۸۵	منابع و مأخذها
۱۹۲	

وکوشش در نشان دادن حقاً یقین جنبش تقریباً "فرا موش شده" - می باشد. شیوه کار ما آنالیتیک (تجزیه و تحلیلی) است. مسلمات متداهنالیتیک حرکت از واقيعیات و شناخت پیدا کردن بر علتها و معلومها می باشد. در کار آنالیتیک با یدیرای دست یافتن به حقیقت به قضاوت انسانها اعتقاد داشت و تنها با دیدوشیوه علمی آنرا رددکرد. تعصب و غرض ورزی از این شیوه بدوز است. وقتی حقیقتی یا "سترنزی" در ارشکا فتن ترکیب (*Décomposition*) و تحلیل عللها و شرائط و معلومها بحسب آمد حقیقت است، ما حقیقت مطلق نیست. بدین سبب، در این "کار" به علل و شرائط رشدوانکشاف و افت و خیزهای جنبش کارگری همواره توجه داشته ایم و عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را مدنظر قرار داده ایم. کوشش داشته ایم در هر دوره، درباره هرسندیکا که اماکن داشته همه شرائط و اوضاع و احوال را آناتومی "نمایم و ترسیم درست و واقعی از جریانات و حواضت بحسب دهیم. در این تحقیق سعی شده از همه منابع معتبر استفاده شود، تعصی نسبت به نویسنده منبع به خرج نداده ایم و باستگی های سیاسی، سازمانی، فرقه‌ای، مارا از اصول لازم برای کار تحقیقی، منحرف نکرده است. چنانکه خواهید دید در بسیاری از موارد در ارشمندانی می‌باشد و ذکر چند منبع و مأخذ این کار موفق شده است نادرستی‌ها و کاستی‌های مورخین و خاطره‌نویس‌ها را جبران کند. اگر در پاره‌ای موارد به قضاوت ننشته‌ایم، دو دلیل داشته: یا، شواهد و مدارک ارائه شده باندازه‌ای روش بوده که خواننده مطلب خود به آسانی به واقعیت امرپی می‌برد؛ یا اینکه چون اسناد و مدارک کافی نبوده، کار تحلیل و مقایسه به خوبی انجام نگرفته، پس به نقل قول و ذکر ترا ریخی اکتفا کرده‌ایم.

قضايا و تجزیه‌های ما همه بر اساس تحلیل‌ها و مدارک آند، در عین حال شک علمی را از کار خود دور نساخته‌ایم. هر قضاوتی ممکن است، در اشتراطات تازه‌کلا" یا جزا" مورد سوال قرار گیرد و کلا" یا جزا"

درباره سندیکاهای بسیاری از کتابخانه‌های شخصی سوزدم، این افراد، برخی دوره‌کامل، و برخی پاره‌ای از شماره‌های روزنامه‌های سالهای گذشته را داشتند... با لآخره در سال ۱۳۵۵ نوشته‌ای تهیه شد در دو بخش، یکی "سندیکا لیسم در ایران" که در مقایسه با کار امروز بسیار ناقص بود و دیگری "آن رکوسندیکا لیسم" که بیشتر روی افکار "ژرژ سورل" می‌چرخید و آن روزها شدیداً "مرا به خود مشغول می‌کرد. به دلیل اختناق، آن روز، نوشته مذکوراً مکان چاپ در ایران پیدا نکرد.

همان سال، سفری ۱۵ روزه به پاریس کردم تا مطالعه‌ای برای ادامه تحصیل در فرانسه بکنم. در کتاب بفروشی ۲۱، کوچه "کوژاں" در قفسه بخش کتب فارسی، به چند جلد از "اسناد تاریخی جنبش کارگری و سوسیال دموکراتی ایران"، انتشارات مزدک دست یافت. بعلاوه کتاب "گذشته چرا غ راه آینده" از انتشارات جامی را نیز که تازه منتشر شده بود از همانجا تهیه کردم. با جاسازی این چند جلد کتاب را با خود به ایران بردم. با اسناد تازه‌ای که بحسب آمده بود و با جمع آوری "موریانه‌وار" مدارک (\*) هر روز که می‌گذشت کارگذشته تکمیل ترمی شد، اماکن چاپ در ایران بیشتر از دست می‌رفت.

وقتی در ما رس ۱۹۷۸ برابری اذا مه تحصیل به فرانسه آمدم، همواره به فکر تکمیل و انتشار اکار را خواهیم بود. ولی مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و شور و شوق انقلاب و بعد از انقلابی های حاصل از آن مانع می‌شد. به هر حال، با مروز جلد اول "تاریخ سندیکا لیسم در ایران" (۱۹۴۱-۱۹۰۵) به قضاوت مردم علاقمندگذا رده می‌شد.

اما روش و شیوه‌یا متدکارما برچه‌اصلی متنکی است. قبل از با یادگفته شود، این کار را قاعده‌گاری نیست، بلکه بررسی تاریخی و نقد و مقایسه و مقابله اسناد و مدارک و نتیجه‌گیری از این مقایسه‌ها

رديا قبول شود. در کارتحقيقي خواننده را از برداشت های خود مطلع ساخته ايم و علل برداشت ها را ذكر كرده ايم تا خواننده بتواند در تحليل ها و ردیا بیها علمی و تحقیقی، "کار" را دنبال کند.

تقریباً "همه" متنابعی که در با ره جنبش سندیکائی بدست آمده، بیشتر به شرح و قایع اعتنایات پرداخته تا به روشن کردن روابط حاکم در سازمان ندهی این اعتنایات. همیشه، نقش سندیکاهای در پرده ایها م و توهشم شرح و توصیف اعتنایات گشته است، ما کوشیده ایم بیشتر بر سندیکاهای، یعنی تشکیلات حرفه ای کارگران نور بیان ندا زیم، ساختار سازمانی و تشکیلاتی، برنا مه و رهبری آنها را؛ روابط و متناسباتشان بسازاب و دسته جات سیاست را، در حد امکان روشن سازیم.

متاسفانه، غالب نوشه های که تا کنون در این باب انتشار یافته بود، به شعا رپراکنی پرداخته اند، اساس علمی و تحقیقی نداشته اند، آما روا رقا مارا ئه نمی دهند، به علل و شرائط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، پیشرفت صنعتی و کم و کیف بازار و پوپول و تجارت و اوضاع عمومی طبقه کارگر توجه نداشته اند. ما کوشیده ایم قبل از برخوردها هر اعتماد و هرسندیکای کارخانه ای و صنعتی یا حرفه ای (پیش وری) همه شرائط را ترسیم کنیم و مختصات کامل سندیکا را از نظر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی بدست بدھیم، وقتی از سندیکاهای کارخانه ای سخن رانده ایم، در مورد شهر و کارخانه یا کارخانه های موجود در آن اطلاعات لازم را ارائه داده ایم، اوضاع کارگری، بهداشت و ایمنی، سطح دستمزد، مسکن، استخدا و... را مورد مطالعه قرار داده ایم. خلاصه همه کوشش ما این بوده است عوامل و فاکتورهای گوناگون و مرتبط با کارگری و فعالیت سندیکائی را یکی یکی روشن سازیم. هدف این کتاب، این است تا آنجا که اماکن دارد، تاریخ واقعی جنبش سندیکائی ایران را ارائه دهد، کمبودهای این تاریخ را جبران کند، چهره واقعی

سندیکا لیسم ایران را با تمام قوت و ضعف هایش، چهره واقعی حزاب و گروههای سیاسی را در رابطه با این جنبش، و با لآخره چهره واقعی رهبرانش را با همه جنبه های مثبت و منفی آن، نمایان سازد.

این "کار" از نظر ساختاری، در چهار فصل ارائه می گردد.  
فصل اول به رشد و نکشاف نیروی کارگری در ایران می پردازد، که ناچاراً، به یک سیر تاریخی کوتاه اما لازم دست می زندتا ارجو مقام کارگر را بسط کارکن و کارفرمای درجا مسنه سنتی ایران بشناساند. واژسوی دیگرا وضع اقتصادی، صنعتی، تجارتی ایران را در سالهای که طبقه کارگر شکل می گیرد شرح داده و زندگی کارگران ایرانی را در مناطق جنوب روسیه مورد مطالعه قرار می دهد.  
فصل دوم مربوط به شکل گیری و تحول سندیکاهای کارگری ایران است، که به دوران مشروطیت می رسد. اثرات جانبی مبارزات سندیکائی را زیک سو، و مبارزه برای آزادی و ترقی وعدالت را از سوی دیگر موربد بحث فرازی دهد. "شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران" در همین فصل، همازنظر پیدائی هم از نظر ساختار و فعالیت و اهداف مورد مطالعه قرار گرفته است. فصل سوم به سندیکای نفت جنوب اختصاص دارد که شرائط زندگی و کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران را به بررسی و تحقیق می گذارد. آنگاه سندیکای کارگران نفت و اعتماد انجام شده بوسیله این سندیکا را پژوهش و تحلیل می کند. با لآخره فصل چهارم "کار" م عنوان "سندیکالیسم زیریوغ استبدادومی لینا ریسم رضا شاهی" را بخود گرفته است. در این فصل علل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و روی کارآمدن رضا شاه و دوا اعتماد مهم دوران رضا شاه، یکی در "صنعت نفت" دیگری در "کارخانجات وطن" تحلیل و تشریح می شود. آخرالامر، این فصل با بررسی بیوش همه جانبه رضا شاه به سندیکاهای کارگری و با نتیجه گیری از جنبش سندیکائی ایران دوره به پایان می

قبل از خاتمه این مقدمه دونکته‌یا دآوری می‌شود:

۱ - وقتی در مهرما ۱۳۶۴<sup>۵</sup> جلد نخست سندیکا لیسم درجه‌ان، "جنبش سندیکا ئی درگشواره‌ای جهان سوم" چاپ شد و عده‌دا ده بودیم جلد اول "سندیکا لیسم درا پیران" از انتقالب مشروطیت تادیکتاتوی رضا خان ۱۹۰۵-۱۹۲۵ انتشاریا بد، بدینوسیله بقول خود عمل کردیم. اما آنچه در دست دارید بجای تا سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ یعنی تا برگنا ری رضا شاه می‌باشد. جلد دوم در نخستین فرصت انتشار خواهد بود.

۲ - هیچ کاری خالی از اشکال نیست، مطالعه انتقادی این نوشته و تذکر ایرادات واشکالات و کمبودهای آن به مصلحت مبارزات اجتماعی و مبارزات کارگری و سندیکائی ایران است. صاحب نظران وکسانی که ایران را تذکری دارند، همین‌طور کسانی که می‌خواهند در پیشبرده‌دلف آشنا ئی هم می‌بینان با جنبش سندیکا ئی ایران و جهان (بویژه کشورهای جهان سوم) با ما همکاری کنند، می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه نمایند.

فرهنگ قاسمی

تیر ۱۳۶۴ به یا دقیقاً ملی سی تیر ۱۳۳۱

*Farhang Ghassemi  
B.P. № 60, 77421 Marne - la - Vallée Cedex 2*

\* - متأذق و ماذه ای مورد استفاده قرار گرفته در این "کار" را در آخر کتاب ملاحظه می‌کنید.

فصل اول :

### رشدوانکشا ف ثیروی کارگری

۱- سیرتا ریخی  
روابط کارگر و کارفرما در جامعه سنتی ایران

بدون آشنا ئی هر چند مختصر برا روابط و مناسبات کارگر و کارفرما از جا معمه سنتی ایران نمی‌توان ترسیم درستی از رشد و انکشا ف مبارزات کارگری و سندیکائی بدست داد. در این بخش این کوشش شده است. اما قبل از هر چیز بهتر دیدیم به ساقه صنعت و پیشه و پیشرفت و تحول آن و به ساقه تاریخی کارگری، قدر و ارزشی که جا معمه سنتی ایران برای کارگری قائل می‌بود به سازمانهای سنتی کارگران و تا حدی به اوضاع و احوال تجاری و مناطق مهم تجاري و "صنعتی" ایران نظری بسیار سریع بیان ندازیم. احتیاج به یا دآوری می‌باشد و وقتی از کارگر گفتگو می‌شود تصوری که از کارگر صنعتی امروزین داریم نباشد از کارگر سنتی آن روز داشته باشیم. زیرا تا بوجود آمدن صنایع کارخانه‌ای

وحتی پایان هزا رسوم قبل از میلاد مسیح اطلاع داشتند.<sup>(۴)</sup> از اینجا می‌توان به اهمیتی که جا معاصر ایرانی آن زمان بپرای پیشرفت صنعت واستفاده از نیروی گارقا ل بود پی برد. چنانکه نیروی کارکرای مردم ایران باستان ارزشمند بوده و هر کجا فلسفه و نوشه و نظریه‌ای از اهل علم و قلم آن زمان بدست آمده به استایش کارگر نیز پرداخته. بطوريکه در ایران باستان کارگر را می‌ستودند "آئین" "مزدیسا" برای کارگر کاراحترا م فراوان قائل می‌بوده است. در زمان میا دیشت - کرد ۱۲۱ تا ۱۵ - همواره کارگر را برتر از سایر آفریدگان می‌شمارد و به عنان صرفاً فرادی علاقه به کار به چشم نرفت می‌نگرد.<sup>(۵)</sup>

به عقیده گریشمن، در آن عهد می‌باشد مراکز تجمع کارگران وجود داشته باشد. او معتقد است این مراکز تجمع در مناطق مختلف ایران تشکیلاتی شبیه تشکلایت کنونی کارگری داشته‌اند. در لوایح تخت جمشید چنین ذکر شده است "کارگران از همه اقطار شاهنشاهی می‌آمدند" او اضافه می‌کند در دوره اردشیر دوم وضع شاهنشاهی موجب بدینی ویا س بود، مالیات بومیان را خرد می‌کرد و آنان را وارد ارباب عصیان می‌نمود.<sup>(۶)</sup> همین باعث شد، طبقات زحمتکش و کم درآمد، جنگ طبقاتی علیه اشراف و حکومت راه انداختند. اما این طغیان با خشونت درهم کوبیده شد. در زمان خشا یار شاه بعلت اینکه دستمزد "کارگران" ثابت نموده، قحطی و بحران اقتضایی بوجود آمد، زندگی بپر زحمتکشان سخت شده بود، انقلابات کارگری واقع می‌شود و کارگرانی که در صنایع حکومتی کار می‌کردند ممثل کارگاههای فنی، ساختان، زرده سازها،

- اواخر دوران قاجاری کارگر صنعتی در ایران نمی‌زیسته است.

### ۱-۱: قبل از اسلام

اختلاف طبقاتی و تقسیم‌قشار اجتماعی دوران ما دهارا کریشمن چنین توصیف می‌کند: "امیران، نجبا، آزاد مردان، مالکین زمین، درسرای امراء و بزرگان قرن‌های نهم و هشتم قبل از میلاد مسیح غلامان و کنیزان، برده‌گان و همه انسان‌ها پیشه‌وران که تمام لوازم مورد احتیاج مخدوم خود را می‌ساختند و جو داشتند."<sup>(۱)</sup> این غلامان و کنیزان و برده‌گان شامل پیشه‌وران، کارگران، صنعت‌گران می‌شدند که به تهیه صنایع دستی مورد احتیاج اربابان و اشراف می‌پرداختند.

در دوران ما دکارگران را "کورتیش" (<sup>(۲)</sup> Kurtis) می‌خوانند. آنها در امور خود حق رای نداشتند و جو داشتند و جو نداشتند، آنها در امور خود حق رای نداشتند و جو داشتند و جو نداشتند. گردنیزه‌ها استناد کریشمن همین کارگران و پیشه‌وران و صنعت‌گران را می‌شناسند و استعدادهای صنعتی را به وجود آورده بودند. گوردون چا یلد نویسنده سیر تاریخ می‌نویسد باستن گا و به گا و آهن، انسان به مهمترین اکتشافات نائل شد و نیروی تحرک دیگری را غیر از عضلات خود به احتیاج دارد و در دوره اسلامی استفاده از ماشین بخار موتورهای بخاری گشود.<sup>(۳)</sup> آثار روشا هدتاریخی نشان می‌دهد ایرانیان نخستین کسانی بودند که از خوش و گا و آهن استفاده نمودند. "ما دی‌ها از خوش و باستن گا و به گا در هزاره دوم و حتی

۱ - کریشمن، به نقل از مرتضی راوندی، "تاریخ اجتماعی ایران"، جلد اول، ص ۱۴۷

۲ - کریشمن به نقل از همانجا

۳ - گوردون چا یلد، "سیر تاریخ"، ترجمه احمد بهمنش، ص ۷۴

۴ - دیا کونف، "تاریخ ماد" ، ص ۴۵۵

۵ - مرتضی راوندی، "تاریخ اجتماعی ایران" ، ص ۴۶۰

۶ - کریشمن همانجا

سا ختمانی بجهه کشی می شده است . محور تجارتی شرق و غرب با شاخه شمالی آن به خوارزم و ماوراء آن می رسید راه تجارتی دیگری از خراسان به سمت جنوب ، به کرمان ، فارس و خلیج فارس می رفت . کرمانیان بازاری از خود در شیشا بوردا شتند و شهر کرمان یا جیرفت بخصوص در عصر سلجوقيان ، کرمان در واخر قرون یا زدهم و سده دوازدهم (پنجم و ششم هجری) که ساکنان بیگانه آن بونانیان و هندیان بودند مراکز بازارگانی پررونقی بودند .<sup>(۸)</sup> از طریق این راه نفوذ بازارگانی واقعیت ای خراسان در سراسر خلیج فارس گسترش یافته بود . در این منطقه تجارت و پیشه وری بیش از همه نقاط دیگرایران قدیم رونق داشت . چنانکه ابن اثیر جنرا فی دان مشهور ، خراسان نیمه دوم قرن دهم میلادی (نیمه دوم سده چهارم هجری ) را مرکز جهانی داد و ساخت ، معیادگاه بازارگان از عراق و مصر ، با راند از خوارزمی و گرگان و مرکز توزیع کالا به فارس سندوکرمان و ساکنان آنرا ثروتمندترین مردم ایران توصیف می کنند .<sup>(۹)</sup>

در اکثر نقاط ایران صنعتگران و ارباب حرف (پیشه وران) کارگاههای داشتند که شا مل چندین کارگریا پیشه ور کارگر می شد . افزارمندان نیشا بورا جناح تولیدی خود را از قبیل شمشیر ، چاقو سوزن و انواع اجنس فلزی ... را به سایر مناطق مادرمی کردند . اما مهمترین فرآوردهای کارگاهی نیشا بور منسوجات بود . پارچه با فی از صنایع عمده ایرانیان محسوب می شد محل در آمدخوبی برای تولید کنندگان و بازارگان نیشا بور بود . زیرا پوشانه طبقه اجتماعی یا پیوستگی مذهبی و شغلی و پیشه وری بشمار می رفتند در همه این حرف کارگرانی وجود داشتند که از ساخت و ساز مانند روا بط

- ۸ - ابوالفضل بیهقی ، طریقه مسعودی ، به کوشش قاسم غنی و  
علی اکبر فیاض ص ۵۳
- ۹ - ابن اثیر ، الکامل فی التاریخ ، جلد چهارم ص ۱۵۳ - ۱۵۲

زرگرها ، مسکارها ، شراب سازان دست از کارهای کشنده . مزدک کارگران را می ستا بیدونیروی انقلابی خود را از این اقتشار می کیرد . او بکمک همین زحمتکشان بی مال و بی شرط و بی ملک علیه جا معده ایکه بندهای اختلاف طبقاتی و اشتراکیت در آن محکم شده بود شورش می کنداگر و وگوماتای مغ دست به اصلاحات به نفع توده های زحمتکش می زندن ، بطوریکه دیا کونف از آنها به عنوان شخصیت سوسیالیست ها نام می برد ، بعلت وجود انبوه بزرگی از این طبقات زحمتکش است که در شرائط بسیار بد و غیر انسانی زندگی می کردند .

#### ۲-۱ : بعد از اسلام

بعد از اسلام ، موقعی که حکومت های نیرومند بوجود می آیند ، ثبات سیاسی نسبتاً "قابل توجهی بواسطه وجود سلاطین قدرتمند در ایران برقرار می شود . این ثبات زمینه های نسبی رشد اقتصادی و تجاری را باعث می گردد . در این دوره عمدۀ فعلیت اقتصادی را تجارت تشکیل می داد . فرآورده های ما نند چرم و پوست و پیشه آب کرده و عسل و ظروف چینی و انواع پارچه و نمدوزیلسو و فرش و ابریشم ، انواع فلزات استخراج شده از معدن مس ، سرب ، طلا ، سنگ های گرانبهای ... محصولات تجارتی قرون چهارم تا هشتم هجری (نهم تا سیزدهم میلادی) محسوب می شدند . ادموند کلیفورد بوسورث مدعی است است : یکی از مهمترین کالاهای تجارتی در قرون نهم تا سیزدهم میلادی خرید و فروش برده بود که از سرزمین های مازراء اترک و "مسیر دریا " به خراسان آورد و می شد .<sup>(۷)</sup> از آنها بعنوان کارگردانی کارگاههای با فندگی واستخراج معدن و صنایع دستی و

Edmond Cliford Bosworth

۷ - نگاه کنیده  
"تاریخ غزنیویان" ترجمه حسین انوشه ، انتشارات امیرکبیر ،  
چاپ اول ۱۳۵۶ تهران ص ص ۲۱۲ - ۲۰۷

برخی از آنان نیز فقط هفتاد و فرانک برای برابر با ۶۰ تومان درسال مستمری داشتند (با خوراک). در پایان هرسه سال خدمت، بروحقوق آنان اضافه می گشت و در بعضی موارد، انعامی نیز معادل حقوق یک سالشان پرداخته می شد. انعاماتی به کارگرانی که شاهکاری را بخصوص به وجود آوردند یا ابتکاری به خرج داده بودند، و یا اینکه شاهکاری تقدیم شاه می کردند، داده می شد. میزان جیرهای که به کارگران تا دیه می گردید، بحسب قاب یا نیم قاب یا ربع قاب بود.

یک قاب مرکب بودا ز همه ما کولات لازم حیا تی، و برایع تا ۷ نفر کافی بود. جیره بطور نقدی، درسال معادل هشتصدیا نهصد لیور می شد که برابر ۲۰ تومان است، و مختار بودند جیره را به نقدبگیرند یا به جنس.

کلیه حقوقات درسال یک بار، پس از سان عمو می، که در تابستان معمول می گردید، بطريق دسته جمعی پرداخت می گشت.

یکی از کارگران که از طرف دیگران و کالت داشت، پول را در همان محل دریافت می داشت و در جریان دریافت، ده نیم یا ده یک آر جمع مبلغ کسر می گردید.

امتیاز عمدۀ کارگران درباری این بود که ایشان مدام العمر در خدمت و انتساب خویش ثابت بودند، و هرگز از شغل خود برکنار نمی شدند. به هنگام پیری یا توانی، چیزی از حقوقشان کاسته نمی گردید، و از تیمار پرشک و داروساز دربار رسیز برای گان برخوردار می گشتند. در مقابل، آنانکه می خواستند آزاد و مستقل کار کنند، ناچار بودند چهار برابر بیشتر رحمت بکشند و از هیچ گونه مزا یا ائی بر خوردار نگردند.

شاردن از جواهر فروشانی یا دمی کنده شاه به آنان ۳ تا ۴ سال سفارش نداده بود. به کارگرانی که در سفرها ناگزیر از التزام موكب شاه نه بودند، شتروا سب داده می شد، ولی کسب اجرا زه برای ماندن در وطن نیز دشواز نبود، یا اینکه بتویت پس از عالی ۱۲ ماه

آنها نبا ساحبان صنایع اطلاعات دقیقی در دست نیست. ادموند کلیفوردبوسورث وقتی از پارچه‌های نفیس پرده‌ها و فرش‌های گران‌بها سخن می‌راند و بمه مرا اسم تشریفاتی دربار را حتی اجات زنان حرم‌سرا ایشان اشاره می‌کند می‌نویسد: زندگی کارگران با فنده بشکل بخور و سپرطی می‌شد. اما بازگران از پارچه در میان بورزوای ایران از ارزش و اعتبار خاصی بهره مند بودند و بیشتر روتها را می‌نحوختند. (۱۵) صنعت و پیشه و هنر در عهد صفویه به‌اوج اعلای خود می‌رسد. برخی از مورخین و نویسنده‌گان پس از گفتگو درباره ترویج هنر و صنایع و فنون دراین دوره از تشكیلات کارگری و ساخت و ساز مانند آن نام می‌برند. در کتاب تذکره‌الملوک که با تعلیقات و حواشی استاد مینورسکی چاپ و منتشر شده راجع به کارگران و پیشه‌وران چنین می‌خوانیم: در شهرها بخصوص در اصفهان، پیشه‌وران مختلف‌الحرفه بسیار، ساکن بودند، و تشكیلاتی شبیه‌اصناف قرون وسطی اروپا داشتند، دارای نمايندگان منتخب بودند، اما اختیارات نمايندگان، نسبتاً "محدود بود، جز در موردی که ما موربودندگروهی از صنف خویش را برای بیگاری شاه ببرند. استفاده از اینگونه خدمات از امتیازات خاص شاه بود، که بسیاری از امور را در قصرها هی، بدون پرداخت دستمزد به انجام می‌رسانید. اصنافی که تعهد بیگانی دادن نداشتند، ناگزیر از پرداخت خراج پادشاه بودند. در استانها، برای برخی از پیشه‌های مخصوص محلی وجود داشت، که با زان نیز خواجه‌ای برای دربار استانده می‌شد.

یک طبقه ممتاز از پیشه‌وران آنها ائی بودند که در بیوتات سلطنتی کار می‌کردند. هر کارگری یک ورقه حکم انتساب داشت که در آن، مبلغ مستمری وی قید شده بود. کارگران درجه‌اول ۸۰۰ "اکو" یعنی ۵۵ تومان حقوق دریافت می‌داشتند (با خوراک)، اما

آفتاب همه روزه به استثنای جمعه است که بطورکلی روز استراحت محسوب می شود. در حدود ساعت ده، نیم ساعت فرصت برای خوردن ناشتا ئی دارد، و مدت کوتاهی برای خوردن ناها را دای نماز به وی فرصت می دهد. معمولاً "تببل وار، کارمی کند، ولزم است کسی ناظر کارش باشد. برای هر روز کار در تهران، مزدی معادل پنج و نیم تا یازده پنس (معادل یا زده شاهی تایک قران) (بسته به فصول سال دریافت می دارد، و دردهات، بطورکلی، بیشتر از تهران مزد می گیرد. در زمستان غالباً "بیکار است، و در بها، مزد کمی تدبیش می شود، ولی با پیش آمد تابستان، طالبان کارا وزیاد می شوند، و در پائیز میزان مزدش به حد اکثر می رسد. از مبلغی که روزانه به دست می آورد، معمولاً "نصف یا سه چهارم را به صبحانه و شام پوشاند، اختصاص می دهد، و باقی را اگر خرج دیگری نداشته باشد، برای زمستان پس اندازمی کند، و یا برای زنش می فرستد. کارگر ایرانی بطورکلی مردی عیالوار است. اگرنا چار باشد برای کاری بسی از دهکده، زادگاه خود به جای دوری برود، معمولاً از شرکت راهنمایی برداشت، اگر زن او ماحب فرزندان باشد، برای کار از خانه بپرون نمی رود، ولی اگر بی اولاد باشد، غالباً "درخانه یکی از اعیان خدمتکار می شود، زن کارگر ایرانی با آنکه بندرت در مزرعه به کارمی پردازد، تا حدودی قادر است در تحریصیل نا خانواده به شهر خود کمک برساند می تواند به دوخت و دوزلبان، وصله کردن، یا شستن آن بپردازد، و می تواند وقت بیکاری را برای بافتمن پارچه کتانی یا به طرق متعددی گرصف کند. لباس او و اطفالش مختصر و رزان است. شهر معمولاً سالی یک دست لباس می پوشد. اجاره خانه ناچیزی می پردازد. عذای عده، کارگران نان است که در تهران معمولاً به نرخ یک من هشت شاهی (چهار پنس) فروخته می شود. گوشت گاو و اوزان و در زمستان فراوان است، ولی در فصول دیگر سال، آن را نمی خورند بطورکلی، روستائیان ایرانی اگر قدرت خریده روزه

مسافرت، رخصت با زگشت داده می شد. فرزندان کارگران در سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی به خدمت پذیرفته می شدند و پس از مرگ پدر، مستعمری اورا دریافت می داشتند. پیشه و ران اروپائی در اصفهان مورده حما بیت خاص بودند و سود بسیار می بردند.

مینورسکی در صفحه ۲۱۸ کتاب خود می نویسد: "از مفاصل دهم صفحه ۳۳۰ سفرنا مه شاردن چنین مستفادمی شود که شاهزاده زمینی که به قالی بافان برای استفاده می داد، بعنوان مال الاجاره "قالی" دریافت می کرد". (۱۱)

### ۱-۳: دوران قاجاریه

بدین ترتیب تا حدودی از وضع کارگران در دوران صفویه اطلاع حاصل کردیم، با تشکیلات حرفه ای آنها، حدود و غور دستمزد، روابط ووابستگی شان با حکومت و در باره از غیر از آنها آشنا شدیم. حال بدینیست نگاهی به وضع کارگران در دوران قاجار بیان ندازیم. ازا و خرا بن دوره است که روابط سنتی جامعه در اکثر زمینه ها از جمله در مورد مسائل مربوط به کارگری دگرگون می شود. از این نقطه نظر دوران قاجاریها زا همیت ویژه ای برخوردار است. برای آشنا ئی با وضع کارگران قبل از هر چیز به سفرنا مه و اتس که در عهد ناصر الدین شاه به ایران مسافرت کرده بود مراععه می کنیم. او در مورد طبقات محروم و زحمتکش ایران چنین می نویسد: وضع طبقه کارگر در ایالات مختلف فرق می کند من وضع آنها را در منواحی نیز دیگر شهر تهران شرح می دهم. کشاورزی کارگر تقریباً "هر قسم شغلی را به عهده می گیرد، در شهر بصورت عمله، برای گل سازی، یا حمل آجر (برای کمک به بنا)، یا بعنوان با غبان، یا به نام عمله، مزدور در مزرعه آمده خدمت است. ساعت کارش از طلوع تا غروب

ایرانیا ن نسبت به آزادی های قریبی و اجتماعی، کارگران ندرتاً در مقابله کارفرمایان مقاومت نشان می دادند، کارگربرای کارفرما کارمی کردزن و فرزندان و نیز برای افراخ نواده کارفرما بعنوان مستخدم خدمت می کردند در ازای آن، کارفرمانیز زندگی کارگران تا مین می نمود، در محلی که خودش زندگی می کردبا و نیز مسکنی می داد. کارگر بجزء کارها کارگران را در محل کارفرما انجام می داد در منزل نیز وقات خود را با انجام دادن کارها می منزل استاد (کارفرما) میگذرا ند و عموماً کارگران تمام مدت عمر خود را در خدمت استاد، کارفرما یا ارباب و آقای خود می گذرانند و گمتر کارگری پیدا می شد که بعد از مدتی کارگردن از کارفرمای خود جدا شود زیرا و بعلت شرائط اجتماعی موجود حاضر شده بود همه گونه ظلم و تعذیب را بپذیرد و صدایش هم در نیاید. وجود اعتقدات مذهبی و سنتی از یک طرف کارفرمایان را نسبت به کارگران، مسئول با را ورده بود، و از طرف دیگر مذهب تخدیری و سنت های غلط که با یه های ساختار سیستم اجتماعی موجود را استحکام می بخشیده کارگران اجازه اعتراض نمی داد و همینطور تفرقه بجهت کیفیت کار اورا تخفیف می کرد، اصولاً در اقتصاد جا معهدهای احتیاجی ایران مسائل طبقه کارگر هنوز مطرح نبود و توجه اصلی معطوف به حقوق اجتماعی برزگران بود. البته در مرا منا مه فرقه مجا هدین ذکری از حقوق اجتماعی کارگران رفت و در تاریخ انقلاب روسیه از تحرک انقلابی کارگران ایران گفتگو شده است، در غالب کشورهای جهان سوم سندیکا ها با دخالت سندیکا های کشورهای متروپل واستعمال رگر که دارای سنت مبارزات کارگری و سندیکائی بوده اند بوجود آمدن ورشد پیدا کرده اند. این اصل را در ممالک تحت استعمال راز قبیل الجزائر، تونس، مراکش و کشورهای افریقای سیاه و برخی از کشورهای آمریکای لاتین میتوان بوضوح مشاهده کرد. اما در ایران این پدیده مشاهده نمی شود و این بدان معنا نیست که کارگران ایرانی،

آنرا نداشتند، هفته‌ای سه یا چهار رفعه گوشت می خوردند. (۱۲) روی هم رفته با یدگفت در زمان قاجاریا اواسط دوران سلطنت ناصرالدین شاه و قبل از آن و بویژه در چهاردهم خرداد ۱۹۰۶ او پیش از انقلاب مشروطیت، مساله "کارگر" و "کارفرما" در ایران بصورتی که امروز مطرح می باشد مطرح نبود، "کارگر" از "کارفرما" زیاد جدا و دور شود زیرا کارخانجات بزرگ بوجود نیا مده بودند و "کارگر" و "کارفرما" هر دو در مرافق اکثر تولیدی کوچک و دستی کارمی کردند. "کارگر" و "کارفرما" بکمک یکدیگر از حقوق خود در مقابله قدرت‌های حکومتی مستبد و زمینداران قدرتمند دفاع می کردند. در این دوران، رابطه بین "کارگر" و "کارفرما" سیاست و بروز احتیاجات پدر و غایل با "معنوی کارفرما" - بیشتر به صورت عواطف و احساسات پدر و فرزند استطاها هرمی نمود. از طرف دیگر حکومت مستبد وقت و آداب مرسوم درجا معاہد سنتی ایران به کارگران اجازه نمی داد در مقابله بعضی از کارفرمایان جبا روستمگرها مروزه بر تعداد آنان بیش از پیش افزوده شده است حالت دفاعی و تهاجمی بگیرند. "کارگران" همیشه مجبور بودند مطیع و امروز عقايد "کارفرمایان" با شندواگر "کارگری" جنبه اعتراض نسبت به "کارفرما" پیدا می کردند و این اینکه بوسیله مرجع صلاحیت‌دار رسیدگی شود، در زمان بسیار کوتاه کارفرما به هر آنقدر می که میلش بود دست می زد "کارگر محکوم" همه چیز خود را از دست می دادحتی گاهی شدت عمل "کارفرما" بگونه‌ای بود که "کارگر" مغضوب را و ادارمی کرد که شهر و دیا رخود را ترک کرده و در شهر دیگری بکار روا مرا معاشر بپردازد. برخی اوقات کارگران مورد تنبیه بدنی کارفرمایان قرار می گرفتند و اگر مقاومتی از طرف کارگر بعمل می آمد توسط حکومت در ملاعه مشدیداً "تنبه و گاهی بدرا آویخته می شد. قبل از مشروطیت و قبل از اشاعه فکر بیداری

وضع مزدوري جملگي مطالعه شده است . ازسوی دیگر تشکيل اقشار کا رگردد هرجا معه مستلزم رشد صنعت و اقتصاد و تولیدات ما نو فاكتور و کارخانهای می باشد . برای اینکه بتوان مطالعه درستی از وضع زندگی و شرائط کا رگران بعمل آورد باید ابتدا اوضاع اقتصادی و صنعتی جامعه در عصری که اقشار کا رگری شکل می گیرند مسورد بررسی قرار گیرد . این کوشش ابتدائی اجازه خواهد داد تا تصور درستی از اوضاع کاروکارگری در آن عصر بدست آید . بدین علت مابهاین موضوع مروری سریع اما دقیق می افکنیم .

#### ۲-۱ اوضاع اقتصادی و صنعتی در رابطه با پیدائی گروههای کارگری (اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم)

از اوائل قرن شانزدهم شرکت‌های مختلف انگلیسی، روسی هلندی، فرانسوی کوشش می کردند درکشور ما روابط استعمالی به وجود آورند . در زمینه‌ها ئی موفق بودند در زمینه‌ها ئی با مقاومت‌های شدید مردان سیاست روبرویی شدند . در اخر دوران قاجار، ایران از نظر اقتصادی عمل "تحت نفوذ دولت بزرگ" جهان آن روز قرا رگرفته بودیکی انگلستان و دیگری روسیه تزاری . هر کدام در رقابت با دیگری به بخشی از منابع و مکانات اقتصادی و مالی ایران دست آنداخته بودند . مابهاین امتیازات در ادامهاین بحث خواهیم پرداخت .

از ابتدای قرن نوزدهم بپیژه بعداً زمانهای ۱۸۵۰ روسها و انگلیس‌ها کا لاهای تجارتی خود را به سوی ایران سرازیر می کردند . در سال‌های قحطی، در موقع جنگ فشارهای اقتصادی شدت پیدا می کرد، متعاقباً آن به آهنگ ورود کا لاهای خارجی به ایران افزوده می شد . با افزایش میزان واردات کا لاهای خارجی و توسعه روابط تجارتی ایرانیان با لاخص در اشرگستر شاین

بخودی خودمنشاء تا سیس سندیکا ها بوده‌اند . مبارزات سندیکا ئی نیز ما نندیگر پدیده‌های نوین جوام در حال توسعه در اثر شرشد روابط اجتماعی ملت‌ها پدیدار گشت، رشد پیدا کرد و پیزگی‌های خود را یافت .

درا یران نیز تعاونی و اصناف زمینه‌های رشد نخستین سندیکا ها هستند . در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران تعاونی‌ها و اصناف از سال‌ها قبل از انقلاب مشروطه و از سال‌ها قبل از اینکه مبارزات سندیکا ئی بوجود آید تا سیس یا فته بودند و مبارزات حرفه‌ای و صنفی را دنبال می کردند . قبل از انقلاب مشروطیت در اصفهان و تعاونی حرفه‌ای، در کرمانشاه ۴۵ و در تبریز بیش از ۴۵ تعاونی متشكل وجود داشت . اغلب این تعاونی‌ها در مسائل اجتماعی صاحب نظر بودند و شرکت می کردند بطور مثال در برنا مه و خط مشی تعاونی‌های اصفهان نکات زیر به چشم می خورد :

- دفاع از قانون اساسی و حقوق اساسی مردم .
- ایستادگی در مقابل تقلب هنگام انتخابات مجلس وسعي در فرستادن افراد مطمئن از طبقه متوسط به مجلس .
- دفاع از منافع تعاونی‌ها .
- بهبود تکنیک‌های تولیدی و کوشش برای بالابردن سطح تولید و تکنیک مبارزه علیه بورس بازی .
- دفاع از منافع پیشه‌وران و سازماندهی تعاونی‌ها بدون درنظر گرفتن طبقات و تشکیل اتحادیه‌های شغلی مدرن .

نخستین با ردركتاب "اصول علم ثروت ملل" نگارش میرزا محمدعلی خان فروغی "ذکاء الملک دوم" که در سال ۱۳۲۳ قمری انتشار یافت از جماعت کارگران بعنوان طبقه اجتماعی جدید سخن رفت . در این اثر ارزشمند علمی تحول اقتصاد صنعتی، تشکیل طبقه کارگر، هشیاری اجتماعی و تحرک کارگران، حقوق کارگران مثل حق اجتماعی، حق دست‌کشیدن از کار، تغییر شرایط کار و ترقی

کارخانه با روت سازی، کارخانه مخصوص تهیه پیستون، کارخانه گاز کارخانه کبریت سازی، کارخانه های پنبه‌پاک کنی، کارخانه برق، صابون سازی، آبجو سازی، شراب سازی و عرق سازی.

با توجه به تاریخ تاسیس، فعالیت و تعطیل این موسسات معلوم می‌شود، مدت عمر آنها چندان نمی‌پائید. بطور مثال، بنا به قول محمدعلی جمالزاده نویسنده "گنج شایگان" در قرن ۱۹ فقط در مشهد بیش از ۱۲۰۰ دستگاه بریشم کاری موجود بوده است که هنگام نوشتن کتاب فوق این تعداد به ۱۵۵-۲۰۰ واحد می‌رسد.<sup>(۱)</sup> هر کدام از این واحدهای پرورش کرمابریشم و آنرا به پارچه تبدیل می‌موقعي که کرم و پیله را به نخ بریشم و آنرا به پارچه تبدیل می‌کردند و گررا به اشتغال وامی داشتند. از جمله مهمترین این کارخانه‌ها که ورشکست شدن کارخانه ریسمان ریسی بودکه توسط ناصرالملک از مسکوح خریداری شده بود<sup>(۲)</sup>، کارخانه تفگ سازی<sup>(۳)</sup>، کارخانه کاغذ سازی تهران، کارخانه شکر ریزی در مازندران، کارخانه چلوار با فی در تزدیکی تهران، کارخانه بالصور سازی<sup>(۴)</sup> در تهران که در ابتدا در ۱۲۸۵ شروع بکار گردید و متوقف شد سپس در سال‌های ۱۳۰۵ و ۱۳۰۹ توسط حاج محمدحسن امین دارد. الضرب و با همکاری بلژیکی‌ها مجدداً "شروع به فعالیت کردا" ما متعاقباً "بسته شد".<sup>(۵)</sup> با لآخره از حدود دهه هفتاد قرن سیزدهم هجری به این سوبده فعات کارخانجات مختلف و متعدد در ایران ایجاد گردیدند و غلب به ملاحظه رقابت با کالاهای خارجی از یکسو و بی تجربگی و بی شباتی اقتصادی و صنعتی نتیجه مطلوب بدست نیامده به تعطیل کشانیده شدند.

<sup>(۱)</sup>- محمدعلی جمالزاده، "گنج شایگان" انتشارات کاوه، برلن، ص ۷۹

<sup>(۲)</sup>- اشپیشین، ص ۴۱

روابط با دوکشور روسیه ترازی و انگلستان، بمورو ربا عث و خیم شدن تولیدات داخلی گردیده و این تولیدات قدرت رقابت با کالاهای وارداتی را ازدست می‌دادند. قبل از اکتشاف منابع نفتی، عمده ترین رقم تولیدات صادراتی ایران را محصولاتی تشکیل می‌دادند که مواد اولیه آنها پشم، پنبه و ابریشم بودند. عمده ترین محصولات ساخته شده فرش و پارچه‌های دست باف و شال بشمار می‌رفتند. صنایع کاشی سازی نیز از آن جمله بودند که بیشتر مصرف داخلی داشتند. این محصولات در گذشت اعصار توائیسته بودند بیان گرویزگی‌ها و خصائص مذهبی، اخلاقی، قومی، ملی فرهنگی و زیبا شناسی مردم ایران شوند. برخی از این محصولات که جنبه صادراتی نیز داشتند عبارت بودند از: صنایع نقره‌کاری فرش، پارچه‌بافی و شال، ابرایشم‌کاری (تابی)، پارچه‌های رنگی، نمدکاری (مالی) (منتبت‌کاری)، محصولات فلزی، شراب سازی، شکر سازی و انواع شیرینی‌جات (قندی) قایق سازی، مجسمه سازی، زری دوزی، اسلحه سازی، اشیاء ساخته شده از مس و ...

درا و آخر قرون گذشته، سرما یه داران ایرانی بمورد دست به ایجاد کارخانه‌های زدنده‌ها با قوه بخوار و برق کار می‌کردند. در شهرهای مختلف کارخانه‌های بوجود آمدند که هر کدام بین ۵۰ تا ۱۵۰ کارگردان شتند. این موسسات اغلب نمی‌توانستند با کالاهای وارداتی که بوسیله تجار مرتبه به انگلیس و روس وارد ایران می‌شدند رقابت کنند.

بنا بر این اغلب بعد از مدت کوتاهی فعالیت خود را قطع می‌کردند و کارگران را به بازار بیکاری می‌فرستادند. نمونه‌هایی از این کارخانه‌ها عبارت بودند از: کارخانه کاغذ سازی، کارخانه قند، کارخانه چلوار با فی، کارخانه بلور سازی، کارخانه چینی سازی، کارخانه شمع سازی، کارخانه اسلحه سازی، انواع بافتندگی‌ها

(خرمشهر) - قایق سازی (شراعی) مشهدقلی بافی، اشیاء دست باف ابریشمی و تسبیح شیراز - زرگری، شراب سازی، انواع موقایات کاشی سازی و مجسمه سازی شوشترا لیبا فی رشت - قلمکاری، زری دوزی، اشیاء فلزی، اسلحه گرم و سرد کرمان - قالی بافی، شال کشمیر زنجان - اشیاء ساخته شده از منس.

البته در شهرهای مذکور غیر از صنعت هائی که بر شمردیم رشته های دیگر هم وجود دارد و فقط اهمیت محلی دارد. واما در مردم کارخانه هایی که با قوه بخا روبروی کارمندی کنند باشد گفت که تعداداً دایین قبیل کارخانه های در ایران بسیار ناقص است. موسسات فعلی ایران گرچه کارخانه های میمه می شوندو لی بیشتر شبیه کارگاه های بزرگ هستند تا کارخانه. این کارگاه های از هفتاد و پنجم کارگردا رندوقا در نیستند مدت زیادی در مقابله با اینها خارجی مقاومت کنند. بخش اعظم آنها در سال دوم میا سوم تاسیس خود تعطیل می گردند فهرست زیرین کارخانه های وفا بریک های ایران و چگونگی وضع صنایع کشور را نشان می دهد:

- کارخانه اسلحه سازی تهران - تاسیس در سال های ۱۸۵۷-۸ -
- ۱- سالیانه ۱۰۰۰ قبضه تفنگ تولید می کرد اکنون کارنمی کند ولی برای بکارانداختن مجدد آن کوشش هایی بعمل می آید.
- ۲- کارخانه کاغذ سازی تهران.
- ۳- کارخانه های قند (مازندران و نزدیک تهران) کارنمی کنند.
- ۴- کارخانه چلوا ربابی (نزدیک تهران) کارنمی کند.
- ۵- کارخانه اسلحه سازی (تهران از سال ۱۸۶۰) حال تعطیل است
- ۶- کارخانه چینی سازی (تهران) کارنمی کند.
- ۷- کارخانه شمع سازی (تهران).
- ۸- کارخانه کاغذ سازی (اصفهان).
- ۹- کارخانه کاغذ سازی (اصفهان).
- ۱۰- کارخانه اسلحه سازی (اصفهان) تعطیل است.
- ۱۱- کارخانه با فندگی (اصفهان و تهران).
- ۱۲- کارخانه های حریر بابا فی (نزدیک رشت - گیلان).
- ۱۳- کارخانه های گلیان (گیلان).

## سلطان زاده در مورد اوضاع کارخانجات و صنایع دستی ایران

در قرن نوزدهم چنین نظر می دهد: (۱۵)

" ایران در قرن گذشته با محصولات صنعتی خود مصنوعات فلزی چینی آلات و انواع پارچه های پنبه ای، پشمی و ابریشمی شهرت داشت. در حال حاضر این کالاهای اجبهای خود را به مصنوعات ماشینی ارزان تر منجذب می کنند. فقط در زمان جنگ تا شیرا بین مراکز صنعتی بحدقا بل ملاحظه ای گاهش یافت و این امرا مکان داده مصنوعات مانیفاکتوری کشور را باره به مقدار زیاد را در دبای زار شوند. صنایع محلی هنوز هم مثل سابق دستی و پراکنده است و در ضمن تقریباً "هرو لايت و هر شهری بتن اسب مواداً ولیه و مصالحی که و خصوصیات قومی و فرهنگی و بازار فروش کالاهای تولیدی در آن نااحیه یا فت می شود تولید مخصوص بخود را دارد. صنایع محلی در طی چند قرن گذشته شا لوده ریزی شد. با توجه به فهرست تقریبی شهرهای عمده ایران که ذیلاً آورده می شود می توان درباره اینکه چه حرفه و صنعتی بیش از همه مختص این ویا آن شهرها ایران است تصور کلی پیدا نمود: آستارا - الیجه (پارچه های ابریشمی راه را بروجرد - صنعت زرگری، بجستان (ایالت خراسان) - مصنوعات فلزی - پارچه های ابریشمی و پشمی و قالی وغیره بیرون چند - قالی های نامرغوب بیزد - رنگریزی، مصنوعات ابریشمی، قنادی (تا ورود قندخا رجی، قند بیزد در سرا سرا ایران شهرت داشت) تسفیر (نزدیک بیزد) - نمد مالی تبریز - پارچه های رنگاریگ ابریشمی و نخی، عبا وغیره اصفهان - زرگری، خاتم کاری، پارچه بافی، چاقوسازی و دیگر اشیای فلزی، شراب سازی وغیره محمراه

۱۵- منبعی که سلطان زاده برای تهیه متنی که ملاحظه خواهید کرد استفاده می کنند همان منبعی است که جمال زاده در گنج شایگان مورد استفاده قرار می دهد.

علیرغم همه اینها می بینیم برخی از سرما یه داران یا بهتر است بگوئیم شروتمندان ایرانی بمنظور بدست آوردن سوداقدام به سرما یه گذا ری می نمایند. اما از آنجا که بخش عظیم تولید داخلی کشورقا در به رقا بت با تولیدات وارداتی نیست، سلامت تولیدات داخلی مرتببا "به مخاطره می افتد. سویژه و قتی که سرما یه داران خارجی تصمیم می گیرند کوچکترین امکان رانیاز سرما یه داران ملی سلب کنند، کارخانجات نونهال و بی تجربه ایرانی بشدت لطمه می خورندوا ز دور رقا بت خارج می گردند، بنا براین در مناطق بزرگ که تعداً دمصرف کنندگان زیاد است ما نند؛ تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز برای مدتی صنایع جدید تعطیل و صنایع سنگی فعالیت خود را به حداقل ممکن می رسانند، در همین موقای کارگران شاغل در صنایع دستی از یک سو و کارگران بیکار شده از کارخانجات نیمه صنعتی اوائل قرن بیستم - شهرها ئی که در آنها چند کارخانه وجود داشته - با مسائله ا اعتقاد و حقوق کارگری آشنا می شوند. البته همین طور که ذرفصل های بعدی خواهیم نوشت آشنا ئی کارگران با اعتقاد از طریق فعالیت احزاب سیاسی که کما بیش اوضاع اقتصادی را تحلیل می کنند و یا اهداف سیاسی خاص خود را در نظر می شود. زیرا برخی از این سازمانهای سیاسی معتقدند هجوم سرما یه داری خارجی جلوی رشد سرما یه داری داخلی را سدمی کنند و عدم رشد سرما یه داری داخلی باعث می گردد رشد اجتماعی و اقتصادی و نهایتاً "مرگسترش طبقه کارگرو شرائط لازم برای رشد اقتصادی متوقف گردیده در نتیجه رشد مبارزات اجتماعی تعطیل شود.

#### ۱-۲: امتیاز بعد از امتیاز

دولت وابسته به قدرت های خارجی نه تنها قادر نیست دست به تدا بیری بزند که دست خارجی از تجاوز به اقتصاد داخلی ایران کوتاه گردد. بلکه بر عکس هر روز در زمینه های اقتصادی و مالی

- ۱۵- کارخانه با روت سازی.
- ۱۶- کارخانه مخصوص تهیه پیستون.
- ۱۷- کارخانه گاز تهران، ماشین آلات این کارخانه هر ۳۰۰ لیره انگلیس تماش دولی پس از دو سال به مبلغ ده هزار لیره انگلیس فروخته شدوا خیرا "بدست یک شرکت خارجی افتاده است.
- ۱۸- کارخانه کبریت سازی (تهران) ساختمان این کارخانه هر ۴۰ لیره انگلیس خروج برداشت ولی نتوانست در مقابل کبریت روس ها و اطریشی ها مقاومت کند و بسته شد.
- ۱۹- کارخانه ریسندگی (تهران از سال ۱۸۹۳-۴) بعلت عدم قدرت رقا بت با محصولات خارجی بسته شد. کارخانه ریسندگی (تبریز).
- ۲۰- کارخانه پنبه پاک کنی (اصفهان، نیشا بور، مرا غه).
- ۲۱- کارخانه های برق (تهران ۲ کارخانه مشهد، رشت، تبریز).
- ۲۲- کارخانه صابون سازی (تهران).
- ۲۳- کارخانه آبجو سازی (تهران) . (۱۶)
- ۲۴- دوهمسایه شمالی و جنوبی درا مرور شکستگی این مراکز کوچک صنعتی نقش مهمی ایفا می کردند و با سیاست های اقتصادی و سیاسی خود هرگز اجازه نمی دادند تا رایانه و تجارت ملی وغیر و باسته اندوخته ها و شرود خود را در اینجا دو ترویج صنایع داخلی بکاراندازند و کارخانه دیر سازند.
- ۲۵- آثار سلطان زاده، اسناد تاریخی جنبش کارگری، سویا ل دموکراسی و کمونیستی ایران، جلد چهارم، انتشارات مزدک، ص ۸۵۴ . از این به بعد هرگاه به این سلسله انتشارات رجوع می شود در پا ورقی برای احتمال اسناد تاریخی ... با ذکر جلد و صفحه بسنده می شود.

- امتیاز راه آهن جلفا به روسیه تزاری،  
با دادن این امتیاز است که سیاست موافقه مشبّت در ایران بالا  
می گیرد، ناصرالدین و در بارقا جا ریه برای رفاه و آسایش و  
پوشانیدن هزینه های بی حساب طبقه حکومت گرهربا رکه امتیازی  
به شمال می دهد امتیاز زدیگری را به جنوب (انگلیس) و امی  
گذارد.

- امتیاز راه آهن جلفا بنا به دخالت مستقیم سفیر روسیه تزاری  
به یک افسر روسی تزاری بنا م فون فالکن ها کن در سال ۱۲۹۱  
هجری قمری واگذار می شود. (۱۶)

- امتیاز زغال سنگ فشنديا امتیاز کلیه معادن و راه آهن به  
فرانسوی ها،

گیرنده این امتیاز شخصی بود بنا م بواتال فرانسوی که تحت  
عنوان امتیاز استخراج ذغال سنگ و ارسال آن از طریق روسیه  
به اروپا امتیاز راه آهن را نیز گرفت. خط راه آهن شاه  
عبدالعظیم کارا وست اما به مرض و با درگذشت وکارش نیمه تمام  
ماند.

- امتیاز بانک شاهی یا امتیاز معادن ایران به انگلیس ها،  
با رونژولیس رویتر که مدعی خارت بود بـ لآخره در ۲۷ جمادی  
الاول (۱۳۰۶-۱۲۶۶) امتیاز تاسیس بانک شاهی را از ناصر  
الدین شاه گرفت. مدت این امتیاز هیجده سال بود. قصدا سنگیس  
ها علاوه بر نظارت و گنبدی دخل و خرچ و صرافی دست گذاردن بر روی  
معادن ایران نیز بود. در فصل یازدهم این امتیاز بانک  
شاهی امتیاز را نحصاری کلیه معادن ایران از قبیل آهن، مس،  
ذغال سنگ، جیوه، نفت و غیره با استثنای طلا و نقره و احجار قیمتی

۱۷ - لرد کرزن راجع به دوره صادرت میرزا حسین خان سپهسالار چنین  
می نویسد: "حرارت دولتی انگلیس در ایران در هیچ تاریخی  
به این درجه با لانرفته بود" ا و در سال ۱۲۸۷ (قمری) به صدارت رسید.  
۱۸ - این امتیاز بینا به فشا روسیه تزاری برنا صراحت دین شاه و بدست  
معتمدالدوله فرها دمیرزا (عموی ناصر الدین شاه) لغو گردید.

امتیاز تاریخی به این یا آن دولت می دهد و شرائط را درجهت  
وابستگی اقتصادی فراهم می آورد.

امتیازاتی که در قرن نوزدهم توسط ناصر الدین شاه قاجار  
به خارجی ها داده شده قرار گرفتند:

- امتیاز نفت دالکی به شرکت تعاونی حقوق م. هوتز،  
این امتیاز در سال ۱۸۸۴ جهت استخراج نفت دالکی و سالخواقع  
در جزیره قشم به شرکت فوق داده شده که چون به نتیجه ای  
بنانجا میدتعقیب فعالیت متوقف شد و در سال ۱۹۰۱ اکنسرسیوم  
مربوطه منحل گردید.

- امتیاز بارون ژولیس رویتر

این امتیاز در سال ۱۲۸۹ هجری قمری (۱۸۷۱ میلادی)، در  
زمان صدراعظمی انگلوفیل معروف میرزا حسین خان سپهسالار  
(۱۷) به بارون ژولیس رویتر یهودی آلمانی الاصل انگلیسی  
داده شد. او دا وطلب شده بود خط آهن در سراسر ایران بکشد، به  
استخراج معادن دست بزند، احداث قنوات و ایجاد کانال ها  
بکند، تا سیس خطوط شوشه و اداره کل گمرکات، کلیه منابع طبیعی  
وکشا ورزی را بعهده بگیرد همه این اقدامات تحت نظر محافل  
مالی و رجال سیاسی انگلستان قرار داشت. این قرارداد را  
با یافتن خطوط سیاسی و اقتصادی کامل انگلستان بر ایران بحساب  
آورد. از نظر اهمیتی که این قرارداد در تهیه زمینه های اسارت  
مردم ایران دارد متن قرارداد همراه با اساس می امضاء کنندگان  
ضمیمه این کتاب می آید. (۱۸)

۱۷ - لرد کرزن راجع به دوره صادرت میرزا حسین خان سپهسالار چنین  
می نویسد: "حرارت دولتی انگلیس در ایران در هیچ تاریخی  
به این درجه با لانرفته بود" ا و در سال ۱۲۸۷ (قمری) به صدارت رسید.

۱۸ - این امتیاز بینا به فشا روسیه تزاری برنا صراحت دین شاه و بدست  
معتمدالدوله فرها دمیرزا (عموی ناصر الدین شاه) لغو گردید.

به تاراج گذا رده شد.

اعطا یک یک امتیازاتی که در با لانا م برده شد بخاطر طبیعی  
لیاقتیها و خوش گذا رانی های در بارقا جا رانجا می گرفت. توان  
چنین اعمالی را فقط فقط مردم بی چاره می پرداختند. زیرا  
حکومت مجبور بود با بت اصل و فرع قروض دریافت کرده از خارجه،  
توده مردم و طبقات تحتانی جامعه فقیرا یارانی را زیرفشا رقرار  
دهد. مالیات هائی که بدست رنج دهقان و کشاورزو کارگر بسته می  
شد روز بروزا وضع اقتصادی و مالی آنها را وخیم ترمی کرد. مالکین  
بزرگ و خوانین عمدت ترین دستیار راهی در بارواست عما ربودند.  
آنها حتی کشاورزان و دهقانین را واداری ساختند تا دست به تولید  
محصولاتی بزندگه مورد احتیاج اصحاب رگران خارجی بود. تولید  
محصولاتی که رقا بت داخلی کالارا برهم می زدوا نحصار را به مخاطره  
می اند اختر قدفن شده بود. این اوضاع و احوال باعث می گردید  
تا وضع زندگی روستائیان رو به تنگی و خامت بیشتری برود.  
هما نظوريکه قبله "گفته شد از سوی دیگران اصحاب رگران خارجی جلوی  
رشدو گسترش صنایع کارخانه ای را نیز گرفته بودند و هر روز و سائل  
ورشکستگی آنها بیش از پیش فراهم می آمد. این هر دو باعث می  
گردید تا مرتبه "هسته های نخستین مجموعه های کارگری (کارگاه) از هم  
پاشیده شده و این قشمیا ن شهر و روستا در کوچ مدارا شد.

### ۱-۳: جستجوی کارد رو سیه تزاری طبقه تحتانی زیر ساخت ترین فشارها

یکی از اشکالات بزرگ تحقیقات علمی و تاریخی در جامعه ما  
اینست که اغلب مورخین در باره وضع رعا یا وکارگران کشاورزو  
روابط ارباب و دهقان، مناسبات بین زمین و کشت و آب و تقسیم  
محصول، اختیارات ارباب و اختیارات حقوق دهها قین و مردم ساده  
ساکن دهات و روستاها مطالب دقیق و درستی ننوشته اند و بهتر است

را بخودا ختما ص می دهد.

- بانک استقراضی روس و خط آهن جلفا و معادن طرفین راه آهن،  
برای برق را ری توازن به خواسترو سیه تزاری به منظور امکان  
استقراضی از بانک مزبور تو سط رجال مملکت و شاهزادگان در سال  
۱۲۶۸ شمسی (۱۳۰۸ قمری) (دو سال بعد از اعطای امتیاز به انگلیس  
ها) امتیاز تا سیس بانک استقراضی نیز به روسها داده شد.  
هما نظوري که گفته شد این بانک به در باریان، اعیان و اشراف و  
اربا ب عمامه حب نفوذ وام می داد. این بانک خط جلفا و  
تبریز را با یک شعبه ای صوفیان تاگا و چشمیدیا شرفخانه در ساحل  
دریا چهار و میمه حداث کرد. (جمادی الاول ۱۳۳۳ قمری) . در  
موقع جنگ ۱۳۳۴ قمری (جنگ بین آلمان و یلیم با روسها)  
این خط آهن مورد استفاده نظر می روسها قرار گرفت. در امتیاز  
بانک استقراضی تا ده فرسنگی طرفین خط راه آهن حریم امتیاز  
نا میده شدوا جازه بهره برداری از معادن این حریم به این بانک  
واگذا رگردید.

- امتیاز زویلیا م کنکس داری (استرالیائی)، انگلیس الصل،  
این امتیاز توسط مظفر الدین شاه اعطای شد، عامل امتیاز یک  
ارمنی که رئیس گمرگات ایران بنام کتابچی خان بود.  
مقام مسئول از سوی حکومت ایران اتابک، اعظم مین السلطان روسو  
فیل می باشد. مدت این امتیاز عمال بود. امتیاز بذلت  
انتلیجنت سرویس انگلیس افتاد و شرکت نفت انگلیس و ایران  
تاسیس شد. (۲۵) امتیاز داری و مسائل جنی آن خود موضوع  
جالب و قابل توجهی است که نشان می دهد چگونه میلیونها شرکت  
ملت ایران به قیمت خوش گذرانی های در باریان و اعیان و اشراف

۲۰ - جاسوسی که در لیا سکشیش این امتیاز را از داری برای امور  
خیریه کلیسا گرفت جاسوس زبردست انگلیس بنام "سیدنی -  
را یلی" کلیمی بود.

بگوئیم در این زمینه با ندازه کافی کار نشده است.

ربح پول درا و آخر قرن نوزدهم واوائل قرن بیستم و حتی تا همین امروزیکی از بزرگترین عوامل در فقرنگا هدا شتن دها قیمن ور عای ایرانی است. این زمینه‌ها بر پژوهش‌ا هل علم و دوست داران منافع رحمتکشا نیاز زیادی دارد. در سال‌های قبل از انقلاب مشروطیت و بعد از آن نزول خواران دهات که اکثرا "دکان داران و پیله‌وران هر ده راشا مل می‌شدند، حتی تا تونمنی یک‌قرا و دوقرا ن ربح می‌گرفتند. بعلت قحطی‌های زودبیه‌زودا غلب دهقان‌ها در زمستان مجبور به قرض‌گرفتن بودند. گاهی، سال‌ها اصل و فرع این بدھی‌ها را می‌پرداختند و جمع پرداختی معادل چند برابر پول قرض‌گرفته‌می‌شدما، حساب تسویه‌نمی‌شد،

در سال‌های قحطی قبل از انقلاب مشروطیت علاوه بر فشا رهائی که از جانب ارباب‌ها، روسای ایلات و عوامل آنها بر سارکنین دهات وارد می‌آمد. پیله‌ورها و دکان‌داران دوره‌گردان نزول خورها به شیوه‌های گوناگون رحمتکشا ن و دهقان‌ها می‌دوشیدند. گاهی شنیده می‌شود که زیلوودیک و کما جدان و پلاس کهنه‌یک خانواده‌فقیر روستائی با بت تنزیل توسط این نزول خورها یا مادرین مالیات دولت یا روسای ایلات و یا ارباب‌ها ضبط گردیده است.

با توسعه روابط تجارتی و شروع زندگانی لوکس هر روز مخارج ارباب‌ها که در شهرها زندگی می‌کردند زیاره دستگردیده، سران دولت و پادشاهان قاجار که خوش‌گذارانی‌های داخل کشور کفاف‌لذت و عیش و عشرت آنها را نمی‌نمود، هر روز هوس فونگستان می‌کردند و بر بدھی مملکت می‌افزودند، این همه مخارج با یدا ز جیب زارعین پرداخت می‌شد، اغلب به بناهای مختلف خرمنها تقسیم‌نمی‌شد و ارباب یک‌جا آنرا به نفع خود جمع می‌کرد، از میوه، از مرغ، از گوسفند حتی بسیار دیده شده است که از عایدات عملگی سهمی برای ارباب بنام "حق ارباب" گرفته می‌شد در صورت مقاومت در پرداخت ارباب‌ها و روسای ایل، قلچماق‌ها خود را به جان و نا موس دهای قیمن می-

انداختند. تحت این شرائط سخت دهقان ناچار بود راه چاره دیگری بیا بدمتا بلکه از محکومیت به گرسنگی و مرگ رها گردد. آوای کار و عملگی در شرق ایران و قفقاز، چه در معاون مس‌الله وردی و چه در معاون نفت قفقا زوباكو، چه حمالی در بنادر و مصب رودخانه‌های آن مناطق، او را به دیار غربت می‌کشانید. غربتی که شدیدترین نحوه‌های استثما روبه‌ره کشی توسط شروتمندان روسی که در حال رقابت با نفت خواران انگلیسی بودند را بدنبال داشت. بدین وسیله بود که طبقه‌تحتانی جامعه ایران که در روستاها بکار مزدوری می‌پرداخت در اثر شروع بهم‌خوردان روابط و مناسبات سنتی جامعه اصل و ریشه‌و شیوه زندگی سنتی خود را بتدریج از دست می‌داد یا در وطن خود دویا در غربت شدیدترین ظلم‌ها، فشارها و مصیبت‌ها را تحمل می‌کرد.

### ۱-۳-۱ : درجستجوی نا

همه شرائطی که بر شمردیم، وضع زندگی کارگران کشاورز و دهقانان را روز بروز و خیم ترمی کرد. آوازه حقوق و دستمزد توسط کارفرما یا روسی که با استفاده از تکنیک جدید و سیاستهای استثما وی موسسات خود را می‌گردانیدند، دهنشینان ایرانی را بیشتر به حرکت تهدیه شدند. آوازه حقوق و دستمزد تنشیها موردن علاقه کارفرما یا روسی واقع می‌شد، بلکه، بنا به کیفیت و مهارتخانه کارگرا ایرانی کارفرمایان و مسئولین حکومتی روسیه و سائل کوچ کارگران ایرانی را در فصول مختلف سال فراهم می‌آوردند. علاوه بر این، اغلب کارگران ایرانی، علیرغم مشکلات مرزی راهی آن دیار می‌شدند. در زمینه کوچ کارگران بسوی زدهقانان فقیر ایرانی که از ستم ارباب "هموطن" خود به مناطق ما و راه قفقا زکوچ کرده بودند نشونده‌های زیادی وجود دارد. بحثی رسول زاده تئوری بسین بر جسته سوسیال دموکرات ایرانی در این

## نوشته "Belova" (۲۱).

در مقايسه اي كه شداني مطلب جامع ترين است كه مسلح به مدارك و اسناد اطلاعات مي باشد، نويسنده در تحريراين بخش از جنبش سنديكائي ايران ازاين مقاله فايده بسيا ربردا شده و سعي كرده است اين اطلاعات را به شيوه يك بررسی متديك تاريخي و با استفاده از چند منحنى كه رشا يرانيان مقيم روسيه را درسالهاي ۱۹۱۱-۱۸۵۲ انشان مي دهد در اختيا ر علاقمندان قرار دهد.

گفته شد كارگران و دهقانان ايرانى بعلت تظلم زمين داران استشارگر در شرايط بسيا ربي زندگى مي كردند، شرائط و اوضاع زندگى آنها بهتر از بزرگان نبود، قحطى و سياست هاي مالي و ولخرجى هاي بي حدود حصرقا جا ربه اين اوضاع واحوال بيش از پيش دامن مي زد. عدمه ترين صنایع دستي در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بيشت صنایع فرش بافی، ابريشم تابي و چند "صنعت دست" ديجري بودند. وانگهی از قدیما لایا م بویژه در شمال ايران، بخش عظیم کارهاي کشاورزی بعهده زنان و کودکان بودواين شرائط درسالهاي وخیم قحطی به مردان خانواده ها فراگت می دادتا در آنديشه تازه ای برای نجات زن و فرزند خود باشند. مردان خانواده ها برای بذست آوردن امكانات مادي به سوي ماوراء قفقاز برآمی افتادند. يكى از عدمه ترين اين مناطق تا سيسات نفت ماوراء قفقاز بود كه طالب کارگران ايرانی می بود. بنا بنوشه

— ۲۱ —  
"Belova", "ob Otkhodnicove iz severo-zapadnovo  
Iran V Konce XIX - Naçale XX Beka" in Voprosy Istorii,  
Nº10, 1956, P.P. 112-121

دراين نوشته هرگاه از بهلوبا سخن مي رود ما خذما مقاله با لاست كه منبعاً على به زبان روسى مي باشد. خسرو شاکریاين مقاله را در جلد نخستین اسناد "تا ریختنیش کارگری ایران" با ترجمه فرانسه درسال ۱۹۷۹، انتشارات مزدک، فلورانش چاپ كرده است.  
La Social-démocratie en Iran P.P. 53-62

زمينه مي كند و فريدون آدميت دركتاب خود تحت عنوان " فكر دموکراسى درا يران" اشا را تى بدان مي نماید. عبدالصمد كا مبخش مورخ حزب توده كه اكثرا "نوشته ها يش مغرضانه است و بيشتر جنبه تاریخ سازی دارد را ين زمینه چيزهای نوشته است، مطالب سید جعفر پیشه وری در روزنامه آژیر (بعداً شهریور بیست) تحت عنوان "تاریخچه حزب عدالت" مقدمتاي "به وضعيت کارگران ايرانی مقيم با دکوبه و قفقا زو... مي پردازد كه خالي از حقیقت نیست و باسا پر نوشته ها هم خوانی دارد. گذشته ازاين، برخی از سازمان هاي سياسي خارج از کشور دراين زمینه يعنی درباره کوچا يرانيان برای کارهای فصلی یا دائمي مطالعی نوشته اند که اغلب منبع و ما خذارا ئه نمي دهنده همین سبب از کار علمي و متديك بدور می مانند.

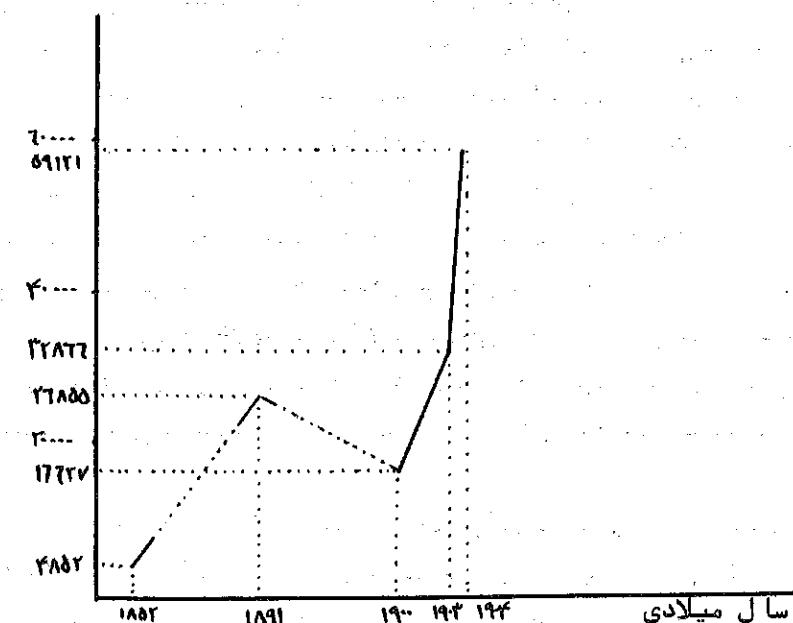
اين نويسنده برای دست يا فتن به اسناد و حقائق دراين با ب تقریباً "همه اين نوشته ها را مطالعه كرده پس اگر بخودا جازه مي دهد مطلبی دراين زمینه بنویسد" یا تحلیلی ارا شده ده فقط به دليل اينست كه مي خواهد حاصل مطالعات خود را به علاقمندان انتقال دهد. اما متأسفانه غالب اين نوشته ها عجلانه بوده و جنبه هاي تبلیغاتي سياسي داشته تا حقیقات علمي، مورخ گران قدر فريدون آدميت اگرچه دراين با ب خيلی خلاصه مي نویسد ولی جان مطلب واصل جوه رحکت را برمي شمارد. نامها و اشارات و آماری كه مي دهد در مقايسه با آمار سايرين درست تراست. علاوه بر اينها، در همین رابطه، مقاله اي بذست آمد تحت عنوان

*L'emigration de l'Iran Nord - Ouest*

*à la fin du XIX debut XX siecle*

### منحنی کوچ ایرانیان به روسیه‌تزا ری

هزار تن



"Gagmeister" در سال ۱۸۴۵ کارگران ایرانی برخی از صنایع دستی را به اینحصار خود در آورده بودند تا آن جمله بودند کارگران بنائی و کارگران نجاری. در استادیت شده در دفاتر مرزی ایران در سال ۱۸۵۸ "کلا" تعداد ۴۸۵۲ پا سپورت برای کسانی که عازم کار در روسیه بودند صادر شده است. این کارگران اغلب به شهرهای تفلیس، الیزا و تپول، شوش، شه ما هو، گنجه راهی بودند. علاوه بر این رقم، تعداد زیادی از ایرانیان از راههای غیررسمی و بدون کسب اجازه یا روا دید، اکثر آنها روشی رودخانه ارس خود را به خاک روسیه‌تزا ری می‌رسانیدند.

گسترش فعالیت صنعتی در واخر سالهای ۸۰ قرن نوزدهم و در رابطه با تغییر و تحولات اقتصادی وايجا درا ه آهن باعث شد تا کارفرمايان و دولت بمنظور بهره‌برداری از نیروی کار خارجی، عملانه دست به تشویقاًتی برای جلب نیروی کار در این مناطق بویژه در نواحی نفتی بزنند. در سال ۱۸۸۷ برای کارگران ایرانی ۵۰ سال اجازه اقامت به تمویب حکومت رسید. یک سند مربوط به شهرداری قفقاز، به تاریخ ۳۰ ماه مه ۱۹۸۸ انشان می‌دهد که شهرداری حتی برای کارگران بدون ویزا و پا سپورت اجازه کار و اقامت عمده‌ها در می‌کند.

ارقام مستخرجه از این مقاله‌ها زیرا پا سپورتهای صادر شده بدست آمده به قرار زیر است:

#### تعداد پا سپورتهای صادر

سال	تعداد پا سپورتهای صادر
۱۸۵۲	۴۸۵۲
۱۸۹۱	۲۶,۸۵۵
۱۹۰۰	۱۶,۶۲۷
۱۹۰۳	۳۲,۸۶۶
۱۹۰۴	۵۹,۱۲۱

فریدون آدمیت در "فکردموکراسی جتماعی ..." به مأخذ تحقیقات "عبدالله یف" که گویا به مدارک معتبر رسمی دسترسی داشته و به نقل از کتاب "تاریخ اقتصادی ایران" که مجموعه‌ای است از مقاالت گوناگون به زبان انگلیسی در سال ۱۹۷۱، تعداد عمله‌های ایرانی را که در سال ۱۹۰۴ با ویزا معمولی به روسیه مسافرت کرده‌اند ۵۴,۶۵۷ نفر ذکر می‌کنند و بعداً ضافه می‌نمایند در سال

در روسیه ۱۹۰۵ هزار کارگر موقت و ۳۴۰ هزار کارگردان شدند ، در سال ۱۹۱۳ فقط در معدن نفت با کووسا پرکارخانه ها ۲۰۹۲۵ نفر مردو ۱۹۱۵ نفر زن ایرانی کار می کردند . این رقم در سال ۱۹۲۰ به ۳۴۰ نفر مردو ۱۹۲۴ نفر زن افزایش یافت " (۲۶) .

**براساس گفته Sobotsynskij ۱۹۱۱** در سال ۱۹۲۷ روزی ایران و روسیه ترازی خروج ۷۶۷ نفر را ثبت کردند . در همین سال ۱۶۰ نفر برا ایران باز گشته اند . عبدالصمد کا مبخشم نیز این رقم را مورداستقاده قرار می دهد بی آنکه منبع سند آنرا ذکر کرده باشد . (۲۷) تا مبرده با لافاصله بدون ذکر مأخذ حدثی را که به لوا در مقاله مذبور ، درباره تعداد ایرانیان که همه سالها از ایران برای کار به روسیه ترازی می رفتند رقم ۵۰۰ هزار (سیصد هزار) نفر ذکرمی کند . حال آنکه به لوا در مقاله خود می نویسد : " تخمین تعداد کسانی که از ایران برای کار به روسیه می آمدند کا رساده ای نیست . اما ، تصویر می کنیم این تعداد در سال ۱۹۰۵ کیلومتر از ۵۰۰ هزار (سیصد هزار) نفر نبوده باشد . (۲۸) در حالیکه می بینیم بقیه نویسندها و محققین همچنان تخمین را به عنوان رقم دقیق بکار گرفته اند . اراده رقم دقیق با توجه به وسائل آماری آن زمان کا رساده ای نبوده است . اما بطور کلی با در نظر گرفتن اقوال کسانی که در این نوشته مورد استناد قرار گرفته اند میتوان به اشباع کارگران ایرانی در خاک

۲۶- ایران دوست ، "طبقه کارگر در ایران معاصر" مجله شرق نوین ، شماره ۲۰ سال ۱۹۲۶، ص ۸۵ به نقل از مقاله عون اللهی ، "نهضت کمونیستی و کارگری ایران" انقلاب ۱۳۹۰ کتبخانه ایران ، انتشارات حزب توده در خارج از کشور ۱۳۵۶، ص ۲۳۹ ایران دوست = پ. استروف ۲۷- عبدالصمد کا مبخشم ، نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران انتشارات حزب توده خارج از کشور ۱۹۲۲، جلد اول ، صفحه ۱۴

۲۸- به لوا ، همانجا

۱۹۰۵ سیصد هزار ایرانی به روسیه رفتند که قسمت اعظم آنها کارگران تشکیل می دادند . (۲۲) رقم اخیر به احتمال خیلی زیاد از نوشته به لوا اخراج گردیده که خود حدثی بیش نیست ، دلیل ما برای نکه این رقم سیصد هزار از مقاله به لوا است خراج شده اینست که بقیه ارقام مربوط به درصد کارگران شاغل در تاسیسات نفتی با دکوبه همان ارقامی هستند که به لوا در نوشته خود ذکر می کند . (۲۳) یک نویسنده روس بنام L.K. Artemonov می نویسد ، در سال های ۱۸۸۰ قرن نوزدهم تعداد دکسانیکه با پا سپورت از مزهای جلفا و هودوفرین ( Hudoferin ) (به روسیه وارد شده اند) به لوا در سال ۱۹۰۰ نفر در سال می رسد و اگر گمرگات دیگر را در نظر بگیریم و تعداد دکسانی را که بطور مخفی وارد خاک روسیه می شدند بده آن اضافه کنیم ، این رقم نزدیک به ۶۰ هزار نفر خواهد رسید . (۲۴)

**P.M. Maximovič - Vasyukovskij**

(در همین سالها) حدود ۵۰۰ هزار (صد هزار نفر) کارگر تراز ایرانی به روسیه وارد می شدند که سی هزار نفر از آنها اهل ارتباط بودند . (۲۵)

اما ایران دوست \* در مجله شرق نوین " در باره کوچ ایرانیان و تعداد کارگران شاغل داشتم و موقت به شکل زیرا ظهرا رنظر می کند ، ایران دوست منبع آماری خود را درج نمی کند . مقاله در سال ۱۹۲۶ به زبان روسی نوشته شده است ، با یاده منابع آماری موثقی دست داشته باشد : به سال ۱۹۱۵ در موسسات صنایع و تجارت قفقاز ۱۲۰ هزار کارگردان شمی ایرانی بکار مشغول بودند . در سال ۱۹۱۱

۲۲- فریدون آدمیت ، " فکردموکراسی اجتماعی و سیاسی ..." تهران انتشارات پیام ، سال ۱۳۵۵ ، ص ۱۵

۲۳- نگاه کنید به همانجا ، همان صفحه

۲۴- به نقل از به لوا ، همان ماخذ

۲۵- همانجا

\* - نا مواقعي ایران دوست و پ. استروف است

با دکوبه، عمله جات را آهن قفقاز، شیلات اطراف بحر خزو با رسی مصب شط ولگای حاجی طرخان همچین در کارهای بزرگ و کوچک شهرهای ترکستان می‌توان گفت بطورکلی ایرانی بودند.<sup>(۳۲)</sup> پسیاری از کارگران به امور زراعت و خدمات شهری و صنایع دستی مسی پوداختند.<sup>(۳۳)</sup> شرائط کاربرای کارگران ایرانی به بدترین نحوی بوده حتی آن شرائط سخت و پست رانمی توان تصور کرد. ایرانی قبل از انقلاب روسیه از قفقاز و ترکستان مانند گوسفند خرید و فروش می‌شد، قدر و قیمت وماحب و حمایت کننده نداشت. دویست حتی سیصد نفر در یک آنات کثیف به سرمی برداشتند، ما نند گوسفند زندگی سخت و طاقت فرسای خود را طی می‌کردند و برای ارباب پول در می‌آورند. قفقازی‌ها و اهالی محل، ایرانی را "همشهری" خطاب می‌کردندوا و را پست و حقیر می‌شمردند، حتی خود "همشهری" نیز برای خود شخصیتی قائل نبود. اورا تحقیر می‌کردند و در رستوران‌ها، ترن‌ها، در محل تفریح و تفرج اجتماعی راهنمی دادند. "هم شهری" از بردگاه و غلام‌ها دوره، اسارت پست ترو و حقیر تربود. او ما نند گویانات کارگر، کارکردن، زحمت کشیدن و کوتک خوردن خلق شده بود. خودا و همه، اینها را تحمل می‌کرد، زیرا در میهن خود علاوه بر اینکه از این پست تروا زا این حقیر تربود کارهای گیرش نمی‌آمد و زحمت باز و از هم خریدار نداشت.<sup>(۳۴)</sup> حال این بحث را از قول "بهلووا" ادا می‌دهیم، شرائط کارگرانی برای ایرانیان به بدترین نحوه‌ای بوده که تصور شغیر ممکن است، ایرانیان در محلهای که زندگی می‌کردند بسیار کثیف بود، امکانات بهداشتی

#### ۳۲- اشرپیشین

۳۳- برای اطلاع بیشتر در مورد مشاغلی که ایرانیان انجام می‌دادندگاه کنید به گزارش شهردار لیزا و تپول به نقل از مقاله "بهلووا" ص ۶۵ استاد...<sup>(۳۵)</sup>  
۳۴- روزنا مه آژیر، سید جعفر پیشه‌وری

روسیه ترا ری پی برد. این رقم در حدود سیصد هزار نفر می‌بوده است. مهمتر از رقم، شرائط کارگران ایرانی وابستگی‌های سیاسی و اجتماعی اوضاع و خصوصیات اقتصادی و فرهنگی و ملی و هنری می‌باشد. وانگهی حقوق و آزادیهای این مهاجرین، تلاش‌های یشان برای بدست آوردن این حقوق و نقش آنها در جنبش‌های اجتماعی آن مناطق و اشغالی و اشغالی و اشغالی آنها در این جنبش‌ها و انتقال تجربیاتشان به داخل ایران برای این بحث بیشتر قابل اهمیت است. کوشش می‌کنیم در ادامه بحث به این مسائل، شرائط، موضوعات و عوامل بپردازم.

#### ۲-۳-۱ : شرائط کارگران

به لذواز در بیان مهمترین مناطقی که ایرانیان در آنجا مشغول کاربوده‌اند از شهرهای لیزا و تپول، ایروان و تفلیس نام می‌برد.<sup>(۲۹)</sup> پیشه‌وری می‌نویسد: "ولی کارگران ایرانی از همه ارزان تر و پر کار تروقا نمودند".<sup>(۳۰)</sup> کارگران ایرانی از استیمال و بیچارگی حاضر می‌شدند پست ترین و دشوارترین کارها را در مقابل مزد بسیار رنا چیزگردن بگیرند. عده کارگران ایرانی معاون مزبور در اثنا جنگ بین الملل گذشته (اول) (به صدهزار نفر بالغ می‌شد).<sup>(۳۱)</sup> مزد ما هیا نه متوسط آنها از ده تومان تجاوز نمی‌کرد. با وجود این بیچاره‌ها مبلغی پس اندان ننموده برای فا میل خود را دادی مالیات‌های گوناگون و تما مین اشتھای انتهای ناپذیرا را با به ایران می‌فرستادند. علاوه بر کارگران نفت

۲۹- بهلووا، همانجا

۳۰- روزنا مه آژیر، "تاریخچه حزب عدالت".

۳۱- پیشه‌وری نیز منبع و مأخذی اراائه نمی‌دهد ولی رقمی را که اراائه می‌دهد در مقایسه با دیگر مواد خدیه واقعیت نزدیکتر است

ا صلا" وجودنداشت، حتی آب برای آشا میدن پیدا نمی شد، اکثر کارگران دچار بیما ریهای سخت می شدند که غالباً از پای درمی آمدند. مالاریا از بیما ریهای مرسوم بود که بیان کارگران را شکار می کرد. تنها غذای کارگران ایرانی نان لواش بود. بهترین وضع را کارگرانی داشتند که دریک کارخانه آلمانی بنام *Ellenendorf* که در شهر الیزاوتپول قرار داشت. در کارخانه حدود ۱۲۰۰ کارگرا بیرانی مشغول به کار بودند.

### ۳-۳-۱: کاروکارگری در مناطق نفتی جنوب روسیه

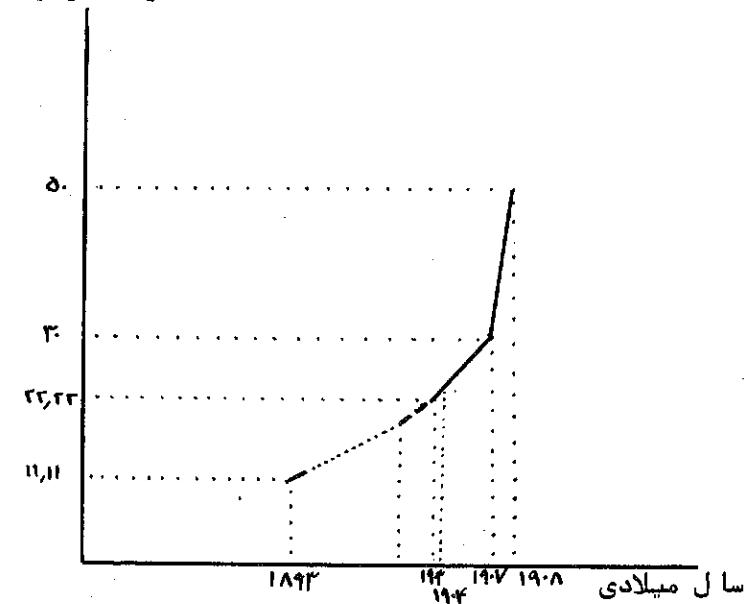
در آخرین چهاره قرن نوزدهم با دکوبه‌بیکی از مرآکز بزرگ صنایع نفت تبدیل می شود. تعداد دزیادی از کارگران ایرانی در این منطقه و در کارخانجات استخراج نفت شروع بکار گردند تا سرما یه‌داران تزاری بتوانند زرمندی سرما یه‌داران شیکاگوئی در آنها شتثروت واستثمار را حمتوکشان عقب نیفتاده باشند. ایرانیان عمده‌ترین رقم کارگران را احراز کرده بودند. در این زمانه از متن نوشته‌های "بهلووا" آماری بدست می آید که مرتب شده اشاره در ذیل ملاحظه می کنند. در این آمار رشد نیروی کارا ایرانی شاغل در موسسات این مناطق را می بینید که در ظرف ۵ سال از ۱۱٪ به ۵۰٪ افزایش پیدا می کند.

سال	تعداد کارگران	درصد ایرانی
۱۸۹۳	۷۵۶۵	۱۱٪
۱۹۰۳	۲۳۴۳۵	۲۲٪
۱۹۰۷	-	۳۰٪
(۳۵) ۱۹۰۸	-	۵۰٪

۳-۳-۲- برخی از این رقام را کامبیخ نیز در کتاب خود می آورد. اما منبع ما مقاله بهلووا به شقل از ص ۵۹۵۸ اشاره پیشین است.

منحنی رشد درصد کارگران ایرانی شاغل در تاسیسات نفت باکو.

### درصد کارگران



### ۴-۳-۱: تحلیل مقایسه دو منحنی

دو منحنی ارائه شد، اولی رشد کوچک ایرانیان را به روسیه تزاری در فاصله سال‌های ۱۸۵۲-۱۹۰۴ میلادی و دومی رشد درصد کارگران ایرانی شاغل در تاسیسات نفت باکو در فاصله سال‌های ۱۸۹۳-۱۹۰۸ میلادی را نشان می دهد. چه در منحنی نخست و چه در منحنی دوم هرگاه منحنی با نقطه چین

از ایرانیان مقیم در آن مناطق کارهای خود را عوض کرده باشد . بطور مثال از پیشه‌وری و سایر مشاغل و حرف بریده به تا سیاست نفتی که احتمالاً "دستمزد بیشتری میدارد" و امنیت شغلی "بیشتری داشته پیوسته باشد . بنا برایین ممکن است، آهنگ رشدکوچ، در مقایسه با منحنی دوم یکی نباشد . اما به حال به این نتیجه می‌رسیم که در سالهای ۱۹۰۸-۱۹۰۷ منحنی کوچ افزایش داشته است . این نتیجه‌گیری ظاهراً "با آنچه تاکنون توسط مورخین بویژه مورخین شورویستی (*Soviétique*) نوشته شده است مغایرت دارد . زیرا همه آینه‌ها می‌گویند در سالهای انقلاب مشروطیت مردم از مناطق جنوب روسیه به ایران بازگشتندتا در مبارزات برای آزادی خواهی و عدالت و استبداد شرکت کنند . این درست است که مردم آزادیخواه و متعهدسیاسی و آگاه و طرفداران ترقی و تعالی کشور، دارندگان آرمانهای والای انسانی به ایران آمدندتا در مبارزه شرکت کنند . اولاً آینکه تعداد آنها زیاد نبودند نیا "این تمام حرف نیست ، طرف دیگر مساله‌ای است که عده زیادی ، بعلل مختلف از جمله‌ها منیت و مسائل اقتصادی و اجتماعی و ... به مناطق جنوب شوروی کوچ کردندواین را تحلیل و مقایسه دو منحنی رسم شده بخوبی نشان می‌دهد .

علاوه برایین اگر به چندصفحه عقب تربا زگردیم (بعد از منحنی اول) به آماری که در مجله شرق نوین توسط ایراندوست ارائه شده نگاه کنیم اثبات قضیه یعنی افزایش تعداد افراد کوچ کننده تائید می‌گردد . درایین آمار گفته شده است در سال ۱۹۱۰ در صنایع و تجارت ۱۶۵هزار کارگرداشی کارمی کردند، در سال ۱۹۱۱ در روسیه ۱۲۰هزار کارگرداشی کارمی کردند، در سال ۱۹۱۳ فقط در معادن نفت باکو ۲۲۸۴۰ نفر (مردوzen) کارمی کردند، این رقم در سال ۱۹۲۰ به تعداد ۲۴۹۵۸۵ نفر (مردوzen) افزایش یافته است . بدین ترتیب می‌بینیم منحنی کوچ ایرانیان

رسم می‌شود منظور ما اینست که به صحت رشد منحنی، بعلت عدم دسترسی به آما ردیق اعتمادی نداریم . بطور مثال در منحنی اول از سال ۱۸۹۱-۱۸۵۲ فقط آما رتعداد کارگران در سال ذکر شده آما رسالهای قبل را در دست نداشیم . درایین فاصله ۴۱ سال ممکن است سالهای ائم وجود داشته باشد که منحنی برخلاف رشد صعودی سیر نزولی داشته است پس چون حتمنداریم نقطه چین گذاشیم . همین امر در مورد سالهای ۱۹۰۵-۱۸۹۱ نیز صادق است . در منحنی دوم، یعنی رشد درصد کارگران ایرانی شاغل در تاسیسات نفت باکو، همین روش درباره سالهای ۱۸۹۳-۱۹۰۳ بکار رفته شد و بجا رسم کامل منحنی که با یدم نوط برداشدهای آما ری باشد بجهت نقطه چین اکتفا کرده ایم تا سیر صعودی آن حتمیت نداشته باشد . و احتمال سیر نزولی را برای این دوره یعنی احتمال کاهش در صندکارگران شاغل در تاسیسات نفتی باکو را قائل شده باشیم .

با مقایسه این دو منحنی میتوان به این نظر سید که از سالهای ۱۹۰۵ میلادی منحنی کوچ رشد صعودی داشته است . منحنی درصد کارگران شاغل نیز از سال ۱۹۰۳ رشد صعودی یا حتی میتوان نتیجه گرفت که از ۱۹۰۰ رشد صعودی داشته است . به همین علت درایین منحنی (کارگران شاغل) از سال ۱۹۰۵ به این سورا با نقطه چین های بلند تر ترسیم کرده ایم .

از طرف دیگر هردو منحنی نشان میدهد در سالهای ۱۹۰۳-۱۹۰۰ در هر دوز مینه رشد صعودی وجود داشته، منحنی نخست نشان می‌دهد در سال ۱۹۰۴ نیز رشد صعودی بوده است . منحنی دوم این رشد را تا سال ۱۹۰۸ بطور صعودی نشان می‌دهد . طبیعی است بالارفتن درصد کارگران شاغل در تاسیسات نفت باکو (موضوع منحنی دوم) نسبت مستقیم با افزایش کوچ کنندگان دارد یعنی با یددرا این سالهای ۱۹۰۳-۱۹۰۸ تواند آهنگی نباشد که در منحنی دوم ترسیم شده زیرا ممکن است برخی

و آرزوی با زگشت نزدزن و بچه لخت و عور خود را در خاکهای نفت آلودته چاههای سرما یهدا ران روسيه با خود به گورمی برندند. با وجود اين فقط کارگران ايرانی بودند که از عهده اين کازهای سخت بر می آمدند، کشیدن نفت از ته چاه با دلو وطناب و وسائل اوليه از آن قبيل بود و هنوز وسائل تكنیکي پيشرفته بکار گرفته نمي شد. (۳۲)

#### ۴-۱: همبستگي ملي و اوضاع فرهنگي و سياسي کارگران ايرانی مقيم روسيه

خيلي زود "همشهری"، موجود يكها زبرده همپست تربود، به مبارزه برای حقوق خود برخاست. زيرا حقوق اوبيشترا ز حقوق ساير کارگران پايمال می شد. اگرچه تو نسته بود مشاغل فني مهمی را اشغال کندولی هنوز کار فرمايان او را به چشم بیگانه نگاه می کردند. دستمزدش نسبت به ساير کارگران (کارگران بومي) ۲۰٪ کمتر بود. در سالهاي نخستين اولين دهه قرن بيستم حدود ۵۰٪ کارگران تا سيسات باکورا کارگران مسلمان مهاجر ايرانی تشکيل می دادند. همانطور يكه گفتيم وضع زندگی آنها بسیار فجيع و تاسف با ربود. همشهری می خواست در برا برکار خوب، حقوق

۳۷ - جالب است خوانندگان، بویژه محققین علاقمند به جنبش کارگری و سندیکائی ايران بدانند آقای عبدالصمد کا مبخش با وجود اينکه کتاب خود را در روسیه شوروی تهیه کرده و از همها سنا د و مدارک دولتشی و رسمي برای تحقیق وضع کاروزندگی کارگران در این دوره می توانسته استفاده کند، اما در این با ب يعني در با ره وضع زندگی و کار و شرائط اجتماعی و مادی و سیاسی کارگران حتی یک کلمه همنمی نويشد. این عمل نشان می دهد فرادرجه اول و سرشناس حزب توده تا چهاندازه با تحقیق و پژوهش تاریخي فاصله دارد.

حتی سالهاي ۱۹۲۰-۱۹۲۵ سير صعودی داشته است. از اين تاریخ به بعد اطلاع آماری در دست نداريم ولی به جهت انقلاب و تغييرات اقتصادي و مدیریت کشور با يدبuda زاين سال رشد كوج، تزولی بوده باشد. نوشته ها ثی نشان می دهد که از سالهاي ۱۹۲۷ بعضاً زروع کستارهای استالینی تعداداً بزرگ شده کان به ايران از ياد پیدا می کند.

حال با زگردیم به مساله اصلی این بحث يعني شرائط کار و کارگری در مناطق جنوب روسيه.

علیرغم مناسب بودن سبی شرائط کار، اما هنوز شرائط کاروزندگی برای کارگران شاغل در تاسیسات نفتی با کوئی بسیار غیر انسانی بود. اغلب مسکن برای خوابیدن نداشتند، تا بستانها در زیر زمین درختان وزمستان های در انتها اطراف شهر روسی آلاجیق ها به سرمی برندند. (۳۶) ماکسیم گورکی نویسنده شهر روسی قبل از انقلاب دوباره اين مناطق سفر کرده و در آثار خود را باره وضع زندگی کارگران نفت نوشته و تا بلووا قعی اين فقر و بد بختی زاده اوصاف را با احساس و قلم خود تحریر نموده است، در آن زمان هنوز وسائل تكنیکی برای حفر چاه با ندازه کافی وجود نمی داشت کارگر در عمق دویست تا سیصد متری زیرزمین کار می کرد، از اغلب بلکه از همها اين چاهها موقع رسیدن به نفت گاز کربنیک که خفه کننده است بیرون می زند، با وجود تلمبه های تصفیه هوا، اما کارگران نمی توانستند به سلامت از چاه بیرون بیايند. گاهی بطور دسته جمعی به تعداد ۱۲، ۱۵ یا ۱۵ نفر در چاه خفه می شدند چه بسا کارگرانی که با صدها آرزو و تحمل این همه سختی وطن خود را ترک می کردند در ته چاهها نفت دارفا نی را وداع می گفتند و زون و فرزند و پدر و ما در خود را بمدت های طولانی چشم انتظار می گذاشتند

۳۶ - برای اطلاع بیشتر نسبت به وضع کاروزندگی کارگران ايرانی نفت با کومراجعه کنید به اشاره پیشین ص ۵۶

می کردند "هسته اصلی" اعتصاب آنجا را در سال ۱۹۰۶ اسا ختند.<sup>(۳۹)</sup> نقش آنها، همینطور در اعتصاب ژوئیه ۱۹۰۳، اعتصاب ۱۳ تا ۳۱ مبر ۱۹۰۴، اعتصاب ۱۹۰۹ که این آخری به مناسبت سالگرد اعتصاب ۱۹۰۴ آنجا می گرفت بسیار مهم بود.

تعدا دزیادی از ترک‌ها و مسلمانان قفقاز، مبارزات کارگران "همشهری" را در انجمان همت‌حایت می کردند، از آنجمله بودند: نریمان نروف، محمدامین رسولزاده، دکتر قرا بیکوف، سلطان مجید فندیوف، علاؤدین هاشمی و نویسنده‌گانی بودند که جنبش کارگران ایرانی را در آن مناطق پشتیبانی می کردند، ماشندجلیل محمدقلیزاده، محمدسعیدا ردوآبادی شاعرو نویسنده آذربایجان.

از آنجا که از نظر فرهنگ و زبان میان همشهری و بومنه‌سای آذربایجان توفیرزیادی وجود داشت، ایرانیان شاغل در این مناطق بمرور توانستند از روزنامه ملانصرالدین، یا روزنامه‌های "ارشا دُوا قبال"<sup>۴۰</sup> که به مسائل ملی می پرداختند، همچنان خستین حزب سوسیال دموکرات مسلمانان قفقاز بود. همچنان در فاصله سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۷ تبلیغات گسترده‌ای را در میان کارگران مسلمان شاغل در مناطق نفتی قفقاز برانداخت. این تبلیغات سبب یک سلسله جنبش‌های انقلابی گردید. در اعتصابات و تظاهرات تعددی کارگران با کودر سال ۱۹۰۵، کارگران ایرانی نقش بسیار ارزشمندی را ایفا کردند. "باید داشته شود که انبوه کارگران ایرانی در تاسیسات صنعتی قفقاز مزدور بودند، در آن اعتصاب سراسری (۱۹۰۵) روسیه‌نشارکت داشتند. همچنین بنا بر تحقیقات اخیر جماعت دوهزار و پانصد نفری کارگران ایرانی که در معادن مس "الهوردی" در ارمنستان کار

---

۴۸- دکتر نریمان نروف با تفاق محمدامین رسولزاده بعداً از رهبران حزب مساوات شدند. نگاه‌کننده‌فریدون آدمیت "فکردموکراسی اجتماعی" انتشارات پیام، تهران ۱۳۵۵

۴۹- فریدون آدمیت، فکردموکراسی و اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، انتشارات پیام، سال ۱۳۵۵، ص ۲۸

خوب بگیرد، می خواست جرم‌نهایر داد، می خواست از مرخصی و سایروسائل و امکانات فرهنگی استفاده کند، می خواست بهداشت و امنیت داشته باشد، می خواست در اتحادیه‌های کارگری شرکت کند، عضوشود، نماينده شود، نماينده انتخاب نماید، يعني می خواست از حقوق خودوسایر کارگران بطور مستعد جمعی دفاع کند. او که سال‌ها زیریوغ ستم قرار گرفته بود، قدروبهای این امکانات را خیلی خوب و بهتر از اهالی بومی می فهمید.

در همین ایام، در سال ۱۹۰۴ حزب سوسیال دموکرات روسیه برای اینکه بتوانند از نیروی کارگران خارجی مقیم باکوبای مبارزات سیاسی خود استفاده کند، انجمن سوسیال دموکرات همت را که رهبر و بنیان‌گذار آن نریمان نجف‌اول غلوتیریما نروف پژشک داشتند آذربایجانی بودنشکیل داد.<sup>۴۱</sup> یکی دیگر از رهبران آن یک بالشویک بنام "Nizogbekov" بود، همچنان خستین حزب سوسیال دموکرات مسلمانان قفقاز بود.

همچنان در فاصله سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۷ تبلیغات گسترده‌ای را در میان کارگران مسلمان شاغل در مناطق نفتی قفقاز برانداخت. این تبلیغات سبب یک سلسله جنبش‌های انقلابی گردید. در اعتصابات و تظاهرات تعددی کارگران با کودر سال ۱۹۰۵، کارگران ایرانی نقش بسیار ارزشمندی را ایفا کردند. "باید داشته شود که انبوه کارگران ایرانی در تاسیسات صنعتی قفقاز مزدور بودند، در آن اعتصاب سراسری (۱۹۰۵) روسیه‌نشارکت داشتند. همچنین بنا بر تحقیقات اخیر جماعت دوهزار و پانصد نفری کارگران ایرانی که در معادن مس "الهوردی" در ارمنستان کار

کارگران عضو شعبه جمعیت مجاہدکه در تاسیسات معاون مس  
اله وردی ارمنستان از قدرت زیادی برخوردار بودند، هسته اصلی  
اعتماب ۱۹۵۴ را تشکیل می دادند. این کارگران همینکه آوازه  
انقلاب را می شنوند بسوی شهر و دیا رخود سرا زیر می شوند، در شبکه  
ایرانی جمعیت مجاہدین در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اصفهان  
رشت (۴۱) به فعالیت می پردازند.

تا شیرپذیری مقابله کارگران ایرانی و رویی باعث شد  
اولاً مقداری از انقلابات شهرهای جنوبی روسیه مانند باکو و  
تا شکنده و قفقاز با همکاری کارگران ایرانی سروسا مانی بگیرد و  
از طرفی دیگر در اش رمها جرت کارگران به ایران افکار انقلابی در  
جامه ایران گسترش بیشتری پیدا کند.

این سالها، سالهای شروع آتش انقلاب مشروطه بود. کارگران  
میهن دوست و آزادی خواه و مبارز و حق طلب فوج بروای شرکت  
درا انقلاب به سوی زادگاه میهن خود سرا زیر می شدند تا درست خیزیز  
آزادی و عدالت سهم و وظیفه خود را ادا کنند. کاخ های استبداد  
تاریخی را فروریزند و بنای آزادی و مساوات و عدالت و ترقی و  
انقلاب را برپا سازند. کوله باری که کارگران از مبارزه و مجاهدت  
همراه خود داشتند، این را ارزش بود.

یکی "نوروز" و دیگری "حقایق" (ما هنا مدادی و سیاست بود)  
مدیر مجله حقایق میرزا علی محمدخان او بیسی از ما موران وزارت  
امور خارجه ناشر فکار ملی بود در عصر تزاران شعر در مقام آزادی  
منتشر می کرد، نویسنده‌گان مسلمان قفقاز چشم به ایران داشتند،  
دکتر شریما ن سویا لیست نمایشنا مه "نا درشاه" را می نوشته و  
محمد رسول زاده سویا ل دموکرات رساله سیاست "سیاست عصر ما"  
عزیز حاجی بگلی اپرای رستم و سهراب و "لیلی و مجنون" و  
"شاه عباس و خورشید بانو" می ساخت، مسلم مقاما یوف اپرای "شاه  
اسما عیل" می نوشت، میرزا علی اکبر ما بر اشعار قهرمانی در  
نهضت مشروطیت ایران می سرود. در مکتب خانه‌های آنجازبان  
فا رسی می خوانند و شعر فارسی از بر می کردند، روزنامه های  
متفرقی مسلمانان قفقاز به ایران می رسیدند و مشترکی داشتند.  
روزنامه "ارشاد" ضمیمه فارسی داشت، این روزنامه به کوشش ادبی  
الممالک فراهای انتشار می یافت، نویسنده‌ها جتماعی ایران  
طالب زاده تبریزی کتابهای علمی و سیاستی می نوشت و نشر معرفت  
می کرد. (۴۰)

این عوامل، علاوه بر رشد فکرات آزادی خواهی و جدا ن مبارزات  
کارگران را بیدار ترمی کردند از این آوردۀ ساختن اهداف  
تاریخی خود گامهای اساسی برداشتند.

در آستانه انقلاب مشروطیت ایران در نتیجه اعتصاب‌ها  
عظیمی که در بینگاههای صنعتی نفت با کورخ دادو در اثرا خراج  
دسته جمعی کارگران عده زیادی از آنها مجبور به شرک کار و مراجعت  
به ایران شدند. این نشان می دهد که کارگران مهاجر ایرانی در  
پرورش فکر انقلابی از همکاران انقلابی خود نه تنها عقب نبوده‌اند  
بلکه در شرائطی نیز برتری داشته‌اند.

سیاستی پراکنده شده دا منه و وسعت پیدا می کند، اما چون طبقه تحتانی جا معهینه دهقا نان، کسبه و پیشه و ران جزء و کارگران بیش از هر کس دیگرا بین حقوق و آزادی ها را زدست داده بودند به عنوان فعالترین نیروها وارد میدان میباشد تا برای احراق حقوق پایمال شده خود مبارزه کنند. نظریه پردازان سوسیال لیست و سوسیال دموکرات با شجاعت و آگاهی خود را بین طبقه را به مبارزه علیه ارتقای واستبداد فرامی خوانند. مبارزه برای حقوق کارگری در اثر توسل به تشکیلات تعاونی ها، انجمن ها، شورا ها و سندیکا ها اثکا شف پیدا می کند. از سوی دیگران دیشنه مبارزات کارگری و حقوق "طبقه" کارگر در ارتبا طمستقیم با پیدائی صنف و "طبقه" کارگرمی با شدکه در مرآکز تولیدی صنعتی بطور دسته جمعی بکار رفته است. اما کم و کیف این مرآکز، روندانکشا و تعطیل شان در رشد مبارزات کارگری تاثیر بسزائی دارد.

بعملی که در مبحث پیشین برشمردیم، این مرآکز تولیدی در بدوان مرقا در نبودن دیه حیات اقتصادی خود را داده دهنده کی پس از دیگری تا سپس و ور شکست می شدند. عدمه ترین مرآکزی که میتوانستند به مدت های نسبتاً طولانی باقی بمانند تا سیاستی بودند که به وسیله سرما پیدا ران خارجی ایجاد شده بودند و غالباً "مخازن و معادن طبیعی" ما را به یغما می برندند. نخستین جماعت کارگران ایران را در این عصر دهقا نان، پیشه و ران و صنعتگرانی تشکیل می دادند که به دلائل تغییرات در مناسبات تولیدی و دگرگونی ارزش های سنتی کار و سرما به، بخاطر تا مین معاش و پیدا کردن لقمه نانی حاضر بودند که مترين دستمزد قناعت کرده مزدوری در کارخانجات را پذیرا گردند. این کارگران در شما رتوده های بودند که در انقلاب مشروطیت علم عدالت و آزادی خواهی را بدوش کشیدند.

همان نظریه گفتیم بین پیدا شدن کارخانجات کوچک و بزرگ تولیدی و رشد تولیدات صنعتی و کارخانه ای از یک سو و پیدا شی

## فصل دوم :

### شكل گیری و تحول سندیکا های کارگری

#### ۱-۲ : انقلاب مشروطیت و اندیشه حقوق کارگران

انقلاب مشروطیت در واقع انقلاب برای عدالت خواهی و علیه استبداد و حق کشی طبقه حاکم ایران بود که در اثر هبری روشن فکران ابعد از های به عدالت خواهی سنتی ایرانی می داد. این نوگرانی منبعث از تعقل سیاسی غرب می بود که به ترویج مشارکت مردم در امور خودشان پایی فشار داد. چنان که می بینیم به تشکیل عدالت خانه و پارلمان، دونها دنبیان دین برای دگرگون سازی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جا مهدستی ایران منجر گردیده فراگر درشد را در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری باعث می شود.

مبارزه برای حق و آزادی اگرچه بوسیله روشن فکران و مبارزین

احزاب و سازمانهای اجتماعی که برای حقوق و آزادیها مبارزه می‌کردند از سوی دیگر را بطریق مستقیم وجود داشت، نتیجه‌ایین رابطه تلاش مردم برای برهم‌زدن روابط قدیم وایجا دروابط و مناسبات تازه بود.

انقلاب مشروطه حدود هفت سال بطول انجامید (۱۹۰۵ - ۱۹۱۲ میلادی) ۱۲۸۴-۱۲۹۱ هجری شمسی، مراکز مهم‌این انقلاب شهرهای بزرگ ایران از قبیل تهران، تبریز، رشت، انزلی، مشهد، اصفهان بودند. کارگران ایران در کنا رسانی را قشار انقلابی اجتماعی برای برقراری عدالت و آزادی مبارزه کردند. هرجا کارخانه‌ای بود، هرجا عده‌ای از کارگران کار می‌کردند، به ویژه در چاپخانه‌ها، روحیه حق طلبی و عدالتخواهی و آزادیخواهی نیز حضور داشت اگرچه تفکر انقلابی را روشن‌فکران به جا معاشرانه کردند اما در اقدام انقلابی همه اقشار و طبقات جا معدسه‌هیم و شریک ووارد عمل بودند، روشن‌فکر با خطابه و نوشته‌اش، آخوندیابستن مساجدو اعظامش، بازاری و کسبه با تعطیل کردن بازار روحیه و دکانش، پیشه و ربا قطع فعالیت تولیدیش، کارگر با اعتماد کارخانه‌کارگارگاهش، همه و همه در میدان‌های مبارزه علیه آزادی و حق کشی آماده بودند. دستاوردهاین جانشانی ها قانون اساسی ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ (اوت ۱۹۰۶) و تاسیس دوم مجلس یکی شورا یملی و دیگری سنای بود. در متمم قانون اساسی از نهادهای سخن رانده شده است که قاعده "موجبات رشد مبارزات اجتماعی را می‌باشد فراموشی آوردا زانجنه بود تشکیل انجمن‌ها.

#### ۱-۱-۲ : آزادی تشکیل انجمن

در متمم قانون اساسی بمحض اصل بیست و یکم تشکیل انجمن آزاد بود:  
انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به

نظم نباشد در تما مملکت آزاد است ولی مجتمعین با خود اسلحه نباشد شده باشد و ترتیب این را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند باید متأثر نمایند، اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باشد تابع قوانین نظمیه باشد". یعنی، آزادی انجمن‌ها و اجتماعات شناخته شده بود. پس با تشکیل انجمن‌ها و احزاب و اجتماعات مختلف جنبش‌های در طبقات مختلف پیدا شده و فراد روش اعم از کارگرو غیرکارگر عضویت احزاب و اجتماعات مختلف را قبول کردند.

اما ماده‌اول نظام انتخابات مورخه ۱۹ ارجب ۱۳۲۴ قمری صنفی بود و به هیچ‌وجه برای کارگران حق رای قائل نمی‌شود، از کارگران کارخانجات نامی برده شده چنانکه گوئی اینان وجود خارجی ندارندیا هنوز صغیراندیا دیوانه این ماده بقراط ذیل بود:

"انتخاب کنندگان ملت، در ممالک محروم ایران از ایالات و ولایات، باید از طبقات ذیل باشند: شاهزادگان و فوجواریه، علماء و طلاب، اعيان و اشراف - تجار مالکین - فلاحين و اصناف".  
و بدین ترتیب طبقات و اصناف مختلف نمایندگان خود را به مجلس اول فرستادند ولی از دوره دوماًین طرز انتخاب نماینده عوض شده و حق رای عمومی در این انتخاب نماینده شد و همه کس با حائز بودن شرائط توافق نماینده شرکت کند.

کارگران نام این موقع، مشخصاً "حق رای ندارند"، تلویجاً چنین نتیجه گرفته می‌شوند که کارگران با بیستی در کنار اصناف در رای دهی شرکت کنند.

در این ماده از کارگران هنوز بعنوان قشر اجتماعی نام برده نمی‌شود.

همزمان با افزایش کارخانه‌ها و تاسیسات کوچک و متوسط تولیدی تعداً دکارگران در سازمانهای "صنعتی" بالامی رود.

کتاب ، در ۱۲۸۴قمری، (۱۹۰۵میلادی) یعنی تقریباً همزمان با تشکیل حزب همت در بنا دکوبه، در تهران انتشار پیدا می کند. ناشر کتاب ما نندبیسای ری از روشنفکران دیگر هم عهد خود با مسائل کار و کارگری و مبارزات سندیکائی در اثرا رتباط با تفکرات غربی آشناشی پیدا می کنند. در این کتاب ، در باره توسعه اقتصادی و صنعتی، جمعیت های کارگری، شناخت حقوق کارگران و طبقه کارگر، حقوق کار، حقوق مربوط به تاسیس سندیکاهای حقوق مربوط به اقدام باعث ادب در باره دستمزد و ... گفتگو شده است . این کتاب از جمله نوشته های است که اثر زیادی در مبارزات کارگران و آشناشی آنها با حقوق شناسی گذارد. تقریباً "همه کسانی که در باره مبارزات و جنبش های کارگری و سندیکا در ایران ، مقاومت یا کتابی نوشته اند به این اثرا رزمنده، در زمان خود، هیچ گونه اشاره ای نکرده اند.

دیگر از اندیشمندان اجتماعی که در باره حقوق "طبقه" کارگران ایران قلمزده، کارگران را برای مبارزه تشویق کرد، رسول زاده است . او در رساله اجتماعیت (سویا لیسم) خود تحلیلی از اوضاع کارگری و تشکیلات آن می دهد. در این تحلیل به "نواقص آتی سرمایه داری" می پردازد، "عملجات وصف کارگران" را به شکل و مبارزه علیه بورژوازی فرامی خواند. او با اعتقادی بر ما را کسیسم اظهار می دارد: "در میان کارگروکارکن هرگز ائتلافی متصور نیست و تما مکشمکش های اجتماعی، در داده بزره طبقاتی بین سرمایه داران و کارگران قرار دارد". او در همین نوشته، در باره اعتماد کارگران علیه شرایط آهونی کارگفتگومی کندواز منافع پرولتا ریا حمایت می نماید و آزادی پرولتا ریا را از قید عبودیت سرمایه آزادی تمام نوع بشرمی داند". (۴۴)

اصل مساوات، حق رای عمومی بدون فرق اجتماعی ملیت،

بتدربیج در مراکز صنعتی انجمن های حرفه ای و تعاونی ها و بعد سندیکا ها بوجود می آیند.

درا وائل قرن بیستم، تبریزیکی از مراکز مهم صنعتی و کارخانه ای ایران به شماره رفت پا ئولویج در این باره می نویسد:

"درا وائل قرن بیستم حدودی کصد کارخانه، در تبریز وجود داشت که در این کارخانه ها قریب به ده هزار کارگر مشغول به کار بودند. در شهرهای دیگر از قبیل تهران ورشت نیز کارخانه هایی یافت می شدند که براساس شیوه های جدید تولید اداره می گردیدند. در تهران کارخانه برق، چندین چاپخانه، کارخانه های چوب بری، کارخانه های مکانیکی وجود داشتند. این کارخانه ها در سال بیش از سی هزار روبل در آمدداشتند. (۴۲)

با تجمع کارگران در این کارخانه ها، مسائل صنفی و مطالبات اقتصادی و رفاهی بیش از پیش مطرح و با پادرمیانی احراز و دسته جات سیاسی مبارزات کارگری برای بدست آوردن حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بمرور، دامنه وسعت پیدا می کند.

در همین سالها، ادبیات مربوط به روابط کارگروکار فرما و حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی انتشار می یابد. چنانچه گفته شد، نخست بار، میرزا محمدعلی فروغی در کتاب "اصول ثروت ملل" از کارگران ایران یعنوان طبقه کارگرنا می برد. (۴۳) این

۴۲ - پا ئولویج، تریا، ایرانسکی" انقلاب مشروطیت ایران وریشه های اجتماعی و اقتصادی آن" تهران، ۱۹۵۱، ۱۹۵۱جا پخانه نقش جهان ص ۴۲ و ۴۵ ترجمه م. هوشیار

۴۳ - فریدون آدمیت، "فکردموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، انتشارات پیا، تهران سال ۱۳۵۴

وقا نونی درجهت منافع کارگران و روشنفکران و مردم ترقی خواه به عضویت احزاب و اجتماعات درآمدند. در این احزاب اجتماعات حقوق کارگران محروم محترم شمرده شد و براساس مقررات و مواعظ این اجتماعات، آنها پایگاه های سیاسی و اجتماعی خود را یافتند، مسائله طبقه و مبارزه طبقاتی طرح گردید.

#### فرقه دموکرات

نخستین بار، بطور مدون، در دستورنا مه فرقه دموکرات ایران که همان دستورنا مه جمیعت اجتماعیون و عالمیون مشهد می باشد، نسبت به حقوق کارگران علقمندی نشان داده شد. ماده چهارم از مرا منا مه فرقه دموکرات ایران درباره حق تاسیس سندیکاها بحث می کند. (۴۶)

"حق اعتصاب، محدودبودن ساعت کار در شبانه روز، محدودیت سنی، مسائل مربوط به شرائط کار، وضع درمانی و بهداشت در کارخانه مورد توجه قرار می گیرد چنانچه در این مرا منا مه گفته می شود " "شناختن آزادی تعطیل" و آنچه در پارهای ممالک حق دست کشیدن از کار" کارگران سلب شده نمی توانند" بواسطه تعطیل تقاضای زیادی مزدویا کم شدن مدت کار بینما یند، مقتدرین و سرمایه داران به این خیال نیفتند که در ایران هم این حق مشروع را از کارگران سلب کنند". (۴۷) اصل دیگر محدودبودن مدت عمل در شب نه روز منتهی به ده ساعت است. هشت ساعت کارکاری است تا ده ساعت هم ممکن است، بیش از این حتما " باید ممنوع باشدوگرنه

۴۶- اسا سنا مه فرقه دموکرات ایران، ماده چهارم، به نقل از فریدون آدمیت، "فکر دموکراسی اجتماعی در انقلاب مشروطیت" ، انتشارات پیام، سال ۱۳۵۴، تهران، ص ۱۲۵ و ۱۲۶

۴۷- همانجا

بدون تفاوت بین فقیر و غنی و همچنین انتخابات ملی بر حسب تعدا دجمعیت نه بر حسب طبقات، به علاوه انتخابات مجلس باشد در زمان واحد شروع شود، هیات وزیران را مجلس معین کنند و در بر مجلس مسئول باشد. درجهت دموکراسی اجتماعی این اصول را می شناسد: حق اعتصاب کارگران، محدودبودن ساعت کار، تقسیم اراضی، مالیات مستقیم بر شرکت، آزادی اعتصابات یعنی، هرگاه کارگران به منظور سروسا مان دادن به کار خود، اعم از اینکه، این کار خصوصی یا سیاسی باشد، اعتصاب کنند، دولت نمی تواند مانع آن شود و یا آنها را اجبارا "به کارواز" دارد. آن عبارت بدین معنی است که حق دست کشیدن از کار را هم برای بهبود وضع کارگری و هم بمنظور مقابله جوئی سیاسی تائید کرده است از دیگر حقوق کارگری اینکه مدت کار روزانه را یادا زهشت ساعت تجاوز نکند.

"اما در تقسیم اراضی دهات و املاک سلطنتی (حالات) و هم چنین دهات و املاک ما لکینی که علاوه بر احتیاج زندگی آنها باشد باایستی اولی بلاعوض و دومی توسط بانک خریداری شده بین اهالی و دهاقین تقسیم گردد. در فرض مالیاتی گوید" مالیات و عوارض با یابه نسبت دارائی و سرما یه اخذ شدنه بطور سرانه یعنی مالیات های دولتی با یادا زعا بیانات تجارت و ملک گرفته شود هر شخصی چنین عایداتی داشته باشد با یادا زپرداخت هر نوع مالیات و عوارض معاف باشد بدان مأخذ تلویحا "طبقه دهقان و کارگر روزمزدو پیشه و در از هر مالیاتی معاف دانسته است. (۴۵)

#### ۲-۱-۲: موضع احزاب سیاسی درباره حق تشکیل سندیکاها کارگری و حق اعتصاب

پیروزی انقلاب مشروطه مولودیک سلسله تحولات حقوقی

هر مورد دخواستا رشوند آنها می توانند برای بدست آوردن توفیق در برآورده ساختن مطالبا تشان دست به تشکیل تعاونی ها  
برای اینکه کارگران روزگار را باز نمایند. (۴۹)

اساسا مه حزب فوق الذکر در ماده ۶ درباره، حق اعتراض چنین می نویسد. حق اعتراض یعنی اینکه کارگران روزگار را باز نمایند اگر بخواهند، می توانند بر طرف ساختن نیازهای مطالبا تشان بطور متشكل دست به اعتراض بزنند. (۵۰)

در ماده ۲ ساعت کار روزانه را برای کارگران صنایع چه کارگر با شند چه شاگرد (کارآموز)، کارمندان شند مثل میرزا یا حسابداری استاد کارگر را یعنی برای همه کسانی که مزدگیرند ۸ ساعت کار را در شبانه روز در نظر گرفته است. (۵۱)

سازمان انقلابی مجاهدین مشهد (سپتا مبر ۱۹۰۷ = شهریور ۱۲۸۶)

در بند ۷ ماده ۵ برنا مه سازمان انقلابی ایرانیان مجاهد متشکله در مشهد که این فرقه در انقلاب مشروطه نقش عمده‌ای داشتند درباره حق اعتراض سخن رفتہ بدین معنا، چنانکه کارگران مایل با شند برای سازماندهی امور خودشان می توانند تصمیم به قطع کار (اعتراض) بگیرند، این اعتراض می تواند کوچک یا بزرگ و همگانی باشد دولت نباید آنها را وادار به بازگشت بکار نماید. بند ۱۲ همین ماده درباره ساعت کارکه باشد ۸ ساعت در شبانه روز باشد اظهار

۴۹- نگاه کنید به اساسا مه حزب سوسیال دموکرات ایران به نقل از اسناد تاریخی...

*Histoire du mouvement ouvrier en Iran  
La Social-démocratie en Iran  
Ed. Mazdak P.P. 129-132*

۵۰- اشرپیشین

۵۱- اشرپیشین

برای حفظ الصحه مضر است.

مزدور بینجا رهبه سایر کارهای زندگی خودش نمی رسد. بعلاوه کار مزدوری برای بجهای که به چهار راه سال نرسیده باشد متنوع است مواطن به "لوازم عمل و حفظ الصحه کارخانجات" امری است ضروری مقصود است که دولت مراقبت نماید که گاری شکسته مسا فرسوار نکند و چوب بست بنای محکم باشد، طناب مقنی استحکام داشته باشد وضع کارگاهها و کارخانجات قسمی باشد که کارگران و مزدوران از ناخوشی مسری مصون باشند، هفتادی یک روز استراحت عمومی و اجباری برای همه افراد تصریح گردد. (۴۸) البته بعد از بمرور قسمت کوچک مفا داین دستور، همچنین برخی دیگر از تقاضاهای کارگری جا مه عمل می پوشد. لیکن هرچه تعداد کارخانجات بزرگ و درنتیجه تعداد کارگران افزایش پیدا می کند نیازهای تازه ائمی برای کارگران پدیدمی آید که در این شرایط بافتند به این نیازها کارگران از طرفی تعلقا تشان به کارخانه زیاد می شود و از طرف دیگر نیازهای جدیدتری ظهور پیدا کرده و مطرح می شوند. برای اینکه وضعیت کار و کارگری، سازمان و روابط کارگروکار رفتم درجا معرفه بصورتی رضایت بخش ادا مهدا شده باشد باید همواره روابط بین نیازهای تازه کارگران و وا بستگی های آنها به کارخانه مورد مطالعه قرار گیرد و کارگران مبارزات خود را براساس این روابط و نیازها سامان دهند.

#### حزب سوسیال دموکرات (مارکسیست)

که مورد حماست قشرهای پراکنده کارگری و پیشه وران و کسبه شهری آذربایجان بود. در اصل چهار رام از اساسا مه حزب سوسیال دموکرات ایران، آزادی حق تشکیل سندیکاها برای کارگران صنایع و پیشه وران در نظر گرفته شده است و اضافه گردیده کارگران با ورود وفعالیت در سندیکا می توانند نیازهای و مطالبات خودشان را در

نظرمی کند.

درا ینجا نیز راجع به حق تشکیل سندیکا ها نظری ایرادنمی شود. (۵۲)  
مرا منامه جنگلی ها

در هشتمین ماده مرا منامه جنگل که تحت سرفصل " کار آمده به محدودیت سنی کارگران، مبارزه با بیکاری و ایجاد توسعه موسسات و تولید شغل و کار روزانه است شرائط بهداشتی در کارخانه ها و به هشت ساعت کار روزانه و استراحت هفتگی اشاره شده است. عین این ماده را از قول آقا ابراهیم فخرائی نقل می کنیم.  
ماده هشتم - کار:

- ممنوع بودن کارمزدوری برای اطفالی که سن شان به ۱۴ سال نرسیده است.
- برآنداختن اصول بیکاری و مفت خواری بوسیله ایجاد موسسات و تشکیلاتی که تولید کار و شغل می نماید.
- ایجاد تکثیر کارخانجات با رعایت حفظ الصحه کارگران.
- تجدید ساعت کار در شبانه روز منتها به هشت ساعت، استراحت اجباری در هفته یک روز. (۵۳)

#### همت: سازمان سوسيال دموکرات مسلمان

در ماده ششم اساسنا مهاین سازمان حق اعتضاد آزاد شناخته می شود ذکر می شود کارگران می توانندست به سازماندهی اعتماداً با تاقتاصادی و سیاسی بزنندو دولت یا کارفرما حق ندارد

۵۲ - نگاه کنید به اساسنا مه سازمان انقلابی مجاهد شعبه ایرانی (مت Shankleه در شهد) به نقل اساسنا دص ۴۶ تا ۴۶ که خود نقل می شود از مجله دنیا شماره ۳ سال چهار

۵۳ - ابراهیم فخرائی، "میرزا کوچک خان سردار جنگل" ، ص ۴۶

در مقابل این حق کارگران سدی ایجا دکند.  
در ماده هفتم، گفته می شود که ساعت کار روزانه ۸ ساعت است و کارگران نباشد بیش از ۸ ساعت در شبانه روز کار کنند. (۵۴)

#### حزب عدالت

لازم به تذکر است که در بیان نهاده فرقه اشتراکیون - اکشیون ایران (کمونیست - بلشویک) عدالت، تنظیم شده در ژوئیه ۱۹۲۱ (اول ذی قعده ۱۳۳۹) که در مجله دنیا سال سوم شماره ۱ به چاپ رسیده (۵۵) نه در مورد سندیکا ها و نه در مورد اعتماداً با ت، سخنی گفته نمی شود. بعلاوه طبق گزارشی که از نخستین کنگره کمونیست های ایران نسی حزب عدالت، در دست می باشد (مجله دنیا و مجله انتشار نسیونال کمونیست شماره ۱۴۵، ۱۹۲۰) (۵۶) در این کنگره نیز نه در باره اعتماد و نه در باره سندیکا ها حرفی در میان نیست. در این دوره اسنادی وجود نداشت اینها "موقع حزب عدالت را در باره سندیکا ها حقوق کارگران نشان دهد. اما نقش حزب عدالت در تشکیلات کارگری قابل اهمیت است. ما علل عدم توجه به مسائل کارگری را در کنگره نخست حزب عدالت، در فصل بعدی تشریح می کنیم.

#### ۲- نخستین سندیکا و اعتمادها پی در پی

سندیکا ها در اروپا و در کشورهای صنعتی در شکم تعاونی ها رشد پیدا کردند و بعد از انقلاب صنعتی سازمان های خود را گاهی بطور آشکارا روزهای مخفی بوجود آوردند. در ایران علیرغم شرائط اجتماعی و اقتصادی متفاوت با این کشورها، تعاونی ها و سازمان

۵۴ - نگاه کنید به اسناد... همانجا، ص ۲۵!

۵۵ - نگاه کنید به اسناد... جلد ۱، ص ۶۴

۵۶ - نگاه کنید به اسناد... جلد ۱، ص ۷۳-۷۰

٤ تومان نخواهد بود. کارگرانی که از ۳ الی ۵ تومان مواجب دارند با یصدقی پا نزده بحقوق آنها افزوده شود. کارگرانی که از پنج الی ده تومان مواجب دارند صدی دوازده بحقوق آنها افزوده خواهد شد. کارگرانی که از ده الی پانزده تومان مواجب دارند صدی ده. کسانی که از پانزده الی بیست تومان دارند صدی هشت. آنها ائم که از بیست الی بیست و پنج تومان دارند صدی پنج بحقوق آنها افزوده خواهد شد. حقوق و مواجب کارگران سرموعد با یدپرداخت شود.

سوم - کارگری که بدون تقصیر از کار و شغل خود خارج می شود هر گاهش ما هیا بیش تر در خدمت بوده است. صاحب مطبوعه با ید، مواجب پا نزده روز علاوه به آن کارگر بپردازد. هر گاه بیش از یک سال سر خدمت بوده باشد باید، مواجب یکماه علاوه دریافت شماید. کارگری که بیش ترا زدوسال خدمت کرده باشد باید، مواجب یک ماه و نیم علاوه دریافت شماید. کارگری که بیش از ۲ سال خدمت کرده باشد باید، مواجب دو ماه دریافت شماید. به این طریق بر هر یک سال خدمت مواجب پا نزده روز علاوه شود.

چهارم - صاحب مطبوعه در صورتی که کارگری را می تواند بدون تقصیر از شغل خود خارج نماید که "قلاء" پا نزده روز قبل به کارگر اطلاع داده باشد. در صورت فروش مطبوعه کارگران بترتیب سابق در سر شغل خود بیانی خواهند شد. فروشنده مطبوعه با یدم مواجب علاوه کارگران را مطابق سنواتی که کارگران خدمت کرده اند بپردازد.

پنجم - سلوک و رفتار مدیرها و روسای مطبوعه با کارگران با یدبه هیچ وجه ارزناکت و ادب خارج نباشد.

ششم - هرگاه مطبوعه شب کاری مداری داشته باشد، صاحب مطبوعه

های صنفی بسترا صلی جریانا سندیکائی بودند. تعاوی های حرفه ای و اصناف درا غلب شهرهای بزرگ ایران از قبیل وجود داشتند و فعالیت می نمودند، سندیکاهای در بطن یا در کناراین تعاوی های اصناف متشكل گردیدند.

اما نخستین سندیکای کارگری ایران بوسیله کارگران چاپخانه در سال ۱۹۰۶ ایجاد گردید و کارگران عضوان اولین اعتصاب خود را برای بهبود وضع خویش و اجرای اصول و مندرجات اساساً مه با موفقیت آنجام دادند. در سال ۱۹۰۷، اعتصاب کارگران سندیکای چاپخانه ها بعنوان همدردی با یکی از کارگران حروفچین که بدستور اعتماداً سلطنه چوب خورده بود شروع شد و تا برگنای اواز ریاست مطبوعات ادا مه پیدا کرد.

سلطان زاده می نویسد: "نخستین کوششها برای سازماندهی سندیکائی بسال ۱۹۰۶ در زمان نخستین انقلاب هنگامی که کارگران چاپخانه های تهران تحت نفوذ نیرو مند حزب دموکرات نخستین اتحادیه خود را ایجاد کردند انجام گرفت." (۵۷) در همین سال اعتصاب کارگران چاپخانه برای کاهش ساعت کار روزانه تحقق پذیرفت. درنتیجه آن ساعت کار از ۱۴ ساعت به ۹ ساعت در شبانه روز کاهش یافت.

مطلوبات کارگران مطبوعه تهران به نقل از نخستین روزنامه کارگران ایران در عصر مشروطیت بنا می تفاصیل کارگران" بقرار زیراست:

اول - کارگران نباشد در هیچ مطبوعه ای بیش از ۹ ساعت کار کنند.

دوم - اقل اجرت و مواجب کارگران مطبوعه ها در (هر) ما هی کمتر از

۵۲ - سلطان زاده، "انتربنال سیونال سندیکاهای سرخ، آوریل و مه ۱۹۲۲" به نقل از اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال و دموکراسی و کمونیستی ایران، جلد چهارم، انتشارات مزدک، فلورانس، ۱۹۷۴، ص ۱۰۸

(شماره ۱، جمادی الثانی ۱۳۲۸) (۵۸)

دراین درخواست‌ها تقریباً "کارگران اصول و مبانی قانون کار رورفاه اجتماعی را بیان می‌کنندواینها مطالباتی بودندکه در آن زمان موردتوجه قرار نمی‌گرفته و اصولاً" مرجع یا نهادی برای رسیدگی آن وجودنداشت، مطالباتی که بعدها طبق قانون کار بهده دولت گذارد شدو دولت موظف به‌اجراء آن شد اگرچه بدآنها عمل نکرد.

در سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷) اعتضابات کارگری و کارمندی دیگری در ایران روی می‌دهد که مهمترین آنها اعتضابی است که در مارس ۱۹۰۷ بوقوع پیوست و تبدیل به یک اعتضاب عمومی شد. در این اعتضابات تلگراف‌چی‌ها درخواست اضافه دستمزد و مطالبات دیگری داشتند. (۵۹)

این اعتضاب پس از سه روز با گرفتن اضافه دستمزد و تعهد عدم اخراج اعتضابیون از کارپایان می‌یابد، درست است که این کارگران نمی‌توانند به همهٔ خواستهای خود برسند، اما طرح همین مطالبات نشان می‌دهد که سطح‌نیازهای کارگران در رابطه با مسائل اجتماعی و شغلی افزایش پیدا کرده است. عنوان نمودن این نیازها و مطالبات زمینه‌را برای مبارزات کارگری جهت - تعالی و ترقی شرائط کارکارگری و مطالبات اقتصادی و سیاستی و اجتماعی فراهم می‌سازد و از طرف دیگر نشان می‌دهد که چگونه کارگران پس از افزایش دستمزد حاضری شوند از دیگر خواستهای خود صرف نظر نمایند. ایوانف می‌گوید: "در طی سال‌های (۱۲۸۷-۱۲۸۹ شمسی) (۱۹۰۸-۱۹۱۰ میلادی) در بندرانزلی برای وقایق‌رانان اعتضاب

۵۸ - "اسناد تاریخی جنبش سندیکائی"، انتشارات پا دزه، جلد ۱۱ به کوشش خسروشاکری ص ۱۴۱-۱۳۸

۵۹ - ایوانف، "تاریخ مشروطیت ایران"، ص ۴۰

با یدیک دسته کارگر جدید"ی" برای شب کاری اجیرنما ید. حقوق وا جرت کارگرانی که شب کاری می‌نمایند باید از حقوق معمولی خودیک و نیم علاوه دریافت دارد. کارگرانی که مشغول شب کاری فوق العاده می‌شوند، غیراً حقوق روزانه خودبایدیک و نیم علاوه دریافت نمایند و بنه نوبت شب کاری کنند.

هفتم - غیراً زایعیاً دعمومی هفت‌های یک روز تعطیل و آسایش‌اجباری مخصوص هر ملت است.

هشتم - درصورتی که کارگری ناخوش شود باید حقوق یک ما همه به اداده شود. وقتی که کارگری ناخوش معالجه می‌شود، مجدداً "بررسی‌شغل خودباقی بماند.

نهم - هرمطبعه با یددا رای طبیب مخصوص خودبوده باشد. دهم - درصورتی که کارگری در موقع کار مجرح یا معیوب شود، تا مدتی که معالجه شود، با ید حقوق خود را دریافت دارد (بیش تراز ۳ماه‌خواهد رسید).

یازدهم - درصورتی که عضوی از اعضا کارگری در موقع کار معیوب شود، به تصدیق اطباء میزان خسارت وارد و تعیین شده حق الخساره به اداره خواهد شد. میزان و مبلغ خسارتی که به کارگرداده می‌شود، از طرف صاحب مطبعه و نمایندگان اجتماع کارگران تعیین خواهد شد.

دوازدهم - درصورت فوت کارگر در موقع کار باید مبلغی برای امرار معاش عیال و اطفال کارگر متوفی به تصدیق و تصویب اطباء و نمایندگان کارگران و صاحب مطبعه تعیین کرده پرداخته شود.

سیزدهم - هر یک مطبعه با یددا رای یک رئیس بوده باشد.

چهاردهم - با رضایت و تصویب صاحبان مطبعه و نمایندگان اجتماع کارگران نظاً مناسب برای کلیه مطبعه‌ها وضع خواهد شد. به نقل از اولین روزنا مکارگری ایران = اتفاق کارگران

روی میدهد، اعتصاب کنندگان از جمله تقاضا دارندکه ساعت کار را از ساعت به ساعت در شبانه روز تقلیل دهند و در مقابل اضافه کار دستمزد اضافه دریافت نمودند. اعتصامات با شکوه کارگران در سال ۱۲۹۶ شور و جنبش فوق العاده‌ای در تمام گروههای مختلف کارگری بوجود آمدی آوردواز طریق سازمانهای کارگری موجود به کارگران آگاهی‌ای داده می‌شد. کیفیت این فعالیت‌ها باعث می‌شود در تمام شهرهای ایران کارگران فعالیت خود را گسترش دهند و برای بدست آوردن شرایط بهتر کار روزانه‌ی با کارفرمایان مبارزه نمایند. در اواسط سال ۱۲۹۶ (شمسی ۱۹۱۷) کارگران شرکت نفت جنوب (شرکت سابق انگلیس و ایران) بدست بهاعتصاب گسترده‌ای می‌زنند، امپریا لیسم استشما رگران انگلیس که هرگز انتظار چنین واقعه‌ای را نداشت و بعلت های سیاسی و آگاهی‌ای که در مورد تشکیلات کارگری سندیکائی داشت از دادن هنرگونه امتیازات اضافی نسبت به کارگران اباء می‌کند. ابتداء با تهدید های شدید و وقتی که از تهدیدهای خود نتیجه‌ای عاید شد نمی‌شود گروههای سواره‌منظا خود را همراه با گروههای از ایلات جنوب به مقابله کارگران می‌فرستند و کارگران نفت جنوب را برای مدتی سرکوب نموده و آنها را به سرکار بر می‌گردانند. شرح این اعتصاب را در بخش سندیکاهای نفت جنوب می‌خوانید.

#### ۲-۱- جنبش سندیکائی آذربایجان، شمال و خراسان

در سال‌های انقلاب مشروطیت، اعتصامات مهمی در ایران بوقوع پیوست که ما برخی از آنها را در صفحات قبل شرح دادیم. از آنجا که اعتصامات آذربایجان، شمال و خراسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، در حدا طلائعات بدست آمده اعتصامات این مناطق را بطور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. مسلمًا "علاوه بر آنچه که در

کردند، در تهران در شکه‌چی‌ها و کارگران و کارمندان وزارت خانه‌ای هادراعتصاب شرکت جستند. (۶۰)

در سال ۱۲۹۶ (شمسی ۱۹۱۷) کارگران چاپخانه‌ای تهران برای افزایش دستمزد خود به اعتصاب دسته‌جمعی ۱۴ روزه‌ای دست می‌زنند. این اعتصاب را اتحادیه کارگران چاپخانه‌ای تهران رهبری می‌نمایند. مامورین دولتی برای سرکوبی اعتصابیون اقدام نموده و عده‌ئی از کارگران را دستگیر می‌نمایند. نمایندگان کارگران برای بدست آوردن خواسته خود در مجلس متحصن می‌شوند تا ینکه موفق می‌گردند اضافه دستمزد تقاضا شده را دریافت دارند و رفاقتی کارگر خود را که دستگیر شده بودند آرا دسانند. در این ایام سازمانهای کارگران بطور غیرقابل پیش‌بینی رشد می‌نمایند و صفحه‌ای مختلف کارگری بتبعیت از یکدیگر در بدست آوردن حقوق خود که سالها بوسیله کارفرمایان و دولت مستبدان زبین‌رفته بوده ایام می‌کنند. این اعتصامات خود مقدمه‌ای می‌شوند برای اعتصامات کارگری بعدی و هم‌مان با این جریانات در بعضی دیگر از شهرهای اتحادیه‌های کارگری دیگری به وجود می‌آید و فعالیت‌های خود را در رفع نیازهای کارگران صنوف مختلف گسترش می‌دهند.

در سال ۱۲۹۶ (آوریل ۱۹۱۷) دونفر ایرانی از تبریز و جلفا در انجمن کارگران راه آهن روسیه شرکت نموده و طبق قطعنامه‌ای از حقوق برادران کارگر روسی خود در راه آهن روسیه «فاع می‌نمایند».

در روز اول ماه مه ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) (اردیبهشت) ابتداء کارگران چاپخانه‌ای تهران با ۲۰۰۰ هزار عضو برای بهتر کردن وضع اقتصادی خود اعتصاب می‌کنند. سپس دیگر صنعتگران که دارای سازمانهای کارگری بودند به آنها می‌پیووندند و اعتصاب عمومی فوق العاده ای

اینجا ملاحظه خواهید کرد، اعتماداً بات دیگری نیز در شهرها بینا مبرده بوقوع پیوسته که فعلاً "استادومدارکی از آنها دردست نیست".

### آذربایجان

در سال‌های انقلاب مشروطیت که مرتب‌با "بین قوای خدا انقلاب مشروطه و قوای مشروطه خواهد درگیری وجودداشت و محمدعلی میرزا رهبرضا انقلاب مشروطه با هم‌دستی ارجاع از یک سو و کلنيا لیسیم روس و انگلیس از سوی دیگر، مشروطه خوانان را با استفاده از هر فرست، سرکوب و غارت و شکنجه و کشتن رمی‌کرد، مردم بویژه کارگران نیز آرام نشسته بودند و از جبهه‌ها مخالف ارجاع واستبداد را مورد حمله قرار می‌دادند. یکی از پایگاه‌های مبارزه، سندیکاهای کارگری بود که علی‌رغم جوانی و کم تجربگی مبارزه خود را علیه ارجاع به خوبی سازمان می‌داد. در آذربایجان بیش از سایر مناطق ایران مبارزات کارگری و اعتماد انجام گرفت. این مبارزات باعث پاره‌ای دست‌وردهای ملی شد

### اعتماد کارکنان گمرگات و پست وتلگراف تبریز

وقتی اعتماد عمومی تلگراف‌چی‌ها، از تهران شروع شد (ما شرح آنرا قبل‌ا" دادیم) در تبریز کارگران پست و تلگراف و کارکنان گمرکات به آنها پیوستند و اعلام همبستگی کردند. گمرکات تبریز بعلت مجاورتبا مرزا روپائی همیشه از ارزش بزرگی برخوردار بوده، اعتماد کارکنان گمرکات همیشه، با عث‌فلج شدن فعالیت تجاری می‌شد. از این جهت با یاری همیت آن آگاه بود. یکی از خواسته‌های کارکنان اعتمادی که مورده‌حتماً بود مردم شهر نیز بود، خروج و خلخال یده‌یئت‌مسئولین بلژیکی گمرکات بود (در آن زمان گمرکات ایران را بلژیکی‌ها دردست داشتند) قوای قزاق روسی دشمنان درجه‌اول انقلاب مشروطه بودند و در نیز گمرکات تبریز با قوای قزاق همکاری می‌کرد. به همین سبب اعتمادی بیون

خواهان برگنا ری او شده بودند. این اعتماد تا موقعی که آبدستور شاه رئیس‌گمرکات تعویض شد ادامه پیدا کرد.

### اعتماد سندیکای چرم‌سازان (دباغ‌های تبریز)

اعتماد کارگران دباغی تبریز از اعتماد بزرگ‌ترین دوره محسوب می‌شود. در این اعتماد کارگران نسبت به وضع اقتصادی و شرائط کاخودا عتراض می‌کشند. تاریخ وقوع اعتماد ۱۲۸۶ شمسی (۱۹۰۷ میلادی) می‌باشد. رهبری اعتماد در دست سوییال دموکرات‌ها (بخش تبریز) است. سه محفل دهنفری از سوییال دموکرات‌ها در جنب کاخانه چرم‌سازی تبریز فعلیت می‌کردند و در این کاخانه نیز نفوذ داشتند، اعماق این سه محفل غالباً "گرجی" یا ارمنی ایرانی، قفقازی بودند. این‌ها با پلخانف و کائوتکی در رابطه با مسائل تئوریک و شرائط ایران در ارتباط بودند. مطالبات کارگران اعتمادی دباغ به شکل زیر بیان شده است:

۱ - افزایش سطح دستمزد.

۲ - پذیرش (استخدام) و اخراج کارگران با یاری توافق سندیکا انجام پذیرد.

۳ - پرداخت دوپردا بر دستمزد برای ساعت کار اضافی (اضافه‌کاری)

۴ - پرداخت نصف حقوق درایام بیماری (۶۱٪) بعد از سه روز اعتماد، با آخره کار فرما، مواداول و دوم مطالبات را می‌پذیرد و کارگران کاخود را از سرمی گیرند.

آنچه که در با لاتحت عنوان، مطالبات کارگران اعتمادی باغ و رده‌شده‌نشان از منبع زیراست که خود ما خذا صلی را اراده‌نمی‌دهد. چندسال بعد سندیگری در همین زمینه انتشار یافت به شرح

نمی دهد، همانطورکه درسنده ملاحظه می کنید، تعداد کارگران دباغ را ۱۶۵ نفرمی نسأمد، تقاضا های کارگران درسنده دوم از ۴۰ مورده به ۱۵ موردا فزايش پیدا می کند و موارد ۱ و ۲ و ۵ و ۷ چهارموردی هستند که در سنده نخست آمده است. این سند نیز حاکی از اعتصاب سه روزه می باشد ولی می گوید خواسته های موارد ۱ و ۸ و ۱۰ برا ورده شده است. به نظر ما سنده دوم موردا طبقاً نبیشتری است.

در هر صورت، اگرچه کارگران در این اعتصاب نتوانستند همه مطالبات خود را به دست آورند. اما دست آورده این مبارزه به نوبه خود از اهمیت فراوانی برخوردار بود. ایکاش دست آورده های مبارزات کارگری قابو نیست پیدا می کردند و قانون از طرف همه محترم شمرده می شد و بدين گونه حاصل هر مبارزه بعد از مدتی از گف کارگران "شهر و ندا" بیرون نمی رفت و آنها مجبور نمی شدند همیشه از سر شروع کنند. این موردی است که همیشه در تاریخ مبارزات کارگران می توان ملاحظه کرد.

ضد انتقام مشروطه به رهبری صمدخان، فرد مورحمایت محمد علی شاه با حمایت قوای روس وارد آذربایجان می شود. عده زیادی از مبارزین را می گیرد و در دادگاه های فرمایشی ترتیب داده شده توسط دربار روس تزاری و محمد علی میرزا محاکمه می کنند و بسیاری را حتی بدون محاکمه می کشند. برای مدتی مبارزه اجتماعی را در برخی از مناطق آذربایجان خفه می سازد از آن جمله هستند مبارزین آزادی خواهی که ناشان در تاریخ ایران مانده و ما یهافتخرا رزنان و مردان با شرافت و انسان دوست و عدالت خواه است کسانی که علیه استبداد پیاخاستند و برای آزادی های سیاسی و اجتماعی و منافع توده مردم جان خود را از دست دادند. اینان اکثر "از پیشه و ران و اصناف و کارگران بازارتبریز بودند.

از نخستین کسان میرزا محمد حسن مقدس بود در مرا غه که شرحش

### زیر:

درنا مهای که یکی از سوییال دموکراتها قفقازی که سالهای انقلاب مشروطیت برای شرکت در انقلاب به ایران آمده بود برای پلخانف می نویسد چنین آمده:

"کارگران سه کارگاه دباغی تبریز برای تحقق خواسته های صنفی خود را رد اعتصاب شده اند، این کارگران که تعدادشان ۱۶۵ نفر بود مورحمایت سوییال دموکراتها را رگرفتند". خواسته های کارگران بقرازی بود:

۱ - اضافه دستمزد به مبلغ یک شاهی و نیم، بابت دباغی هر قطعه پوست.

۲ - استفاده و اخراج کارگران و شاگردان کارگاه با موافقتنامه کارگران.

۳ - تامین شرائط بهداشتی.

۴ - پرداخت مخارج بیمه ری توسط کارفرما.

۵ - پرداخت ۵۰٪ از دستمزد به هنگام بیمه ری.

۶ - تقلیل اضافه کار.

۷ - پرداخت دوبرابر دستمزد با بت اضافه کار.

۸ - عدم استفاده از اعتصاب شکنان به هنگام اعتصاب کارگران.

۹ - پرداخت دستمزد به هنگام اعتصاب.

۱۰ - عدم اخراج کارگران به علت شرکت در اعتصاب.

این اعتصاب مدت سه روزا دامنه پیدا می کند و خواسته های او

۱۱ - کارگران برآورده می شود. (۶۲)

از تطبیق این دو سنده میتوان نتیجه گرفت که سنده دوم از اعتبار بیشتری برخوردار است. اما متن اتفاق نه تنها شرمندما خذا صلی را اراده

۶۲ - خسروشاکری، مقاله، "تکوین و گسترش چنین که رگوی در ایران" اسناد تاریخی ... جلد ۱۱، استشارات پا دزه، ص ۱۱۵

کارگران شهری یعنی آن دسته که در کارخانه های تبریز کار میکردند دراین میبا رزه فعلا لانه نقش داشتند. در آن زمان از نظر جنبش کارگری و تشکیلات صنعتی و سندیکائی تبریز یکی از شهرهای مهم محسوب می شد، بعلت وجود چند کارخانه نسبتاً قابل اهمیت که با واردات روسی در حال رقابت بودند کارگران نیمه صنعتی بمرور افزایش پیدا می کردند. (۶۴) از سوی دیگر کارگران بازار روپیشه وران در تبریز همیشه یک مجموعه قوی را تشکیل می دادند.

سندیکای تبریز با همه خصوصیات ویژه شرقی خود و با توجه به شرائط خاص شهر تبریز تشکیل شده بعدها ز مدتها تغییرنا مداده و به حزب کارگر تبریز تبدیل شد (۱۹۲۰). ظاهراً این تغییرنا م با یاد درا شرنفوذا فرادسیاسی انجام گرفته باشد. براساس اساسنامه سندیکای تبریز هر کس که فردی را موردا استثما رومور دبهره کشی قرار نمی داده متکی به نیروی کار خود بودمی توانست عفوا یعنی سندیکا باشد.

در اوخر سال ۱۹۲۱ این سازمان حدود سه هزار عضو داشت. اعضای آنرا علاوه بر کارگران، پیشهوران و بازرگانان کوچک نیز تشکیل می دادند. در آن زمان اوضاع موسسات و کارخانه های تبریز از نقطه نظر فعالیت تولیدی و تعداد کارگران به شکل زیر یاد شده است:

نوع تولید	تعداد کارگاه یا موسسه	تعداد کارگران
-----------	-----------------------	---------------

فرش با فی	۱۷۵	۲۶۲۵
نخ ریسی	۱	۱۵۰

۶۶ - در هنگام جنگ برای مشروطیت مقاومت تبریز در برابر قوای صمدخان، روسها که با قوای دولتی همکاری می کردند چندین کارخانه تبریز را به توب بستند تا بجا کالای داخلی واردات محصولات روسیه بهترانجام پذیرد. از آن جمله می توان کارخانه کبریت سازی تبریز را نام برد.

را در تاریخ مشروطیت می خوانیم". چون او را گرفته به نزد صمد خان آوردند، دشنا مهای بسیاری گفت، سپس دستور داد دستار از سرش برداشتند و رسیبلش را کنند و در آن سرماهی بیخ بندان زمستان توی حوض انداختند، فراشان با چوبها چندان زدند، که پیر مرد پسر را به یکباره از توان افتاده درحال جان کنند بیرون ش آوردن دور بیسما ن بپایش بسته کشان کشان تا میدان ملارستم برده در آنجا از درخت نارون آویزان کردند. بدینسان پیر مرد پسر را با شکنجه جان گزائی از زندگی بی بهره گردانید. (۶۳)

همین عمل را با میرزا عبدالحسین انصاری کردند. گناه و رواج کتابهای ابرا هیم بیک و طالبوف و گفتار و نوشتن بروز نامه جبل المتنین می بود. (۶۴)

در تبریز، حسن وقا در فرزندان علی مسیو، قادربیش از ۱۳ سال نداشت، شقهای اسلام که در مقابله دادگاه راجع گفت من به وظیفه خود عمل کرده و از استقلال کشورم دفاع نمودم، ضیاءالعلماء حاجی علی دوا فروش، مشروطه خواه فعالی که در جریان انقلاب مشروطه نقش بزرگی ایفا کرد، میرزا محمد سلما سی رئیس دادگاه عالی تبریز صدیق الملک عضو شورای تبریز، فارع التحصیل مدرسہ آمریکائی ها، عضو کمیسیون ایران و ترک و صدها نفر دیگر که در محله های مختلف تبریز از جمله حکم آباد و محله میر خیز تیربا را نشاند. (۶۵)

### سندیکای تبریز

در دوران انقلاب مشروطیت مردم تبریز بزرگترین جانفشنایی ها را برای به شمر رسانیدن انقلاب کردند. طبقات رحمتکش،

۶۳ - "تاریخ مشروطیت"، احمد کسری، ص ۸۱۸

۶۴ - همان اثر، ص ۸۲۰

۶۵ - نگاه کنید به آرشیو "Huyssmans Co." استاد تاریخی ... جلد، ص ۲۱۹ و ۲۲۰

درجیا ن این مقام و مت و مبارزه که توسط سندیکای تبریز  
انجا مشتبای دنچ خیا بانی را فرا موش کرد. در این زمان شیخ  
محمد خیا بانی، مجا هدفدا کار، از شرکت کنندگان سرشناس جنبش  
مشروطیت وکیل مجلس دوم و مدیر روزنامه تجددره بری فرقه دموکرات  
را می داشت. او در میان مردم تبریزا شهرت آزادی خواهی بزرگی  
برخوردار بود. در حقیقت سندیکای تبریز بخشی از قیام شیخ محمد  
خیا بانی محسوب می شود. قیام می که در سال ۱۹۲۰ (همان سال  
تا سیس و فعالیت سندیکای تبریز) علیه کا بینه و شوق الدوله انگلو  
فیل در تبریز صورت گرفت به شهرهای ارومیه، خوی، اردبیل، مراغه  
سلماس وزنجان کشیده شد و با عث سقوط کا بینه و شوق الدوله گردید.  
قیام شیخ محمد خیا بانی با اقدامات خیله گرانه مخبر اسلطنه و  
بدستور مستقیم رضا خان بدست اسماعیل خان فضی فرمان نده قوای  
قراق اعزام شده به آذربایجان شکست خورد. برای ازبین بردن  
خیا بانی و اقدامات مترقبی او که به رشد افکار آزادی خواهانه  
دموکراتیک می انجامید، بیش از سیصد خانه متعلق به دموکراتها  
که اغلب در سندیکای تبریز فعال بودند، غارت شد. روز چهار ردهم  
سپتامبر ۱۹۲۰ بیشواری فدا کار و آشتی نا پذیر آن طی یک درگیری  
مسلحانه در منزل شخصی بنام حسن میانه چی به چنگ دشمن افتاد  
و به شهادت رسید.

جنبش خیا بانی نیاز به یک کاوش دقیق و عمیق و علمی دارد.  
کاوشی که بتوانند با استناد به اسناد و مدارک و شرائط عینی و ذهنی  
جا معده آن روز کا لبذا این مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری و ضد  
استشماری را ارزیزفا و پهنا بشکافدو ویژگی ها و دستاوردهای آنرا  
بدرسنی عرضه کند.

ما به خودا جازه نمی دهیم، در این کوتاه که در ارتبا طبا سندیکاها و  
سازمانهای شغلی و حرفه ای کارگران، اصناف و پیشه وران آن روز  
تبریزا است به قضاوت و اظهار رنظر در باره جنبش، "خیا بانی" بپردازیم.

## تعداد کارگران

	تعداد کارگاه یا موسسه	نوع تولید
۲۰۰	۲	با فندگی (فاستونی)
۱۰۰	۱۰	با فندگی (عبا)
۱۰۰	۲۰	با فندگی (نوع با فندگی مشخص نیست)
۱۸۰	۳۰	با فندگی (شال)
۵۰	۱۰	ظرف چینی بدلی
۱۲۰	۸	چا پخته
۲۵	۷	با اسمه
۳۰۰	۳۰	دخانیات
۵۰	۵	پاپیروس (دخانیات)
۵۰	۵	آجرپزی
۳۰	۳	باروت سازی
۱۰۰	۲۰	دوشاب
۲۰۰	۴۰	رنگرزی
۶۰	۱۰	صابون پزی
۵۰	۵	آن گدازی و گچبری
جمع		۳۸۱
به این فهرست با یدکارگاههای زیر افزود:		۴۴۰۰

۱ - کارگاههای کوچک صنعت  
گری نظیر آهنگری، ریخته  
گری، چلنگری، جوراب  
با فی، نانوایی، کفایشی

۲ - سایر کارگاههای پیشه  
وری؛ دبا غی، سرآجی،  
وغیره

وقتی مبارزات اجتماعی علیه استبداد با لامی گیرد، کارگران ما هیگیری لیانا زوف، با رانداران و قایقرانان به اقدامات گسترده‌ای برای بدست آوردن حقوق خودمی پردازند. را بینو دریا داشت‌ها خود در باره اعتمادیات کارگران ما هیگیری لیانا زوف می‌نویسد: "۲۱ نوا مبر ۱۹۵۶ ماهی گیرهای انسانی در تلگرا فخانه متحصل شدند و گفتند هرچه ما هی صیدکردیم باستی مال خودمان باشد تا کنون لیانا زوف هرما هی صوف را یکشا هی با آنها می‌داده است. ۲۰ نوا مبر میان صیادان انسانی و اجزای حکومتی نزاع شدویکنفر صیاد کشته شد. (۷۰) در اثر کشته شدن صیادی گناه مردم به پشتیبانی صیادان آمدند و لاجمن شهر انسانی از مردم دفاع کرد." اهالی انسانی عزل عمده‌ها یون را که از طرف سردار منصورنا یپ احکومت بود خواستند. ۱۵ دسامبر حکومت و شریعت‌مدار بدون آنکه قراری بتوانند بکارگران صیادان بدهند از انسانی معاودت کردند. (۷۱) اعتماد مردم با لاغرفت و حکومت وقت نتوانست و خواست به خواست و مطالبات کارگران ترتیب اشی اشی بدهد، کارفرمای روسی هم حاضر نمی‌شدستمزد کارگران ما هی گیر را با لابردتا اینکه مردم در ۳۱ دسامبر ۱۹۵۶ امتیاز ما هی گیری لیانا زوف را زیر علامت سئوال قرار دادند. را بینو چنین می‌نویسد: "اهل انسانی در برابر امتیاز لیانا زوف در باب صید ما هی و خرید ما هی صوف با اهل رشت بصدرا در آمدند و میخواستند "با یکوتی" به امتعه روس بکنند". (۷۲) این اقدام باعث عقب نشینی کارفرمای شودستمزد کارگران را می‌افزاید. در این اعتصاب ۵۰۰۰ نفر از ۹۰۰۰ نفر کارگران ما هی گیر در سندیکای کارگران ما هی گیران متشكل شده بودند. اما

در سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۴۶ اعتضادیاتی در تبریز واقع می‌شود، از آن جمله است اعتضاد معلمین در سال ۱۹۴۳ که شورای موسکوی سندیکاها کارگری ایران را تائید می‌نماید. همینطور تاسال ۱۹۴۱ (که پایان جلد اول سندیکا لیسم در ایران می‌باشد) بویژه در سال ۱۹۴۹ و ۱۹۳۱ و ۱۹۳۰ در گیری هائی سیاسی در رابطه با حزب عدالت و سندیکاها کارگری با دولت روی می‌دهد که از جزئیات آن اطلاعی در دست نیست.

### مبارزات سندیکائی در شمال

مبارزات سندیکائی در شمال ایران بعلت همرزی بامناظق کارگری جنوب روسیه و رفت و آمد کارگران به این مناطق از یکسو و دخالت عوامل روسیه‌تزاری و بهره‌برداری شرکتها وابسته به آن، از منابع طبیعی ایران و فشاری که کارفرمایان روسی بمنظور استثمار به کارگران می‌آورند از سوی دیگران را بعاد قابل توجهی برخوردار است. یکی از موسساتی که مرتبه "با کارگران کشمکش" داشت، ما هیگیری لیانا زوف (Lianazov) بود که امتیاز آن توسط ناصر الدین شاه به شخص نا مبربده داده شده بود. کارگران موسسه ما هیگیری لیانا زوف تحت شرائط سختی کار می‌کردند. کارفرمایی این میراطوری روسیه‌تزاری قرار داشت هرگونه اعتراض و مقاومت و مبارزه را به شدیدترین نحوی سرکوب می‌کرد و کوچکترین صدای مخالف را با گلوله پاسخ می‌گفت. کشته رهای پی در پی کارگران ما هیگیری لیانا زوف در تاریخ گیلان ثبت است. (۶۹) با پلندشدن آواز آزادیخواهی استقلال و دموکراسی و افکار مترقبی و تجمع افراد مبارز و روشن‌فکر در مناطق شمال ایران

۶۹ - نگاه کنید به یادداشت‌های را بینو به کوشش محمدرoshan، کتاب فروشی طاعتی - رشت، بهمن ۱۳۵۲، ص ۱۰۱ و ۱۰۰

۷۰ - یادداشت‌های را بینو، همانجا، ص ۱۰۰

۷۱ - همانجا، ص ۱۰۱

۷۲ - همانجا، ص ۱۰۱

مبارزات ماهی گیران با این شرکت به پایان نمی‌رسد. در دیماه ۱۲۸۷ شمسی (۱۹۰۸ میلادی) چندین با ردر موسسات ما هیگیری‌لیا نازوف در بحرخرا عتصابات کارگری واقع می‌گردد که کارفرما یا ن برای سرکوبی آنها از مقامات نظارتی تزاری و نیروهای قراقق استفاده می‌کنند. قراققان، با شدت عمل این اعتصاب را سرکوب می‌نمایند. اما مجدداً "در فروردین ما ه سال بعداً عتصاب دیگری صورت می‌گیرد. ایوان نف در با ره اعتصابات شمال می‌نویسد: "طی سالهای ۱۲۸۷- ۱۲۸۹ شمسی (۱۹۰۵-۱۹۰۸ میلادی) در بین دران نزلی با ربران و قایق رانان اعتصاب کردند". (۷۳) بیشتر اعتصابات با مستهشدن بازار و دکاریان به اعتصاب عمومی تبدیل می‌شدند. در با ره این اعتصابات استادزیا دی در دست نیست.

علاوه بر آنچه گفته شدستندی بدست آمده از تقی زاده، در آن دوره که از رهبران سوییال دموکراتها بود، این ستدنا مهای است که تقی زاده به پاریس برای کاظم زاده فرستاده بود کاظم زاده آنرا برای *C. Huyosmans* ارسال می‌دارد. تاریخ تحریر نامه ۱۵ مارس ۱۹۱۲ و مأخذ آن آرشیو *C. Huyosmans* است. این نامه در با ره اعتصابات شمال اطلاعاتی بدست می‌دهد، مخلاصه نامه را در زیر ذکرمی‌کنیم.

درا نزلی وقتی متعاقب اولتیما توم قوای تزاری اعتصاب عمومی اعلان می‌شود با زارو مغازه‌ها می‌بنند. همین هنگام قراقق های روسی از بازاری ها می‌خواهندتا مغازه‌های خود را بگشایند و به باربران می‌گویند با رهای کشتی های روسی را تخلیه کنند. در این شناه یک افسر روس بنا م عزیزبیک با قوای نظارتی خود و همراه با دو عضو کنسولگری در محل اعتصاب حاضر شده بیک با ربران اعتصابی را وادا ربه تخلیه با رهای کند، چون فرمان نمی‌بردا و را کتک می‌زنند و به او می‌گوید فرمان امپراطور است با یادآtatاعت کنی، با ربران پاسخ

۷۳- ایوان نف، "تاریخ مشروطیت ایران" ترجمه م. هوشیار، ص ۴۰

می‌دهد تخت فرمان امپراطوریست، عزیزبیک برادر شهمیر حرف با ربران چاره را می‌کشدو می‌گوید به امپراطور دشنا مداده است بدنبال آن، دیگرما مورین قراقق به روی با ربران اعتصابی بدون اسلحه آتش می‌گشایند.

در همین روز در شهر رشت، وقتی که انجمان منطقه‌ای تشکیل جلسه داده بود سرکنسول روسیه تزاری سوا ربرا سب به همراه قراققان خود به چا پخانه "عروه الوشقی" وارد شده استورمی دهدوز سائل چا پرا بگشتند، ماشین آلات را از بین ببرند، اوراق و نشریات و کتب را آتش بزنند. انجمان پس از شنیدن خبراین تهاجماتی شهر را به آرا مش دعوت می‌کند و می‌گوید کاری نکنید که بهانه و مستمسکی بدست آنها بیفتند. اما قراقق ها بروی مردم بی‌گناه و عا بین آتش می‌گشایند، ما مورین زاندار مری و کلانتری را خلع سلاح کرده به محل استقرار یک گروهای نظارتی که ظاهرًا آمانده حرکت به سوی تهران بود حمله و رمنی شوند. در آنجا غیر از دو سرباز کس دیگری را پیدا نمی‌کنند. آنها را می‌کشند و اسلحه و اسب هایشان را بر میدارند. از فردای همان روز به خانه ها می‌ریزند به بناهه جستجوی اسلحه تعدا دزیا دی ازا هالی شهر را که مرکب از کسبه و کارگران مغازه ها بودند دستگیری می‌نمایند، یک چنین اقدامی تا آن روز بی ساقه بود. همان روز، نکروسف (*Nekrossoff*) سرکنسول بیانیه ای انتشار داده و آنرا به درودیوار شهر نصب کرده طی آن مردم را به گشودن مغازه ها فراخوانده می‌گوید بنا م امپراطور روسیه از آنها حما بیت خواهد کرد. مردم طبی یک اعلامیه اظهار می‌دانند به حما بیت امپراطور روسیه نیازی نداشند و از کسی غیر از پادشاه مشروطه خودا حمدشان اطاعت نمی‌کنند. فردای آن روز سرکنسول روس دستور تخریب چا پخانه "خیرالکلام" را صادر می‌کند. این چا پخانه محل چا پا اعلامیه اخیر بود. بدنبال این ماجرا قوای روس به پست خانه حمله کرده شخصی بنا مسید عبدالوهاب را که

گزارش این حمله را به تهران تلگراف کرده بودستگی سروپهمراء رئیس کلانتری و دوازده نفر دیگر به زندان می‌اندازند. روز بعد زندانیان را در انباریک قایق آنداخته به باکو اعزام می‌دارند. در باکو آنها را در زندانهای انفرادی محبوس می‌کنند. در موقع اعزام، قزاق‌های روسی، زندانیان را با قنداق تفنگ کشک می‌زنند و آنها را واخدا ریه دویدن می‌کنند. بعد از دوهفت‌هزار زندانی کشیدن در باکو زندانیان را به رشت بازمی‌گردانند و با های بر هنر و در زنجیر بمدت چند ساعت در خیابان های شهری گردانند. فردای این روز، چهار تن از آنها را به داروی آویزند. در میان بدار آ ویختگان رئیس کلانتری رشت شیخ الاسلام "لنگرودی" بچشم می‌خورد. اما سید عبدالوهاب با پادر میانی دولت پس از دادن تعهد مبنی بر اینکه سیاست دولت تزاری را قبول می‌کنند از رشت تبعید می‌گردند.<sup>(۷۲)</sup>

در شمال ایران مبارزات کارگری چه در دوران انقلاب مشروطه و چه در زمان انقلاب گیلان و چه بعد از آن تا سال ۱۹۴۱ هرگز تعطیل نبوده است. مبارزات کارگران هم‌جنبه‌های اعتقامی و غیر مسلح نهاد شته و هم‌کاران در مرآحلی، در مبارزات مسلح نهاد شرکت می‌جسته‌اند. در نهضتی که سردا رمحی و دو برادرش و با همکاری "سرگو" در گیلان به راه آنداخته و به کمک انقلاب مشروطه شتاب فتند، کارگران تمام مناطق شمال شرکت داشتند. در جریان انقلاب گیلان، مبتنی بر دموکراسی شورائی، نیز کارگران فعال بودند، احسان‌الهخان در خاطرات خود می‌نویسد: "من از کارگران از نزدیک آنجا یک عدد ۳۰۰ انفرادی مسلح کارگری تشکیل داده بودم".

۷۴ - نگاه کنید به

*Histoire du mouvement ouvrier en Iran(1), La Social-démocratie en Iran, édition Mazdak, Florence 1979,  
P.P. 223-225 C. Chakeri*

علاوه بر این وقتی مردم گیلان همراه با سایر مخالفین نواحی مختلف ایران بوبیله تهران، علیه قرارداد ۱۹۱۹ (بین انگلیس و ایران) مخالفت می‌کنند، کارگران نقش عمده‌ای در تظاهرات مربوط به الگاء قرارداد ۱۹۱۹ بعده می‌گیرند.

تاسال ۱۹۲۱، قوی ترین و متشکل ترین سندیکاهای کارگری شمال سندیکاهای با ربراون، کرجی با نان و ما هیگیران از نزلی بودند. در این سندیکاهای بیش از هزار نفر غصه‌وتی داشتند.

از قرار معلوم کارگران بیکاران نزلی در سال ۱۹۲۲ میلادی (اردیبهشت ۱۳۰۲) اتحادیه کارگران بیکار اتشکیل داده بودند از چگونگی و اساساً مه و اهداف و ساختار را این سندیکا اعلاماً تی در دست نداریم. اما در بین اسناد منتشر شده اعلامیه‌ای بدست آمدتحت عنوان "اتحادیه کارگران بیکاران نزلی (گیلان)" عیناً نقل می‌شود.

شور (اردیبهشت ۱۳۰۲) ۱۹۲۳ مه<sup>(۷۳)</sup>

اعلامیه اتحادیه کارگران بیکاران نزلی (گیلان)

قابل توجه اولیاً امور خصوصاً "نما بندگان مجلس شورای ملی در موقعی که سرتاسر این کشور باستانی را فقر و فساد فراگرفته و اوضاع اقتصادی آن برتریگی و وحامت خود فزوده و یک آتیه خلی دشوار روستگینی را برای طبقه سوم تهمیه می‌نماید، درین این که طبقه اول و دوم این مملکت مد هوش از باده نخوت برای توسعه دائره تجارت و ایجاد صنایع و کشف معادن و اصلاح وضعیات اسفناک امروزه و اتخاذ ذاتی قطعی در رفاهیت قسمت اعظم از توده ملت که همه وقت قربانی هوی و هوس و استفاده‌های نا م مشروع همان‌ها شده تا این که امروز خود را در پرستگاه عدم کشانده‌اند. فکری جزاً ممه سلطه و حاکمیت و تحمل فرمان‌های مظلوم کش خودشان شده و با جدیت هر چه تما متریه‌ای زدیا دست گمی و اساساً فعل ما یشاء تی و تحکیم

فعال مثل داشتی زاده رهبر سندیکا کارگران را توقیف کرده و آنها را به زندان شهر رشت می برد . علیرغم همه این زورگوئی ها و حق کشی ها کما کان حزب کمونیست (عدالت) از رضا خان بعنوان یک جمهوری خواه دفاع می کرد .

در سال ۱۳۲۸، قوی ترین سندیکا های کارگران گیلان عبارت بودند از : سندیکا ماهیگیران، سندیکا باراندازان، سندیکا حلبی سازان، سندیکا کارگران انبار نفت ، سندیکا کلاه دوزها (در شهر رشت) .

### خراسان

خراسان نیز بنا به ساقه تاریخی خودا بن با رویزنه در جریان انقلاب مشروطیت و نه بعد از آن، از مبارزات آزادی خواهانه و متفرقی خودید و نماند . اما از نظر مبارزات سندیکائی سندیکا فرش با فان و کفا شان مشهد از اهمیت بزرگی برخوردار بودند . در اینجا فعالیت های سندیکائی کارگران مشهد را تنظیم کرده به رشته تحریر در می آوریم تا بلکه همگانی باشد برای دیگر پویندگان و مبارزین، وهم در مراحل بعدی اگر اسنا دی تازه بدت آمد به تکمیل این مبحث بپردازیم . (۷۶) دموکرات ها و سوسیال دموکراتها در دوران انقلاب مشروطه در مشهد فعال بودند . اینها هم علیه ضد انقلاب مشروطه در جنگ بودند و هم به سازماندهی سندیکا های کارگری و آگاه سازی زحمتکشان می پرداختند . و اینگهی در سال ۱۳۵۰ نجمن

۷۶ - جنبش دهقانی در خراسان بیویژه در میان اکرداد قوچان و بجنورد و در گز ... از مرتبه بالائی برخوردار است . این جنبشها اکثراً توسط دهقانان ساده علیه خوانین و قلچماق های آنها بوقوع پیوسته از آن میان میتوان قیام خدودوزلفوورشیدخان را در گز و قوچان نام برد .

بنیانی اما را ت خودکه روی پای ظلم استوار شده می کوشند ، در زمانی که فلاکت و پریشا نی با طبقه سوم دست بگیریان شده و هر روزه صدی دهالی صدی بیست آن طبقه را بیکار و بیکاران محلق می نمایند و دویا ، به عباره ای دیگر ، در هنگامی که فقارت چهره عبوس و منحوس خود را از افق این مملکت با یک منظره و حشتناکی جلوه می دهد ، ما کارگران بیکاران نزلی که هر یک به تدریج مبتلا به مرض مزمن بیکاری شده و به نوبه (خود) گرفتا راه و نا له عیالات گرسنه و بر همه خود هستیم ، همگی به یک جا جمع و اتحادیه ای بنا ماتحادیه کارگران بیکار گیلان در نزلی تشکیل و راجع به تهیه شغل و وسائل تامین معاش با مقامات مربوطه داخل مذاکره شده و نیز بوسیله این لایحه ازا ولیای امور تقاضای همه گونه مساعدت را نموده و مخصوصاً " از ساحت مقدس مجلس شورای ملی " تمنا داریم راجع به تهیه شغل توصیه شود و خاتمتا " خاطر تما " کارگران بیکار ایران را که مثل ما در گردا ب پی بختی و فقارت سرگردان هستند تذکر می دهیم که بگانه راه رسیدن به ساحل نجات همانا تشکیل اتحادیه و اتحادیه عمومی است و بس .

### اتحادیه کارگران بیکاران نزلی (گیلان) (۷۵)

در سال ۱۹۲۳ یعنی دو تا سه سال بعد از اینکه حزب عدالت همه نیروهای خود را بالا گذاشت ، از گیلان بیرون کرده و به شهرهای مرکزی گسل می دارد . کارگران و مردم انزلی در انتخابات مجلس چهارم همه کوشش خود را برای نماینده شدن محمد آخوند زاده بکار می گیرند . از سوی دیگر ، نیروهای مترقبی سیاسی و جمعیت های فرهنگی مثل " فرهنگت " و سندیکا های کارگری به همراه رای می دهند . سرتیپ محمد آبرمند نماینده رضا خان در شمال از این انتخابات جلوگیری کرده و شبانه آخوند زاده و عده ای از کارگران

۷۵ - اسناد ... شماره ۱۱ پا دزه ، ص ۱۴۳ منبع اصلی ذکر نشده است

بودند، کارگر ما و رئیس کارگار آخوندیه می گفتند اغلب کارگران را کتک می زد. و دیگری کارگران کفایت تقریباً "همان شرائط بالارا داشتند" ما انگیزه فعلیت سندیکائی در میان آنها فراوان بود.

در آخورد ۱۹۲۰ وقتی فعلیت سندیکائی در تهران فروکش می شود و نهاده میندگان کارگران و فعلیت سندیکائی به زندانهای رضا شاه می افتد. فعلیت های سندیکائی به شهرستانها منتقال پیدا می کند، جنوب، اصفهان، خراسان ز آن جمله اندکه هر کدام جداگانه در بخش مرتبه شرح داده می شود.

در سال ۱۹۲۸ اتحادیه کارگران فرش باف دارای هزارها عضو بود آنها صندوق تعاونی تشکیل داده بودند، کلاسهاي اکابر داشتند که در "بالاخیا بان" به کارگران بیسوا دخواهند و نوشتن می آمود. در سال ۱۹۳۵ مشهدیکی از تاریخ شهرها می بود که علیرغم اختناق توانست روزاول ماه مهر در کوه سنگی جشن بگیرد. در همین سال کارگران با انتشار بیانهای خواهان تقلیل ساعت روزانه کار را ۱۴ ساعت به ۸ ساعت شدند.

درا نتختا بات محلی دوتن از کارگران نامزدا نتختابات شدند عبدالحسین دهزاد (حسابی) و علی اکبر فرهودی که دومی کارگر قالی باف بود. این کاربه ابتکا ربرخی ازاعاتی حزب کمونیست که در مشهد کار مخفی می کردند صورت گرفت پلیس از نفوذ حزب در آنجا مطلع شد، چند روز بعد تعدادی از کارگران را دستگیر کرد و پیک با ردیگر دخلت حزب درا مور سندیکائی و آلت دست قرار داد کارگران برای رسیدن به اهداف سیاسی و یا فقط برای سروصدا راه آنداختن و تبلیغات حزبی باعث شد تا سندیکائی کارگران مورد یورش دیکتا تور قرار گیرد. بعد از سالهای ۱۹۴۱ یعنی بعد از شهریور ۱۳۲۰ در خراسان سندیکاهای به ویژه سندیکائی کفایت کفایش و فرش باف ها قوی می شوند ماما در جلد دوم این تحقیق به آن خواهیم پرداخت.

حزب عدالت در مشهد در میان کارگران فرش باف و کفایت فعال بود. صنعت فرش بافی در این سال‌ها توسعه یافت و بود و کارگران سندیکائی این دو صنف را تشکیل داده بودند. در اطلاعیه‌ای که حزب عدالت شعبه مشهد، در همین زمانه‌ها در میان کند چنین آمده:

"رعايا وزا رعين مظلوم ایران را که مرکب از چندین میلیون اند با يدبا يكديگر متفق كرده تشکيل انجمن‌هاي محكم دهاتي‌ها را بدھيم ... با يستى به آنها بيفها نيم که همچنان که يك‌دسته چوب وقتی بهم پيوسته با شد آنرا نمي توان در هم شکست، مگر اينکه آنها را از هم جدا کردو تک تک نمود. همین‌طور تما مظلمه ائي که به آنها می شود بوا سطه تنها ئي ويکه بودن است. أما دست‌جات متفقه، متشکله کارگران و رفقا متحده فقره را که برای مبارزه با دشمنان شان تشکیل می شود شکستن غیر ممکن است." (۷۷)

در خراسان، در سال‌های انقلاب مشروطیت تشکیلات سندیکائی فعال بودند. در انجمن‌های مشروطه خواه کارگران نقش عمده‌ای داشتند، روزنامه "نوبهار" به سردبیری ملک الشعراه بهار که ارگان دموکرات‌ها بود در عین حال سخن گوی سندیکاهای کارگری نیز می‌بود.

تشکیلات سندیکائی دو صنف در مشهد عمده بودند، یکی کارگران فرش باف که وضعیت بسیار بدی داشتند، شرائط کار آنها فوق العاده غیر انسانی بود، از طلوع آفتاب تا غروب و پا سی از شب گذشته کار می‌کردند، حقوق بخور و نمیری می‌گرفتند، در میان شان کودکان خردسال بسیار به چشم می‌خورد، کارگران فرش باف همواره مواد غذائی کافی به بدن شان نمی‌رسید، بعلت شرائط کار غلب بیمار

۷۷ - ایران‌دوست "ایران دیروز و مروز" به زبان روسی، مسکو ۱۹۲۸، ص ۱۰۲، نام برده نقل از عنوان الیهی

با حکومت وقت ایران و در آن شدت عملها یکمه قزاق هادر مبارزات کارگری داخل ایران انجام داده بودند گروهی از کارگران ایرانی شاغل در صنایع "بادکوبه" دست به اشغال کنسولگری ایران در آین شهر زدند. حزب عدالت در آین عملیات دست داشته است.

سلطان زاده دریکی از مقاولات خود در باره فعالیت حزب عدالت (حزب کمونیست بعدی) در بین کارگران روسیه چنین می نویسد: ما علاوه بر کارگران، فعالیت وسیعی در بین کارگران ایرانی مقیم آذربایجان (شوری) داشتیم و ترکستان انجام می دهیم. ما با سازمان دادن کارگران ایرانی در آین سرزمین ها هدفی دوگانه را تعقیب می کنیم: بازیکسو از طریق کلاسهای حزبی کارگران فعال را آماده می سازیم و از سوی دیگردا وطلبین را به سوی خود جلب کرده اعضای حزبی را برای مقاومت مدنظر می بسیج می کنیم در آین سرزمین ها، سازمان های ما از نزدیک با سلوهای حزب کمونیست روسیه همکاری می کنند." (۷۸)

در همین ایام حزب عدالت عده ای از کارگران خود را به ایران می فرستد تا سلوهای مبارزات کارگری را بوجود آورند. مهمترین این شهرها عبارتند از: زنجان، قزوین، خلخال، مرند، اردبیل، مسجدسلیمان. همانطوری که می بینیم دیگر تحولات اجتماعی و سیاسی واقعیتی که در آین سالها در سایه انقلاب مشروطیت در ایران در جریان بود مبنیه های رشد سندیکاهای کارگری را فراهم می سازند.

سلطان زاده در آین باره چنین می نویسد: "کارگران ایران مقیم با کوحتی به سال ۱۹۱۴ در تظاهرات خیابانی پر حراست علیه جنگ امپریالیستی شرکت جستند. به سال ۱۹۱۶ گروهی از کارگران

## ۲ - ۳: شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران (شمس کا) ۱۳۰۵-۱۳۰۴ شمسی (۱۹۲۱-۱۹۲۵ میلادی)

### ۱-۳-۲: نقش حزب عدالت

در سال ۱۲۹۵ (فوریه ۱۹۱۷) عده ای از کارگران ایرانی در باکو، حزب عدالت را تشکیل دادند. موسسین آن عده ای اسوسیال دموکرات ها بودند که در حزب بلشویک روسیه فعالیت داشتند. از جمله میتوان از حیدرخان عماد غلو، آوتیس سلطان زاده، غفارزاده نام برد.

حزب عدالت در میان کارگران ایرانی نفوذ فراوان پیدا کرد و در تاسیس معدنی و نفتی روسیه بسیاری از کارگران ایرانی را به خود جلب کرد و هسته های موجود آورده بعده "در مبارزات اجتماعی در آین مناطق تا شیرگذا رددند. فرقاً زو عشق آبا دو تاشکند از عده ترین این مناطق بودند. این حزب در حقیقت با افکار و عقاید خود طرفداری نمی کرد. همانطوری که در مباحث قبل گفته شد کارگران ایرانی خارج از کشور را به دو گروه می توان دسته بندی کرد: یکی کارگرانی که بطور دائم کار می کردند و در آین مراکز سکنی گزیده بودند و دیگری آنها که بطور فصلی در روسیه کار می کردند و مرتباً "بیندوسیه" و ایران در رفت و آمد بودند. گروه دوم در تحول اجتماعی ایران تا شیوه بسزائی نهادند. کارگران ایرانی در منطقه "بادکوبه" نفوذ و قدرت فراوان داشتند، آنها در جنگهای ضد عثمانی و انگلیس شرکت می جستند و در زد و خوردی که در آین سالها در "بادکوبه" اتفاق افتاده اند فراز کارگران ایرانی کشته و نفرخ خمی می شوند.

درا وائل سال ۱۲۹۷ (فرواردین) بعلت مخالفت کارگران ایرانی

"در میان آنان نمایندگان کمونیست‌های ایرانی مقیم ترکستان و قرقیز‌خپور داشتند. نمایندگان عمدتاً "از کارگران و دهقانان بودند و روشنفکران زیادی در میان آنان نبودند اما غالباً نمایندگان بیش از ۱۵ سال در جنبش ایران شرکت داشتند". (۸۱)

حزب کمونیست ایران کمی بعداً از شروع فعالیت، به سه جناح تقسیم شد. یکی جناح انتربن‌سیونالیست معتقد به انقلاب "کمال" کمونیستی که بواسیلهٔ تئوریسین مشهور سلطانزاده رهبری می‌گردید، یکی جناح مدافع انقلاب سوسیالیستی و جناح سوم طوفدان انقلاب بورژوا دموکراتیک که بواسیلهٔ حیدرخان وابو کوف (یاران دوران کودکی استالین) رهبری می‌شد. (۸۲) در کنگره نخست، تفکر غالب، تفکر سلطانزاده بود که اکثریت پیدا می‌کند. این کنگره دربارهٔ تشکیل سازمانهای سندیکائی هیچ مصوبه‌ای ندارد.

زیرا حزب کمونیست در این دوره معتقد به انقلاب و در دست گرفتن قدرت از طریق عملیات نظامی و جنگ و "انقلاب کمال" کمونیستی است. در برنا مهیا "پیشنهادات حتمی الاجراء"، از مسلح‌کردن دهقانان سخن گفته می‌شود به کارهای دموکراتیک و دادن آگاهی و مبارزات اجتماعی اهمیتی نمی‌دهد. بالطبع تشکیلات سندیکائی نیز نمی‌توانسته از این امر مستثنی شود، پس بدون اهمیت جلوه‌داشده و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مدافع این ترز سلطانزاده می‌باشد. همان‌طوری که گفتیم اوردنخستین کنگره حزب عدالت (کمونیست) اکثریت آراء را بدست می‌آورد. اعمقاد است در ایران که بیش از هزار سال یا بیشتر تجربه پشت سرگذاشت و قدرت

ایرانی باگرایش‌های بلشویکی با نفوذ حزب سوسیال دموکرات، مدتی طولانی به کار مستقل در میان توده‌های پرولتیری باکوکه اکثرشان ایرانی اند پرداختند. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ ایس گروه رشدی‌ایافت، نفوذ آن در میان توده‌های کارگری افزایش پیدا کرد. در عین حال کاربزرگی در خودا بیران انجام می‌گرفت و اغلب بهترین کارگران برای تبلیغ و سازماندهی به آنجا فرستاده می‌شدند. بسیاری از آنان هم‌اکنون در زندان‌های تهران، قزوین و دیگر شهرها زندانی‌اند. بسیاری را انگلیسی‌ها یا به هندوستان تبعید کرده‌اند. تیرباران کرده‌اند. سال گذشته در رشتیکی از بهترین رهبران ما، رفیق غفارزاده، الها مدھن‌ده و سازمان دهندۀ بزرگ حزب کمونیست ایران را تیرباران کردند. دو ماه قبل به‌هنگام اشغال اربدیل از طرف گروه انقلابیون ایران، هفده تن از رفقای فعال ما از زندان آزاد شدند چند تن از اینها بیش از یک سال در زندان بسرمی بودند. (۷۹)

### ۲-۳-۲: تشکیل شورای مرکزی سندیکاهای کارگری ایران

عده‌ای از ایرانیان عضو "حزب عدالت" که در انتربن‌سیونال سوم شرکت داشتند در روز ۲۳ زوئن ۱۹۲۰ در شهر ازگانی نزلی نخستین کنگره خود را تشکیل دادند و این حزب را به حزب کمونیست ایران تغییر دادند. (۸۰) تعداً دنما نمایندگان شرکت کننده در نخستین کنگره بنا به قول سلطانزاده ۴۸ نفر بود که از نقاٹ مختلف جمع شده بودند.

۷۹ - اسناد تاریخی ... جلد چهارم، ص ۴۸ و ۴۹

۸۰ - پراودا Praveda / 14 Juillet 1920 در این

مقاله‌نویسنده پراودا ضمن اعلان تأسیس حزب کمونیست ایران از میرزا کوچک خان به نمی‌کی نام می‌برد و افرادی نزدیک به حزب کمونیست می‌دانند. به نقل از اسناد تاریخی ... جلد نهم ص ۱۱

۸۱ - اسناد تاریخی ... جلد چهارم، ص ۴۸  
۸۲ - شاه رخ وزیری

"Du Ghanat à l'émigration" - Lausanne 1978

های مشرق زمین، تزهای حیدرخان را تائیدی کند، رهبری حزب بدست شخص اخیر می‌افتد.

اما با فراهم آمدن زمینه‌های قرارداد ۱۹۲۱ و سازش دو قدرت، به آرمان گیلان سوسیالیستی که مبتنی بر دموکراسی شورائی است توسط انگلیس و اتحاد جما هیرشوری خیانت می‌شود سرکوب نهضت جنگل بوسیله رضا خان تحقق می‌باشد.

قوای ارشش سرخ که قول حمایت از نهضت جنگل را داده بود خود را عقب می‌کشد. بعداً رشکست حزب عدالت مجبور می‌شود همه نیروهای خود را از شمال به داخل کشور گسیل دارد و به کار دموکراتیک و مبارزات سیاسی و بوجود آوردن تشکیلات سندیکائی در داخل کشور بپردازد.

کیفیت کاروفعالیت کلا "تفاوت پیدا کرده و فعالیت بنشکیل هسته‌های سندیکائی و کارگری در داخل کارخانه‌ها می‌پردازند. در اینجا است که شرائط بهداشت و ایمنی کارخانه، ساعت کار کارگر، دستمزد و ... مسائلی که در کنگره نخست به هیچ وجه مطرح نبودند بعنوان مسائل روزعنوان می‌شوند.

آنچه مسلم است حزب کمونیست ایران (عدالت) در تشکیل شورای مرکزی کارگران ایران نقش مهمی داشته است. اگرچه سندی نیست که ثابت کند سید محمد دهگان دبیر شورا عضو حزب بوده حال آنکه خواهیم دید او با بین‌الملل سندیکاهای سرخ بطور تشکیلاتی همکاری می‌کرده است.

در سال ۱۹۲۲ بود که سازمان واحد بوجود آمد، تا بتواند سندیکاهای مختلف کشور را در یک مرکز متحده‌ها هنگ سازد. این سازمان کارگری "شورای مرکزی سندیکاهای کارگری ایران" نامیده شده برای سهولت درخواست و نوشتن از این به بعد آنرا به "شممسکا" تخلیص می‌کنیم.

"شممسکا" با مشارکت سندیکات اسپیس یافت. این سندیکاهای عبارت بودند از: سندیکای کارگران چاپخانه‌ها، سندیکای کارگران

حاکمه را در دست دارد (منظورش گیلان است ف.ق) نباشد جنبش بورژوا دموکراتیک حمایت کرد، چنین حمایتی توده‌ها را به داده من خدا نقلاب خواهد نداشت درا بینجا (ایران ف.ق)، "در مقام مقایسه با جنبش‌های بورژوا دموکراتیک مسالمه عبارتست از انجا محفظ انقلاب کا ملا" کمونیستی هر قضاوت دیگری در این زمینه می‌تواند نتایج تاسف‌انگیزی به با راورد". چنین تزی اگر متکی بر داده‌های جامعه ایران می‌بود بدون تردید رائه نمی‌شد. (۸۳)

گذشت زمان نشان داد، در شرائط انقلاب، ایران آنروز، تنها می‌توانست با اتکاء به مبارزات ملی و دموکراتیک به مرحله سوسیالیستی نزدیک شود، زیرا بدون تدارک پایه‌های مادی و سیاسی، و فرهنگی و فنی وايجا دمحمله‌ای اجتماعی (از آنجلمه سندیکاهای احذا و روزنامه‌ها ...) انقلاب سوسیالیستی حرفی بیش نیست و به دیکتا توری محض می‌انجامد.

جنایت دیگری در داخل حزب کمونیست وجود داشت که توسط حیدرخان عموماً و غلی رهبری می‌شد که از انقلاب سیاسی و تدارک قیام مسلح‌انه، تبلیغات در جرائد، تبلیغات فوری برای تجدید سازمان سندیکاهای صنعتی، تشكیل کارگران، آگاهی طبقاتی و ... گفتگو می‌کند. این جناح اعتقاد به جنبش بورژوا دموکراتیک دارد. در این باره سندی در ۱۹۲۵ به امام عموا و غلی انتشار یافته است. (۸۴) با لآخره بعداً زکشمکش‌های زیاد در داخل حزب، کنگره خلق

۸۳- نگاه کنید به اسناد تاریخی... نطق ۲. سلطان زاده (نماینده ایران) در اجلاسیه پنجم کنگره دوم انتربن‌سیونال کمونیستی، به تاریخ ۲۸ زوئیه ۱۹۲۰

۸۴- نگاه کنید به اسناد تاریخی... نطق ۲. سلطان زاده (نماینده ایران) در اجلاسیه پنجم کنگره دوم انتربن‌سیونال کمونیستی، به تاریخ ۲۸ زوئیه ۱۹۲۰

*Admire/France, Asie, série E/ perse Doss, 37/1, 71-72  
Revue du Monde Musulman, V. 5, 1922, P.P. 144-145*

سازان بیشتر به مسائل تهیجی و به حرکت در آوردن نیروی کارگران آگاه ساختن آنها نسبت به مبارزه می پردازد. در این اعلامیه از "حضرت احادیث" یا دمی کندودر عین حال کارگران را به مبارزه علیه اشرافیت فرامی خواند. متن اعلامیه "اتحادیه دوازمان تهران به نقل از روزنامه کارگر تاریخ ۲۷ حمل (فروردین ۱۳۵۲) در زیرمی آید.

رفقای رنجبر، قرن بیستم است. ارکان عالم سرما یهدا ری که سبب محاکومات اشرافی است در اقطار عالم از نهضت خشم توده کارگری مرتضی و متزلزل است، (عن) قریب محومندان است. سپس (فریاد) تیا مرنجبران دورترین قبایل به مهد تمدن در فضای عالم طنین اندازاست.

چهره های عبوس رنجبران، سپاه سودان در مقابل صور غماز سرما یهدا ران سفید منعکس پنجه های ضخیم آنان برای گرفتن گریبان های آلوده به ممتازعت در ازropa (با) قدمهای برق به سوی مقصود روانند.

اما شما، شما کارگران و رنجبران و توده حقیقی ملت، ایران شما، ای فرزندان قاعدهن تمدن، هنوز در بستر غفلت خجلت بار خویش غنوده و جای گاه مردان کار را به کمال و به کثافت آلو دید. سراز خواب غفلت بردارید و دیده بگشائید، نظری به صحنه گیتی افکنید جنبش اقدام عالم را بنگرید. صیحه دعوت کارگران و رنجبران عالم را به سوی رضوان اتحاد دو اتفاق بشنوید. برخیزید و با قدمهای رسا به سوی آن دعوت بشتابید. دست های مردانه را برای رفاقت به جانب توده رنجبران دنیا با روای بشاش و قلب های سرش را ز محبت دراز کنید، و بکوشید تا به دو مین مرحله؛ انسانی داخل شوید، عظمه به زبان پیغمبران و مظاہر مقدسه اش شیما را ودیعه خویش خوانده و شما از نتیجه تکا هل و تجا هل آن صفت زیبای را بر قا مت خویش نا رسا کرده، باز شدت تغافل آن عزت بی پایان را از

دا روخانهها، سندیکای کارگران کفایش، سندیکای کارگران گرمابهها، سندیکای کارگران ساختمان، سندیکای کارگران شهرداریها، سندیکای کارگران دوزندگیها، سندیکای کارگران پارچه بافان، کارکنان پست وتلگراف. ۸۵) "شممسکا" مرکب از نمايندگان اين سندیکاها و هر سندیکا سه نماینده به شورا فرستاده بود. "شممسکا" وظيفه يافت "اتحادیه کارگری را رهبری كرده و کارگران را آموخته بدهدها تحا ديه های جديده بجورده آورده. ۸۶) كمتر از سه سال از تاسيس "شممسکا" نمی گذشت که بيش از ۸ هزار عضو پيدا كرد. ۸۷) ايران دوست تعدا داعضا "شممسکا" را ۸۲۵۰ انفراد گرمي كند. ۸۸) سلطان زاده می نويسد: "در آغاز سال ۱۹۲۲ ده سندیکا با ده هزار عضو کارگر، يعني ۲۰٪ از کل کارگران درشورای سندیکائی عضویت داشتند. به غیر از سندیکای فوق الذکر، چندین سازمان کارگری دیگر نيز در شورا تشکيل بودند. چون سندیکای دوازمان کارگران را موافقه نمودند، چون سندیکای دوازمان کارگران را موافقه نمودند. ۸۹)

اعلامیه ای از سندیکای دوازمان بدست آمد، جادار دبسا توجه به محتوی این اعلامیه گفته شود در این زمان سندیکای دار و

- 
- Avanessian "Reminiscences of the Iranian Communist Party" Donya, 3, 1962, P.P. 33-39 - ۸۵  
به نقل از Abrahamian, Iran between two revolutions, Princeton University Press, P. 29 - ۸۶  
۸۷ - آسناد تاریخی ... جلد چهارم، ص ۱۵۸  
۸۸ - ایران در دوست ایران دیروز و مروز "به زبان روسی، مسکو سال ۱۹۲۸، ص ۱۵۲، به نقل از "عون للهی مقاله "نیشت کمونیستی و کارگری ایران" کتاب "انقلاب اکتبر و ایران" ص ۲۴۳  
۸۹ - آسناد تاریخی ... جلد چهارم، همانجا

و صنعت بودند یعنی کارگران هر کارخانه یا صنف یا صنعت دورهم جمیع می شدند و سندیکای یک کارخانه، مثل سندیکای کارگران کارخانه پا رچه با فی تهران را تشکیل می دادند. در مورد اصناف مثل "صنف خیاطها که چون خیاطی های بزرگ وجود نداشت چند خیاط کوچک یا کارگران چند خیاط خانه در مرکزها حدى متشكل شده سندیکای کارگران خیاط را تشکیل می دادند. در همین مورد یعنی در باره سندیکاهای اصناف با یادی آوری نمود سندیکای نانواهای تافتانی یکی از سندیکاهای مهم و پرکارا بین دوره به حساب می رفت.

در مورد صنعت معمولاً "ساختا" و سندیکا به این ترتیب بود که نما یندگان کارگران چندین کارخانه تولیدی مشابه که هر کدام سندیکای خود را داشتند دورهم جمیع می شدند و سندیکای صنعت مخصوصی را تشکیل می دادند، بعلت عدم زدایا دکارخانه ها و عدم رشد کافی صنایع ازیکسوونا رشیدیا فتگی سندیکاهای صنعت را کمتر می توانیم بینیم. مثل "درپا رچه با فی وجود نداشتند، در تهران و در اصفهان و... در قالی با فی وجود نداشتند، مشهد، کرمان و تبریز که مال مشهد از همه قوی تربود. سندیکای صنعت نفت که از نظر ساختار رورا بخط داخلی سازمان سندیکائی دقیقاً "یک سندیکای صنعت بود که کارگران کارگاههای گوناگون را در خود متشكل ساخته بود. اما سندیکاهای صنعت موقعی می توانند از قدرت واقعی بر خوردار باشند که بتوانند در سطح یک شهر، یک استان و با لآخره در سطح کل کشور کارگران کارگاههای گوناگون یک صنعت را در شهر یا استان یا کل کشور متشكل سازند در چنین شرائطی است که قادرند با اعتماد بات یا مذکرات به مسائل فنی و تکنیکی و شرائط کار کارخانه (زیرا همه کجا بیش دارای یک شرائط معین هستند) بپردازند و آنگاه می توانند مسائل اقتصادی خود را در راسته با تولیدات خود مطرح ساخته برا بیش مبارزه کنند. بطور مثال بالا

### خودسلب نمودید.

رفقای کارگر کار روز حمت شما که سبب حقیقی تشکیلات اقدام بشری است، شما را به یادگاری حضرت احادیث مفتخر نموده و شما قادر خود را ندانستید، از کثرت جهل مقدرات خود را به دست آنها که از دست رنج شما دارای خزان و قصور شدای شدن پرسیدید. رفقای زحمتکش راهنمایت برای شما متصور نیست جزا نکه زما مپارلمان را در کفر گرفته و صندلی های وکالت مجلس را به جنس خود بسپارید. رفقای رنجبر، بیدار با شیدکه دست های اشاره ای با صورت های عجیب و غریب برای سلب کردن آزادی شما در کار فریب دادن شمامی باشد. فریب آن ریزه خواهان اشاره را نخورید. و برای کندن ریشه، خویشتن با دست خود تیشه نزنید. برای خود بکوشید، تا خود از شمارت لذیذش منافع گردید. رفقای کارگر، مملکت شما جز بست شما آبا دنخوا هدش. شروت جز بست خود شما در مملکت تولید شخوا هدش. استقلال جز بجهان بازی باقی نخواهد ماند. معارف جز بجهت شما توسعه نخواهد داشت. امنیت جز در حکومت شما صورت خارجی نخواهد داشت. شرافت، قومیت و نا موس ملیت جز در کفر شما محفوظ نخواهد ماند. بیدار شوید و وقت خود را به غفلت نگذارانید.

(۹۰)

### ساختا رشم‌سکا

با اینکه در باره چگونگی تشکیلات این مرکز سندیکائی و ساختار آنها اطلاعات زیادی در دست نداشتم اما برآسانه مدارک و اسناد موجود می توان به این نتیجه رسید که سندیکاهای تشکیل دهنده شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران، سندیکاهای پیش

۹۰- اسناد تاریخی ... انتشارات پا دزه، جلد ۱۱، ص ۱۴۴

تشکیلات را بشما بیآ موزدوا تحادیه شما را بمرکز کل اتحادیه ها معرفی نما پدتا به پشتیبانی اتحادیه مرکزی وقدرت تمام کارگر ان تهران هرمه می را از پیش ببرید، چه بهتر ازان است که شما هم مانند ما اتحادیه داشته با شیدالسا عکه صاحب ان کارمحاج شما هستندو با عجله تما مکار می خواهند چند روزی دست از کاربکشیدلا قل مزد خود را از ذرعی سه به چهار ربع اسی بوسانید - حقیقتا "سزا وارنیست شما ها گرسنه و برنه در این زمستان سخت درگوش قهوه خانه بسربرید و صاحب کاران ستمگرا زدسترنج شما بمرغ خانه فا حشنه ها پنجاه تو مان انسنا مبدهن (این واقعه رخ داده بود) با لآخره طالب ملاقات مدیر روزنا مه حقیقت شدیم .

یک روز بعد از ظهر آقای سید محمد هگان اولین رهبر بزرگوار کارگران ایران که روانش شادبا دبرا انجام کارما به قهوه خانه چاله حصار آمد (کارگاه های پارچه بافی ما در همین محل بود) نویسنده بخدمتش معرفی شدم . کارگاه های پارچه بافی را با زدید کرد ، از وضع حال کارگران دقیقا "پرسش نمودست وزدا دبلیط عضویت برای کارگران نساج در مطبعه چاپ کردند ، پس از یک هفته تما مکارگران را در خانه ای دعوت کردیم با حضور شا دروان دهگان وشا دروان جلیل زاده انتخابات کارگران بپایان رسید - نویسنده بسمت نمايندگی و مدیریت اتحادیه انتخاب شدم و بدین ختی من از همان روز اول مدیریت شروع شد .

روزهای اول از طرف اتحادیه تصمیم با عتصاب گرفته شد چون هر یک بنفع مختصری بعنوان پیش مزد (مسا عده) گرفته بودیم قدرت تعطیل چند روزه را داشتیم اعتصاب با کمک دهگان با موقفيت کامل بپایان رسید و اجرت با فندگی از سه به چهار ربع اس ترقی کرد - این پیش آمد کارگران نساج را نسبت با اتحادیه علاقمند نمود - نویسنده با دونفر برای شرکت در جلسات اتحادیه مرکزی کل کارگران انتخاب و معرفی گردیدیم ، در اتحادیه مرکزی نمايندگان اتحادیه های

بردن دستمزدوا حدولید ، در مروری که دستمزد برا ساس واحد تولید است ، می تواند در همه کارگاه ها یک صنعت قیمت واحد باشد . پرای اینکه با چگونگی تشکیل سندیکا ها چه در کار رانه ، چه در صنف و پیشه ، و چه در صنعت آشنا شویم و یا آیده و نظری در این باره بدست آوریم خاطرات یک کارگر پا رچه با فی را از وقتی که انگیزش تشکیل سندیکا در این وجود می آیدتا موقعی که سندیکا تشکیل می شود . در ذیل نقل می کنیم در این جا نقش سید محمد هگان در کار تشکیلاتی "شمکا" روشن می گردد .

" (۱۳۵۰) سال شمسی زمستان سخت در نوروز هم برف زیادی بازید . در این زمستان طولانی بیکار بودیم و هر چند نفر در گوشش یکی از قهوه خانه ها خزیده بودیم . ایا معمیداً زطرف مبارکه شرکشون پارچه تا بستانی را بیشتر از سال های پیش خواستند صاحب کارها بس راغ کارگران آمدند ، در این زمستان گذشته در قهوه خانه محل رفیقی پیدا کرده بودیم نا مش احمد لامع وا زکارگران مطابع تهران بود . می گفت ما اتحادیه داریم - روزنا مه حقیقت ارگان ملایت مدیر روزنا مه حقیقت هم مدیر اتحادیه ماست ، از حقوق کارگران دفاع می کنند مقا مدوحو اج مار را مجانا " در روزنا مه می نویسند هر یک از صاحب این مطابع در حق کارگران تعدی یا احتجاف کنند بستور اتحادیه کارش را تعطیل می کنیم گارسه ها را می ریزیم ، در مطبعه را می بندیم - بر اثر اتحادیه هیچ کارگران بیکار هم بجا نمی کارگرانی که اعتصاب کرده اند مشغول کار نمی شوند با اخره صاحب کار جبارا " به اتحادیه حاضر می شود پیشنهادات کارگران را قبول و تعهد می نماید ، مزد روزها را اعتصاب را می دهد آنوقت فاتحانه مشغول کار می شویم .

خلاصه رفیق ما بقدری از محسنات اتحادیه و روزنا مه حقیقت توصیف کرده که ما عاشق اتحادیه شدیم و گفت من حاضر اگر شما مایل به تشکیل اتحادیه با شید مدیر اتحادیه خودمان را ببیا و رمتا دستور

بپردازد، خانه آزادیخواهانی چون یحیی دولت آبادی محل اجتماع مردم می‌شود. (۹۳) ولی دیگر بسیار ردیر شده بود. بدنبال این اعتصاب محصلین دبیرستانها "از بی تکلیفی و تلف شدن وقت کران بهای خودا جتمع نموده و در تحت بیرق سیاسی که این عبارت روی آن نوشته شده بود (معارف در حال احتضا راست همت کنید) در کوچه و خیابان‌ها حرکت کردند و ننانهای جانگذا رخود را به سمع عابرین می‌رسانند". (۹۴) سلیمان میرزا اسکندری (دبیر حزب سوسیالیست) و وکیل مجلس قوا مسلطه را در مجلس موردو سوال قرار می‌دهد (۹۵) و بسیاری از نمایندگان از او حمایت می‌کنند. یک تنظاهر عظیم که در تاریخ ایران نخستین نمایش بزرگ بحساب می‌آید، این تنظاهرات بوسیله چاقوکشان اجیر شده مورد حمله قرا رگرفت، این عمل وحشیانه خشم مردم را برانگیخت. کارگران همه اتحادیه‌ها به اعتصاب بیرون پیوستند. قوا مسلطه برای مبارزه علیه چنین مبارزه‌ای ۲۰ روزه‌ای مه آزادیخواه از جمله حقیقت را که ارگان اتحادیه و تکیه‌گاه مبارزات کارگری بود تعطیل کرد. کارگران چاپخانه‌ها دولت را تهدید کردند. اگر روزه‌ای مه هارا از توقيف در نیا و رد آنها کارهای چاپ دولت را نجام نخواهند داد و بدین سبب ۴۵۰ نفر از کارگران چاپخانه‌های وابسته به "شمسکا" دست به اعتصاب زدند. دولت سعی کرد با دادن رشو و تهدید کردن، کارگران را این اعتصاب را پایان دهد مقداری از حقوق معلمان را که کما کان در اعتصاب بودند پرداخت کرد و در همان موقع عده‌ای از دست اندکاران اعتصاب را دستگیر نمود. مردم در مجلس جمع شدند و تقاضای آزادگردان رهبران

۹۳ - اثربیشین، ص ۲۴۲

۹۴ - روزنامه حقیقت "استغاثه معلمان شماره ۷۶ مورخه ۲۱ جدی (دی)

۹۵ - (ژانویه ۱۹۲۲) ۱۳۰۰

۹۶ - نگاه کننده روزنامه حقیقت "شماره ۶ مورخه ۱۹ جدی (دی) ۱۳۰۵

ژانویه ۱۹۲۲

کارگران تهران را که ناشان نوشته می‌شود ملاقات نمودیم. (۹۱) این کارگر سید جعفر پیشه‌وری است که بنا به اظهار خودش بعد از تشکیل شورای مرکزی سندیکاها کارگری ایران بدان پیوسته و با روزنا مه حقیقت همکاری می‌کند.

#### - اعتصاب سندیکای معلمان و سندیکای پستچی‌ها

در مجموع در ایران ۲۵ هزار کارگر سازمان داده شده بود. چنین انکشافی، برای اتحادیه‌های کارگری، نشان دهنده وضع اقتصادی بسیار رخصتی به شمار می‌رفت که کارگران ایرانی با آن دست بگریبان بودند. اتحادیه کارگری ایران، علیرغم جوانی شان در نیمه دوم سال ۱۹۲۱ چندین اعتصاب بسیار موفق سازمان دادند. از آن جمله باید اعتصاب خبارزن، کارگران چاپخانه‌ها، کارگران ریسندگی‌ها، پست و تلگراف و تلفن تهران را یاد کرد. در آن‌زلی اعتصاب کارگران بندر سازمان داده شد. همه‌این اعتصابات ما هیئتی صرفاً "اقتصادی" دارند. و امداد را اعتصاب معلمان (ژانویه ۱۹۲۲) که ۲۱ روز بطول انجام می‌دید، این اعتصاب سرانجام مشکل یک نمایش واقعاً "سیاسی" علیه دولت را بخود گرفت، دولتی که بمدت شش ماه پرداخت حقوق آنان را متوقف ساخته بود. نمایشات بمدت ۳ روزه‌ای دامنه افت. در این تنظاهرات دانش آموزان نیز به تعداد زیاد شرکت داشتند. (۹۲) هیجان عمومی در تهران بحدا علارسیده بود. عاقبت دولت شافت و به معلمان وعده‌دار حقوق آنان را

۹۱ - جعفر پیشه‌وری، "تا ریخچه نهضت کارگری پرداز"، تهران مرداد ۱۳۲۵، چاپخانه تابان

۹۲ - نگاه کننده حیات یحیی، "خطاب یحیی دولت آبادی، تهران انتشارات عطا و چاپ سوم ۱۳۶۱، جلد چهارم، ص ۲۴۲

سا خت . ا ما با لآخره استا دومدا رکی که درباره اختلاطها و اقدامات مخالف منافع عامها زا و انتشاریا فت دولت مجبورشدا ورا ازکار برکنا رسا زد . بعضا زا ینکه مولیتوراز کاربرکنا رشد برای پرده پوشی برا قدما مات گذشته خودنوشته ها ئی چاپ کرد و در تهران پخش نمود . سندیکای کارکنان پست اعلامیه ای درا ین زمینه انتشار داد که در شماره ۱۵ روزنا مه حقیقت چاپ است عین آن را نقل می کنیم .

#### " آخرین تشبیث مولیتور "

" پس از آنکه با لآخره دوره " ما موریت مولیتور در خدمت دولت خاتمه پیدا کرد و حکمی از طرف وزارت پست وتلگراف با و بالغ شد مشا رالیه درا ین چند روزه متحدا لمال های خطی و چاپی بین مستخدمین پست (تمام مستخدمین مظلومی که هم تحمیل انواع مظالم و تسمیفها ی طاقت فوسای هیجده ساله همراه و هنس را دو سینه های خود حبس نموده و حتی در قیام و فدا کاریهای دو ساله اخیریک، دفعه هم در صدد حل قضا یای خصوصی و منافع شخصی بر نیا مد) منتشر نموده و در عرض تحریر چندین جمل تحت عنوان تودیع و خدا حافظی، آخرین شاهکار روپائی خویش را بکار برده و یک رشته جمل بیرونی مصدقی حاکی از احساسات لطیفه عدالت پروری و سعادت طلبی که در دوره ریاست طولانی خود نسبت با جزا در معرض عمل گذا رده بود درج نموده وبه مستخدمین اندرزی می دهد که از این به بعد در هر رتبه و مقامی که هستند باع مه حسن سلوک کرده و همیشه منافع اداره پست را که یک اداره عمومی است منظور دارند . سبحان الله جزاء زحمت کش پست در چهتا ریخ رعایت این اصول را فرا موش نموده اند که حا لامحتاج با ندرز مولیتور باشد .

اینجاست که ایرانی سلیم النفس با همه مزا یای فطری و جیانی می رو دا زبیدا رکردن حس انتقا مجوشی که خوشبختانه همیشه از آن احتراز می نمایم مجبور شده و خطاب به مولیتور نموده بگوید مسیرو

کارگران را نمودند . دولت مجبور شد برخی از روزنا مه هارا از توقيف درآورد . معلمین تبریز در پشتیبانی از معلمین تهران دست به اعتراض می زنند . (۹۶) موضع کا بینه قوا مسلطه را که از قبل متزلزل بود ، در هم کوفت و وی را مجبور باستعفا ساخت . کا بینه لیبرال مشیرالدوله جای وی را گرفت و قول دادیک سلسله اصلاحات را دیکال را متحقق سازد . مشیرالدوله با صرا را حمد شاه بدان جهت به ریاست دولت رسیدتا بلکه در مقابله رضا خان با یستاد واورا و اداره دست قانون اساسی را رعایت کند . (۹۷)

#### - آخرین مولیتور سوئدی

درا ین زمان ، اتحادیه های کارگری از شخصیت حقوقی برخوردار نبودنده مقامات دولتی موافع بسیار در سررا ها نکشاف آنها ایجاد می کنند . این مرتبیان (مستشاران) اروپائی بودند که بیش از همه درا ین جهت سرکوب شدید را بموردا جراء می گذارند . یک سوئدی بنا مولیتور که مدیر پست وتلگراف و تلفن است توانست انحلال مؤقتی اتحادیه کارمندان اداره تلگراف را فراهم آورد و سپس کوشید پست چیان را نیز شامل همین سرنوشت سازد . مبارزه شروع شد ، این مبارزه ای طولانی بود . پست چیان جزو های علیه مولیتور منتشر شد و برکنا ری وی را خواستا رشدند . مسئله در مجلس مطرح گردید ، دولت جانب " فونکسیونر " خود را گرفت . اتحادیه های کارگری بکار رته بیجی خود را مهادند . درا ین زمان کا بینه قوا مسلطه طی تصویب نامه ای شرکت کارمندان دولتی را در اتحادیه ها ممنوع

۹۶- روزنا مه حقیقت شماره ۳۹ ه، ۸ حمل (فروردین ۱۳۰۱)، (۲۹ مارس ۱۹۲۲)

۹۷- حیات یحیی ، " خاطرات یحیی دولت آبادی " ، تهران ، انتشارات عطار ، چاپ سوم ۱۳۶۱ ، جلد چهارم ، ص ۲۴۸

شان آمدی نویسنده این واسطه مرا هم مجبور کردند مختصری خود را معرفی نمایم.

من از سلسله سادات کلهری کاشان که از بین این طایفه ادبای نامی بوجود آمده است. ما نند سردبیر "حبل المتنین" که دائی زاده ابوعی است - می باشم.

پدر من مرحوم سید محمد تقی متخلص به عندلیب کاشانی است که دیوان اشعارش در ۱۳۱۲ (هجری قمری) ف. ق. در استانبول مطبوعه اخترطبع و منتشر شده است.

پدر من چهل و پنج سال قبل از ایران مراجعت کرده و در رویه اقا مت جست. همواره به ترویج علم و ادب اشتغال داشت و شاگرد های نامی از قبیل مرحوم حاج سید عظیم شیروانی متخلص به "سید" که کثیر اشتها را مستثنی از تعریف است تربیت نموده. نظریه اینکه طالب اف صاحب کتاب "احمد" با پدر من مناسبات نزدیکی داشت و لادی از خود نداشت زحمت تربیت بندۀ را متقابل شود دیپلمی که از مدرسه غالی رویه در دست دارم از شفقت های پدرانه آن مرحوم است.

آثار فعالیت که از بندۀ به یادگار مانده، "انجمان خیریه ایرانیان" و مدرسه مجیدیه ایرانیان شمرخان شوره"، "مدرسه نجات ایران کرزونی" و پا نصد جلد کتابی است که به کتابخانه "مدرسه اتحاد ایرانیان" با دکوبه هدیه داده ام.

من تقریباً "یازده سال است در ایران هستم، دو سال ریاست کمپانی "سینکلر" (۱۹۰۵) را داشتم. "پیو دوم" صوت حسا بهائی که به امضا من بمرکز ارسال شده هیچ کدام مکمل را از دویست

۱۰۰ - سینکلریک کمپانی آمریکائی بعده از تاخت و زیسری قوا مسلطه در سال ۱۹۲۲ با دولت ایران برای بهره برداری نفت شمال وارد مذاکره شد. اما در اثر مخالفت سوری این قرارداد به مرحله اجراء در نیا مدد.

پس از انتشار یک قسمتی از سیاست اعمال شما در جراحت پیش از اینکه آن در روزنامه های ولایات بهترانه بود که در آینده آخر بعض تلفیق عبارات بی مزه و بی سروبن لاقل یکی از موارد خیانت های منتسبه را تکذیب و عالم را از بیهوده و حیرت حاصل می رهای نمیدید. حال ادبیگر پس از این سکوت اجباری از عدم حسانه انتقام گوئی و گینه ورزی ایرانی استفاده کردن و با این نشریات فریبینده مبارزت نمودن بیم آن می رود که خواهی سخواهی این حس را در آنان تحریک و بیدار نماید. (اتحادیه اجزاء پست) . (۹۸)

### - سید محمددهگان و روزنامه "حقیقت"

سید محمددهگان دبیرستانیکای کارگران بود که با تما مقوه و قدرت خود را زمانافع کارگران وزحمتکشان و از مقام آزادی و دموکراسی تو ما "دفاع می کرد. روزنامه حقیقت و مقالات دهگان بزرگترین گواه این ادعای است. روزنامه حقیقت ارگان رسمی شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران (شمسکا) بود. (۹۹) که بوسیله دهگان اداره و مدیریت می شد. دهگان کی بود و چه سوابقی داشت؟ خودش به مناسبت تهمت هایی که از سوی ارتقاء و عوامل بیگانه به این ازدیده می شود چنین می نویسد:

"خودستایی بداست و تشخیص نیک و بدرابا به یاری عهده صاحبان فکر متنین و عقل سلیمانی و گذا رنمود.

غالباً "روزنامه" به جای آنکه در موضوع نگارشات جرائد مبارزه بکنند فوری شخصیت اشخاص را مطرح کرده هرچه به قلم

۹۸ - روزنامه حقیقت، شماره ۵۱ جمعه ۲۱ حمل (فروردین ۱۳۰۱)، (۳۱ مارس ۱۹۲۲).

۹۹ - در برخی از بیانیه ها و اعلامیه های صادره توسط این "سندیکای مرکزی" عنوان سازمان سندیکائی به قرار رزیربوده است. اتحادیه عمومی کارگران مرکزی

"شمسکا" مدیر روزنامه عدیبد که تعلق به سیاست اسلامی داشت. اوبا تفاق سایر کارکنان روزنامه سندیکا خود را تشکیل دادند. سید ضیا در سفارت انگلیس بوداین خبر را از قول "می‌سوها روا را در می‌شند، به دفتر روزنامه آمده می‌گویند کس نیکه می‌خواهد سندیکا تشکیل دهند باشد و بین تشکیل سندیکا و کارکردن در روزنامه عدیبد یکی را انتخاب کنند. همان روزهم او و همکارش ابراهمیان هید که منشی سندیکا بوده‌هراست علی‌الله شرکت‌شناخت در سندیکا اما سید محمد‌دهگان از روزنامه عدیبد، نا‌هید سالهای در زدرکنار سید ضیاء با قی ماندو زندگی مرده‌ای را گذراند در عرض دهگان در عسرت و تنگ‌دستی امرار حیات نمود. (۱۵۳) بعد از این حدث بود که روزنامه حقیقت را با ساختی و خون جگر منتشر ساخت و تما می‌حیات خود را در راه اعتلای مبارزات سندیکائی و بوجود آوردن تشکیلات کارگران برای مبارزات سندیکائی را استعما رواست. شما را نیز بلنگرد کردند. بود که طور مثال وقتی به خاطرات پیشه‌وری نظری اندازیم می‌بینیم از زمانی که در تهران کارگر کارخانه‌ها و چهارمین بود دعوت احمد لامع (کارگر فعل مطبوعه) قرار گرفته بود. اندختن سندیکای کارگران پارچه‌با فگذشتند می‌شد. برای سازماندهی آن سید محمد‌دهگان وارد عمل می‌شد و سندیکا را راهی اندازد. ما بخشی از این خاطره را در چگونی بود راه اندختن سندیکای ایران و ساخت راسازمان "شمسکا" در پیش‌بیان کردیم. (۱۵۴)

دهگان از نظر پا فشاری برآمده و عقايد خود فردی بود که اصول و عقايد خود را به هیچ قیمتی نمی‌فروخت. قبل از تاسیس تحلیل‌های خود بدرستی دفاع از آزادی و حق را در سری‌لوحه مبارزات ترقی خواهند و مبارزات سندیکاهای کارگری قرار می‌دهد. به همین جهت از سوی جیره خواران استعما روما جنبه نگیران اشرافیت

هزار تومان نبوده است و در موقعی که مستعفی شدم به موجوب سندی که در دست دارم یک شاهی کمپانی مزبور در ذمہ من نداشت... (۱۵۱)

از کارها و آثار رقلمی دهگان معلوم است علاوه بر روش نگاری و ترقی خواهی و آزاد طلبی مردمدیر، تشکیلاتی و صاحب فن نیز بوده است. وقتی "شمسکا" نا سیس شد در مسکو مساله شرکت‌شناخت در سندیکا سرخ بین المللی مورد گفتگو قرار گرفت، شورای مرکزی سندیکا های کارگران ایران عفو سازمان سندیکای بین المللی شد و دهگان به نمایندگی ایران به نشست این سندیکای بین المللی رفت. علاوه بر این دهگان با مجله‌ارگان سیاست اتحادیه سرخ بین المللی همکاری داشت. هم‌بود که به مورث‌تشکیلاتی "شمسکا" می‌پرداخت و در عین حال علم مبارزه علیه دیکتاتوری و استشمام را نیز بلنگرد کردند.

بطور مثال وقتی به خاطرات پیشه‌وری نظری اندازیم می‌بینیم از زمانی که در تهران کارگر کارخانه‌ها و چهارمین بود دعوت احمد لامع (کارگر فعل مطبوعه) قرار گرفته بود. اندختن سندیکای کارگران پارچه‌با فگذشتند می‌شد. برای سازماندهی آن سید محمد‌دهگان وارد عمل می‌شد و سندیکا را راهی اندازد. ما بخشی از این خاطره را در چگونی بود راه اندختن سندیکای ایران و ساخت راسازمان "شمسکا" در پیش‌بیان کردیم. (۱۵۲)

دهگان از نظر پا فشاری برآمده و عقايد خود فردی بود که اصول و عقايد خود را به هیچ قیمتی نمی‌فروخت. قبل از تاسیس

۱۵۱- روزنامه حقیقت، شماره ۵۹، ۲۳ حمل (فروردین ۱۳۰۱)، آوریل

۱۵۲- نگاه کنید به "تا زی خچه نهضت کارگری ایران"، سید جعفر پیشه‌وری (جوان زاده) تهران، مردادماه ۱۳۲۵، چاپخانه تابان

۱۵۳- نگاه کنید به "تا زی خچه نهضت کارگری ایران" سید جعفر پیشه‌وری

"نجات ایران" و "کار همکاری می کردودر آن زمان رئیس سندیکای معلمین تهران بود، سندیکا های عضو "شمسکا" و نمایندگانش

موردهملا ناجوا نمود. انه قرا رمی گرفت . از آن جمله بودند "آقایان رهنما و سرکشیک زاده" که بهدهگان تهمت های دزدی و قاچاقی گری می زنند. (۱۰۴) روزنا مهندیمه رسمی "ایران" که سید محمددهگان را او می دارد اولاً پاسخ های دندانشکنی به گردانشندگان این روزنا مهنددهدثای "دولت مشیرالدوله" را مورد سوال قرار دهد. در زیربیان نیهای تحدیده کارگران را در این باب می آوریم.

"ما روزنا مهندیمه حقیقت را طرفدار حقیقی رنجبر و کارگران و مهندیمه از هرگونه تهمت و افترا می دانیم "حقیقت" است که عمل" از حقوق ملت مدافعه می کند و حقاً یق را بی پرده می نویسد. ما کارگران و نویسندهای "حقیقت" را با این شجاعت ادبی که طرفدار کارگران است تبریک گفته متن است و دوا مایشان را در این فکر و مسلک مقدس آرزو مندیم.

روزنا مهندیمه ایران و اتحاد که نسبت به مدیر روزنا مهندیمه "حقیقت" هست که و فحاشی کرده است ما این طوراً شخا ص را دشمن کارگران و مزدور ا جانب دانسته ب مدیر این ورق پاره های مملوا فحش و عاری از حقیقت اظهار رشت می کنیم زنده با "حقیقت" و آزادی خواهان مرده با دمتر جعین و خائنین ملت.

محل امضاء تما منما یندگان اتحادیه های عمومی کارگران مرکزی. (۱۰۵)

همزمان با انتشار نشریه "حقیقت" نشریات دیگری نیز در دفع از منافع صنفی و سندیکای منتشر می شدند که مهندسین آنان "اقتصاد" و "کار" و "نجات ایران" که این آخری توسط فروزش یکی از رهبران سندیکای معلمین انتشار می یافتند ابوالفضل لسانی با

علیرغم احتناق و ترور و حکومت نظا می رضا شاهی در روز اول ماه مه ۱۹۲۳ در تظاهراتی که توسط این مرکز سندیکای ترتیب داده شد قریب دوهزار نفر از کارگران شرکت جستند. مدتی نمی گذرد که سندیکای معلمین و سندیکای تلفن چیهای عضویت "شمسکا" در می آیند. شورای مرکزی سندیکا های کارگری ایران وسائل تشکیل ۲۹ سندیکای کارگری تازه را درست ترا برای این بوجود می آورد. از آن جمله بودند:

- سندیکای ملوانان در آنژلی
- فرشبا فان در کرمان
- پارچه با فان در اصفهان
- کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در جنوب (خوزستان)
- معلمین، حمالها، کارگران دخانیات، کارگران برج پاک کن در رشت.
- معلمین، خیاطها، کفاشها، میرزاها، فرشبا فها، شیرینی پزها و تلگراف چیهای در مشهد.
- آشپزها، خانه شاگردان، فرشبا فها، سورچی ها، درود گرها، کارگران دخانیات در تهران.
- شورای مرکزی سندیکا های کارگران ایران با اعزام افسر افغان و مبارزه شهرستانهای مختلف کارگران را به حقوق خود آشنا می ساخت و آنها را به تاسیس سندیکا ها و مبارزه برای اکتساب حقوق خود دعوت می نمود.

۱۰۴ - نشریه "حقیقت" رگان "شمسکا" شماره ۵۹

۱۰۵ - روزنا مهندیمه "حقیقت" شماره ۵۹، ۲۳ حمل (فروردین ۱۳۰۱)،

- دونفردیگرنا معلوماند .
- ۵ - اتحادیه معلمان (از روشنفکران وزارت معارف - فرهنگ تشکیل شده بود) .
- حسین امید ( بعدا " به شغل قضایت پرداخت ) .
- ابوالفضل لسانی (بعدا " به شغل قضایت پرداخت ) .
- ابوالقاسم رجائی
- ۶ - سندیکای کارکنان وزارت پست و تلگراف ،
- حبیب الله سعیدی
- علیرضا انصاری
- عباس مصدقی (مدتی در زمان رضا شاه به زندان افتاد) .
- سید محمد صفوی (به ندرت نمایندگی داشتند) .
- ۷ - سندیکای کارکنان شهرداری تهران ،  
این سندیکا در حقیقت اغلب از رفتگران تشکیل یافته بود .
  - منوچهرا حمدی (بعدا " وکیل رسمی عدلیه شد) .
  - محمود رماز (بعدا " به وزارت پیشه و هنر رفت ) .
  - نفرسوم معلوم نیست .
- ۸ - سندیکای کارگران بناخانه‌های تهران ،  
استاد میرزا علی طرفدار (جبس و شکنجه زیادی کشید) .
- استاد محمد بناء
- نفرسوم معلوم نیست .
- ۹ - سندیکای کارگران سیگارسازی تهران ،
- عباس آقا سیگاری
- از دونفردیگران طلاعی در دست نیست .
- ۱۰ - سندیکای کارگران حمامی ،  
رضا پاپرهنه
- از دونما نینده‌های دیگران طلاعی در دست نیست .

- مشخصات کا مل همه سندیکاهاي عضوشوراي مرکزي سندیکا ها ي  
کارگران ايران بحسب نيا مدا نچه بحسب آمدما موردا ستفاده قرار  
داديم . اميدوا ريم اسنادتا زهاي درآينده جمع آوري و  
انتشاريا بدم بتوان بيش از اين به تحليل و بررسی تشکيلات ،  
سازمان ، برنامه کار ، رهبری ، اهداف و مطالبات و مبارزات شوراي  
مرکزي سندیکا ها ي کارگري ايران پرداخت . همانطور يكه در قبل  
گفتيم اين شورا ، سندیکا ها ي صنعتها و پيشهها يا صنوف را مشكل  
ساخته بود در زيرتا جائی که بحسب آمدنها هر سندیکا همراه با نماینده  
يا نمایندگان شان را در شوراي مرکزي را ملاحظه می کنيد :
- ۱ - سندیکای کارگران مطابع تهران ،
  - باقر نوائي
  - محمد پروانه
  - عبدالحسين سادات گوش (بعدا " در سالهاي ۱۳۲۰ به آداره  
ثبت و ملک انتقال یافت ) .
  - احمد لامع
  - ۲ - سندیکای کارگران کفاش خانه‌هاي تهران ،
  - مهدی حقیقت (کیمرا م)
  - حسن مسکرزاده (بهرا مقلی)
  - علی اکبر اسکافي
  - سلمان قالب تراش (بعدا " دارنده ماشین قالب تراشي )
  - ۳ - سندیکای کارگران ناخانه‌هاي تهران ،
  - شیخ رسول
  - شاطر علی خلج
  - میرزا عباس علی
  - ۴ - سندیکای داروسازهاي تهران ،
  - محمد تقی ناصحی (ناصحی ، مجله جرقه را انتشار می داد فقط  
يك شما ره منشور شد و بحسب نظمیه درگاهی  
توقیف گردید ) .

- ۱۱ - سندیکای کارگران بزارخانه‌های تهران ،  
 - سید "محمد" خلیل زاده  
 - سیدا بوالقاسم معروف به آقا کوچلو  
 - سیدعلاءالدین نقوی  
 ۱۲ - سندیکای شاگردخانه‌های تهران ،  
 - سیدعبدالغنی (بعدا "بهادره آما روشبت احوال رفت) (بنا  
 به قول پیشه‌وری : "بطوریکه رفقا ازیادگار  
 های دوره‌های محبس حکایت می کردند، این  
 شخص مدستی در سلک مقتضیان مخفی نظمه‌در  
 گاهی خدمت کرده است".  
 ۱۳ - سندیکای کارگران پارچه‌بافت تهران ،  
 - سیدعبدالله موسوی (بعدا "به کارسنج تراشی و بنائی مشغول  
 شد) .  
 - محمدباقر فخریان (در قزوین کاربا فندگی می کند).  
 - مشهدی رضای کاشانی  
 - سیدکمال مدرسی یزدی (ساکن سمنان شدروزارت دارایی)  
 ۱۴ - سندیکای حملان انزلی ،  
 - میرزا محمدآخوندزاده  
 آخوندزاده همیشه در بیرون از نظمه‌ها گرفتا ربود. اواز  
 طرف حملان انزلی به نهاده بیندگی انتخاب شده بود.  
 ۱۵ - سندیکای نانوایی‌های تهران ،  
 - نمایندگان نشانه خته نیستند .  
 ۱۶ - سندیکای جوراب بافی ،  
 - محمود ...  
 - دونفردیگران خته نیستند.  
 ۱۷ - سندیکای حروفچین‌های تهران ،  
 - سیدمرتضی حجازی

- رضاقلی عبداله زاده (سیفی )  
 - نفردیگران خته است .  
 ۱۸ - سندیکای نساج و بافندگان تهران ،  
 - شکرالهنساج  
 - دونفردیگران خته است .  
 ۱۹ - سندیکای حمل و نقل تهران ،  
 - علی شرقی  
 - دونفردیگران خته است .  
 ۲۰ - سندیکای ملوانان بندرانزلی ،  
 - پورحتمی (در زندان رضا شاه جان سپرد) .  
 ۲۱ - سندیکای کارگران نفت که مستقلاً عمل می کردند .

سید جعفر پیشه‌وری خود منشی شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران (شممسکا) بوده‌ما نظریکه خودش می‌نویسد، و نوشتن دفاتر و صورت جلسات و مکاتبات را عهده‌دار بود و به کارگرانی که از ولایات نامه می‌نوشتند پاسخ می‌داد.

در شروع کار جلسات "شممسکا" در آغاز روزنامه حقیقت (۱۰۶) تشکیل می‌شد بعد از مدتی شورای مرکزی تو انتست در خیابان ناصریه (ناصرخسرو) اول بازار خانه‌ای اجاره کنده محل رسمی سازمان مرکزی در آنجا بود و جلسات هر هفته یکبار شب‌های جمعه تشکیل می‌شد عددی نهاده نمایندگان سندیکای شورای مرکزی به ۴۵ تا ۵۰ نفر بالغ می‌شدند . (۱۰۷)

- ۱۰۶ - دفتر روزنامه حقیقت در خیابان لختی کوچه غفاری بود .  
 ۱۰۷ - بیشتر این اسامی از مقاله سید جعفر پیشه‌وری تحت عنوان "تاریخچه نهضت کارگری در ایران" استخراج شده است .

سندیکا های کارگری ایران - بدبفترا جرأتی بین الملل سندیکا های سرخ درژوئن ۱۹۲۲ می دهد پس از خواندن گزارش جامعی در مورد وضعیت و فعالیت اتحادیه های کارگری در ایران می گوید: "اکنون در ایالات نیز جنبش کارگری گسترش یا فته است در خارج از تهران سندیکا های کارگری در انزلی، رشت، تبریز، قم نیز یافت می شود و بعد به تعداد اعضای اتحادیه های کارگری حاضر به شرح زیر اشاره می کند:

نام اتحادیه	تعداد در مقاله آلمانی	تعداد در مقاله فرانسوی
۱- اتحادیه خبازان	۳۰۰۰	نفر کارگر
۲- خیاطان	۲۰۰۰	"
۳- کفاشان	۱۸۰۰	"
۴- کارمندان پست و تلگراف	۴۵۰-۹۰	۲۲۰
۵- اتحادیه قنادها	۴۵۰-۹۰	۳۰۰
۶- چاپخانه ها	۴۵۰-۹۰	۱۸۰
۷- شاگرد مغازه ها	۴۵۰-۹۰	۳۵۰
۸- کارمند تجارت خانه (میرزا ها)	۴۵۰-۹۰	۲۵۰
۹- کارگران زر دوزی	-	۱۵۰

در تبریز با ۲۰۰ هزار نفر سکنه و ۴۰ هزار کارگر تعداد کارگران متشكل در اتحادیه های کارگری ۳ هزار نفرند. با یادآفته کردن که سازمان کارگری تبریز ما هیئت خالص کارگری بعنوان کارگران اتحادیه های کارگری ندارند بلکه سازمان کارگری شهرستان تبریز بیشتر شبیه به یک جزب سیاسی است تا سازمان کارگری. درشت ۴۰ هزار نفر سکنه وجود دارد که ۱۵ هزار نفر آنرا کارگران تشکیل می دهند. در این شهر اتحادیه کارگران و کارمندان چاپخانه ها، سکه زنان، (کلاه دوزان) و کفashان به ۳۵۰۰ نفر (۳۰۰۰ نفر) عضو بالغ می

شورای مرکزی سندیکا های کارگران ایران اهداف زیر را دنبال می کرد:

- ۱- دادن آگاهی لازم به کارگران برای افزایش اعتقادات آنها به امور سیاسی و اجتماعی واقعی.
- ۲- لزوم ایجاد همبستگی همه کارگران در مقابل کارفرمایان نهاده بیتا در برابر بردولت و طرح مطالبات و مبارزه برای آنها.
- ۳- دست زدن به اعتراض عمومی جهت تأمین نیازهای کارگران.
- ۴- ایجاد برنا مدها و جشنها وسیع کارگری به منظور فراموش نمودن روحیه مناسب برای کارگران.
- ۵- شرکت در تظاهرات روزهای بین المللی کارگری درجهت بوجود آوردن همبستگی ملی و بین المللی کارگران.

#### عضویت در بین الملل سرخ سندیکا ها

سید محمدده گان به نمایندگی از سوی شورای مرکزی سندیکا های کارگران در چهار رمین کنفرانس بین الملل سوم شرکت می کند. این کنفرانس در ژوئن ۱۹۲۲ برابر با خرداد ۱۳۰۴ در مسکو برگذاشت. بعد از دریافت دعوت نامه از سوی برگذاشتگان کنفرانس که آنرا کنفرانس سالیانه ملل شرق می نامند رسما "جلسه فوق العاده شورای مرکزی سندیکا های در تهران تشکیل می شود پس از مذاکرات در این جلسه سید محمدده گان بعنوان نماینده ایران به کنفرانس اعزام می گردد. در مدت غیبت او محمد آخوندزاده رهبری شورای مرکزی را بعهده داشت. او اولین نماینده کارگران ایران بود که در کنفرانس بین الملل سرخ کارگران شرکت می کرد. در این کنفرانس فعالیت های سندیکا های ایران به مجمع عمومی معرفی شد. در زیر گزارش دهگان را به دفتر اجرائی بین الملل سندیکا های سرخ ملاحظه می کنید.

در گزارش آقای محمدده گان - رئیس شورای مرکزی

شورای مرکزی نا مبرده شده است . گراوش سید محمد هگان - رئیس شورای مرکزی سندیکا های کارگری - بدبتر اجرائی را که قبلاً در همین بخش آورده ایم نیز حاکی از عضویت سندیکا خیابان در شورامی باشد .

#### عاقبت کارشورای مرکزی سندیکا های کارگران ایران

برای اینکه بدا نیم عاقبت کار "شمکا" به کجا انجا مید، باید ابتدا ترکیب آنرا از نظر نیروهاي اجتماعي و صاحبان تفکرات و عقاید مختلف شناخت :

این مرکز سندیکا ئی خودا ز سندیکا های مختلف حرفه ای (پیشه وری)، کارخانه ای و صنعتی تشکیل یا فته بود . اعضا آنرا کارگران صنوف و کارخانه های گونا گون تشکیل می دادند که از افق های سیاسی و اجتماعی متفاوت می آمدند . نه همه آنها طرفدار کمونیسم بودند و نه همه آنها مذهبی یا سوسیالیست . هر کارخانه به فرا خورحال خود سندیکا ئی تشکیل داده بود . افراد اعضاء و رهبران سندیکا هر کارخانه یا هر صنف در اشراروا بط و تما سهائی که با هر یک از محاافل سیاسی و فکری جا مهددا شتند تحت تاثیر آن قرار گرفته بودند بنا بر این می توان گفت ترکیب نیروهاي داخل شورای مرکزی منعکس کننده نیروهاي بود که در اجتماع وجود داشتند . از اعلامیه ها و موضع گیری های هر کدام از این سندیکاهای می شد به عقاید فکری و نظری و طرفداری سیاسی آن سندیکا یا حداقل به طرز تفکر غالب در این سندیکا پی برد . نتیجه اینکه عمسوما " عقاید سیاسی در داخل شورای آزاد بوده است . این اصل را می توان از نوشتہ پیشه وری در ترا ریچه نهضت کارگری ایران "بطور وضوح مشاهده کرد . پس شورای مرکزی دارای وحدت نظر سیاسی نبوده بلکه در آن پلورالیسم حکومت می کرده و اتحاد قوای وجود داشته نه وحدت نظر . اما ما زکسیست ها با علم و آگاهی به این گونه گونی

شوند .

درا نزلی و حومه آن ، اتحادیه کارگران ما هی گیر ۹ هزار نفر عضو دارد که ۳۰ درصد آنها را کارگران روسی تشکیل می دهند ، اتحادیه کارگران بیندر ۲۰۰ عضو دارد ، روی هم رفتہ تعداد کارگران در بیندر از نزلی به ۱۵ هزار نفر بالغ می شوند " . (۱۰۸)

سندیکا خیابان ، یکی از سندیکا های قدرتمندوفعا لوابسته به شورای مرکزی سندیکا های کارگران ایران بود . در دائره المعارف پروفیتمن در بخش مربوط به اعتصابات ایران از اعتصاب کارگران نانوائی های یا دیرده می شود . (۱۰۹) اما در گزارشی که به سومین گنگره بین الملل سندیکا های سرخ ارائه می شود بعد از ترا مبردن از سندیکا هایی که به شورا پیوسته اند چنین آمده :

" سندیکای مهم دیگرا ز آن خیابان است که اعضا آن به ۲ هزار نفر بالغ می گردد . ولی این سندیکا ما هیتی مذهبی دارد و در شورای سندیکا شی (منظور شمشکا است ) ف . ق ( عضویت شدادرد . ) این قول درست نیست تقریبا " همه کسانی که تا ریچه مبارزات کارگری را نوشتند اند از این سندیکا نا مبرده اند ، بطور مثال اگر به نوشته پیشه وری در " تا ریچه نهضت کارگری در ایران " ، آنسیان در " خاطراتش و ... مرا جمعه شود همواره از این سندیکا بعنوان عضو

Perse, rapport au 1er congrès l'activité  
De l'ISR, librairie du Travail Paris 1922 - ۱۰۸

به نقل از اسناد تاریخی ... جلد ششم ، انتشارات مزدک  
۱۰۹ - به نقل از اسناد ... جلد ششم ، ص ۱۱۵

Perse, rapport au 3eme congrès , l'activité  
De l'ISR , librairie du Travail, Paris 1924,  
P.P. 371-373 - ۱۱۰

کرد. در مجلس چهارم، سلیمان میرزا اسکندری از میان مژده ن شد. صاحب نام درسیاست از قبیل دکتر مصدق، مستوفی السماں ک، مشیر امدادگر، سید حسن مدرس، موتمن الملک، تقی زاده، قوام السلطنه، میرزا حسین خان علا و ... تنها کسی بود که به ماده واحده که در آن رضاخان به سلطنت گمارددمی شد رای داد.<sup>(۱۱۲)</sup>

پیش از این، سیاست روسیه بر بخش بزرگی از کمونیستهای ایران چنان تلقین می کرد که چون جنبش سوسیالیستی ایران قوتی ندارد که ما بتوانیم بدست او به مقاومت خود در مقابل سیاست انگلیس دست پیدا کنیم، ناچار هستیم از همان راه که آنها (انگلیسها) رفته و می روند برویم و با سردا رسپه بسا زیم که از راه دوستی کارهای ما را انجا مبده دویک جهت خود را در آغوش سیاست دشمنانمان ندازد.<sup>(۱۱۳)</sup>

رضاخان با هوشیاری از این فرصت بزرگ استفاده کرد و به مبارزه خود علیه سلسله قاجار شدت بخشد. در عین حال با جناح چپ مدافع شوروی از درمغایله در آمد و چنان و اندک در کوهی جمهوری خواه است و قصددا ردو ضعیت اقتضای و موقعیت کارگران را بهبود بخشد. اما خواهیم دید همینکه به قدرت رسیده براز سندیکاها و تشکیلات کارگری چپ را در ۱۹۲۵ (۱۳۰۴) توقيف ساخته به زندان افکند و تمام مسازمانهای کارگری را تحت عنوان شرائط جنگ تعطیل نمود. واژتکیل سندیکاها تازه و نوبه شدت ممانتعت کرد.

۲ - تسلیم شدن مدرس در برابر رضاخان.  
رهبری سیاسی - مذهبی جامعه در دست آخوند ریاست طلبی بود بنام سید حسن مدرس که عضو مجلس شورا یملی نیز می بود. او که در میان توده مذهبی - سیاسی نفوذ زیادی داشت. تا مدتی بهشت و بآ

وقبول شرائط اجتماعی و سیاسی جامعه رهبری شورا را در دست داشتند. علاوه بر این گروه، افرادی یا سندیکا هایی بودند که به حزب سوسیالیست و سلیمان میرزا اسکندری تمایل داشتند. همین طور، مذهبیون طرفدار مدرس در داخل شورا قوی بودند و قدرت بسیج کارگران را با توصل به مذهب دارا می بودند. گذشته از این سه گروه، عده‌ای از نمایندگان سندیکاها با وکلای مرتعج مجلس مثل تدین و پیاسایی که هر دوازده نوکران قسم خوردها نگلیس و از مذافعین درجه اول رضاخان می بودند، (۱۱۱) را هی داشتند.

دوران مجلس چهارم<sup>۱۱۱</sup> و ضام اجتماعی از نظر سیاست در تشنجه بود و در جنگ ورقابت و تقلاء توطئه و سازش و جنایت غوطه می خورد. استعمال روا مپریا لیسم جهانی، چنگال خوین خود را در جان و روح ملت ایران فربوده بود و در تدارک دیکتا توری تازهای بود. این دیکتا توری همه نیروهای اجتماعی را با یاری هم درهم می کوبید و بساط خود را استوار می ساخت. شورای مرکزی سندیکاها کارگری ایران از این امر نمی توانست مستثنی باشد. حملات ناجوانمردانه رهبری سو شروع شده بود و توطئه و خیانت هر روز دارا منه و سیع تری پیدا می کرد.

در این میان دو عامل اساسی باعث ضربه زدن به حیات شورای مرکزی شدند:

۱ - سازش جناح راست کمونیست ها با رضاخان.  
این بخش در اشرف رمان بردا ری از مسکو و تحلیل های تئوریک رهبران آن علیرغم همه قدر قدرتی، سرکوب، حکومت نظامی، تخریب در مبارزات سندیکا هایی و کارگری هنوزا حمقانه از رضاخان دفاع می

۱۱۱ - نگاه کنید به "از رضاخان تا رضا شاه، تحقیقی درباره سال های ۱۴۰۴-۱۴۹۹" پا ریس، سپتا مبر ۱۹۸۴، انتشارات بنیاد مصدق، فرهنگ قاسمی

۱۱۲ - نگاه کنید به اثربیشین، ص ۳۲ و ۳۳ و ۳۴

۱۱۳ - نگاه کنید به اثربیشین ص ۲۶

نرفت، شورای مرکزی در این دعوا با انتشار بیانیه‌ای جا نسب سلیمان میرزا را گرفت، طوفانی در شورا اعتراض کردند، رضاخان هیزم کش آتش حنگ، میان این دو بود دغله می‌کرد. با لاخره، مرحوم مدرس و همراهانش با کمک دولت در پنج محل تهران عده‌ای از اوضاع و مردمان بیسوا دوبا رفروشهای میدان و جمعی از کسبه مرجع با زار را جمع کردها تحدید پنج محل تهران را علیه روزنا مه حقیقت (که سهیل مبارزات سندیکائی کارگران بود) تشکیل دادند. مدتی جمعیت را برای سوزاندن روزنا مه حقیقت تحریک و تشجیع می‌نمودند، (۱۱۵) بدین ترتیب بود که شرائط و وسائل حمله به شورای مرکزی سندیکاهای کارگران آماده می‌شد. چندی نگذشت که روزنا مه حقیقت به دستور رضاخان و حکومت نظامی اوبسته شد. محل اداره آن توسط قواهی دولتی و مردم تحریک شده اشغال گردید.

از این تاریخ به بعد شورای مرکزی سندیکاهای کارگری ایران زندگی طبیعی خود را آزادست داد، گاهی مخفی و گاهی نیمه مخفی بود. اما فعالین سندیکائی دست از مبارزه در داخل کارخانه ها و کارگاهای پیشه‌وری برداشتند. بعدها "خواهیم دید چگونه این مرکز عده‌ای از فعالان خود را به اصفهان، مشهد، تبریز و با لآخره خوزستان گسیل داشت و چگونه مبارزات سندیکائی در داخل کارخانه ها فعال شد. موضوع سندیکای کارگری شرکت نفت بحث بعدی ماست که نقش حیاتی سندیکاهای فعال را در صنایع نفت نشان می‌دهد.

جسارت ویژه خود در مقابل رضاخان ایستادولی علیرغم همه هوشیاری وویژگی‌های آخوندی، به طمع جاه، فربیب رضاخان را خورد، با او به سازش نشست و همکارواعمل فعل رضاخان شد و چندین بار با برنا مه ریزی رضاخان و بدبستورا و بوسیله قواهی نظامی روی مردم مبارز و اعتقاد بیرون اسلحه کشیده شد. (بلوای تان) از آن جمله است. (۱۱۴) رضاخان برای سرکوب نیروهای فعال جامعه، که نه مارکسیست و نه مذهبی اش در باتن موافقی با اونداستند، به ظاهر توافق کرده بود و در خفا این دورا به جان هم می‌نداخت تا وسائل بقدرت رسیدن خود را فراهم سازد. در زیرخواهیم دید چگونه اختلافات بین افراد سیاسی، روی نیروهای سیاسی و درنتیجه در داخل شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران اثر می‌گذاشت و دوشورای مرکزی را تضعیف کرده و نهایتاً "از همی پاشد. آنگاه، رضاخان، با خیال آسوده آخرین ضربه کاری را با خشونت کامل بر سندیکاهای کارگری وارد می‌سازد.

در این زمان روزنا مه حقیقت "یعنی نشریه شورای مرکزی در دفاع از آزادی علیه سردا رسپه قلم می‌زد و مبارزه می‌کرد. مقاالت محمدده‌گان مردم را به دفاع از آزادی و عدالت فرامی خواند. این روزنا مه در میان مردم هوا داران زیادی پیدا کرده بود بسط وزیکه چهار رهار را تک فروشی داشت. مبارزین واقعی جنبش کارگری و سندیکائی در برابر رضاخان و حکومت نظامی و توطئه‌های اوایستاده بودند. در عرض رهبری حزب کمونیست و سوسیالیست و رهبری مذهبی به نمایندگی مدرس اوراثا نیدوازا و پشتیبانی می‌کردند. اختلافات بین جناح‌های مختلف سیاسی به همه جا سراست کرد. از جمله در شورای مرکزی اثرگذاشت و آنرا تکه کرد. میان سلیمان میرزا و مدرس اختلاف با لگرفت بطوریکه مدرس اورا در مجلس تکفیر کرد، جراحت مذهبی به او تهمت بیدینی می‌زدند و مدتی به مجلس

شوند، کاراین نوشته آن نیست . همه کوشش ما این است ، در حد اطلاعات و مکاتبات خود، یک کار تحقیقی و علمی ارائه دهیم و بدون هیچگونه ادعا ئی و بی آنکه رساندن خشورانه یا ازاین قبیل حرفها، برای خسود قائل باشیم، کمبودها ی جنبش سندیکائی را بطور منطقی و بدون غرض و تعصب یا دآورسا زیم . زیرا به نظر ما این طرز کاری رمی توانندافق تازه ای برای مبارزات سندیکائی و کارگری درایران بازگشاید .

### ۱-۳ : شرائط کاروزندگی

بدین منظور به بررسی شرائط کاروزندگی کارگران مناطق نفتی مورد بهره برداری شرکت نفت سابق می پردازیم .

### ۱-۱ : مسکن و محیط زیست

مناطقی ما نند آبادان، مسجدسلیمان، آغا جاری، پازنان، لالی و گچساران قبلاً به هیچوجه قابل سکونت نبودند چاههای نفت با عث گردیدند این شهرها بدون هیچ برنامه مدرستی از شهرسازی بوجود آیند . کمپانی موظف شده بودوسائل زندگی، صحی و صحت عمومی را برای کارگران خود بوجود آورده ماه ۱۷ اقرباً ردارد در این بازه این طور صراحت دارد .

ماه ۱۷ کمپانی تشکیلات و مخازن تاسیسات و نفتیش و اداره وسائل صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین حفظ الصحه معمولی درایران در تماه راضی وابنیه و مسکن اعضاً و عملجات خودکه در حوزه امتیاز کارمی کنند بعهده می گیرد .

اما آیا کمپانی به این ماده عمل کردو برای کارگران مسکن تهیه کرد؟ در زیر به این سوال پاسخ داده می شود .

آبادان - در ساحل بستر روندروود (شط العرب) قرار دارد و جزیره ای است بطول ۴ کیلومتر و کمپانی نفت با تظاهردادن مناظر و چشم اندازهای زیبای آبادان به خود می

### فصل سوم :

#### شرکت نفت انگلیس و ایران

شرائط کاروزندگی - سندیکائی کارگران نفت جنوب  
(۱۹۴۱-۱۹۰۲)

قبل از پرداختن به مبارزات سندیکائی کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران باید شرائط اقتصادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیائی، شهری، کاری و کارخانه‌ای، بهداشتی، خوراکی و اصولاً همه عوامل وسائلی که در ارتبا طبا زندگی و کار کارگران شرکت نفت قرار دارند را شناخت . در غیر اینصورت، ترسیم درستی از مبارزات سندیکائی و کارگری این منطقه نمی‌توان اراده داد و ناقصاً رخواهیم شد بجا ای پرداختن به تحلیل واقعیات و ارائه یک آنا تو می (کالبدشکافی) از اوضاع و احوال که لازمه یک کار متدبیک و علمی است به نگارش چندحادشه وزد و خورد و اعتماد بپردازیم و چندین شعار "نقابی" در دفاع از کارگران اصل مساله را لسوٹ کنیم . نوشته های ازاین قبیل بسیار دیده می

بریم و بوا رده قرار دارد.

کانال های مذکور که در آبادان بنام "حفار" نامیده می شوند بن بست بوده و فقط بوسیله مجرای باریکی بیکدیگر متصل می گردند از کانال شماری که با سیمان ساخته شده و زدوطرف دارای دریچه های تنظیم ارتفاع آب می باشد منظور تنظیم جریان آب روهای شهر استفاده می شود که کانال جنوبی که بخط العرب راهدارد چون در کنار رخانجات و اسوارهای مصالح ساختمانی حفر شده برای با رگیری سنگ و آهک و آجر و سه که بوسیله کرجی های بزرگ ویدک کش های آهن حمل می گردید بکار می رود. در ساحل خط العرب مقابل این شهر همیشه تعداد زیادی کراجی های بزرگ شرعاً عدار برای با رگیری و باراندازی دیده می شود. این کرجی ها برای حمل و نقل کالابین آبادان و خرمشهر و بصره و کویت و بحرین و بنادر خلیج فارس رفت و آمد می کنند.

کلیه ادارات دولتی و مدارس و بازارها و نمايندگی های شرکتهاي بازرگانی در این قسمت از شهر قرار دارد.

خیابان های معدود و کوتاه این شهر که طویل ترین آنها از چندصد متر تجاوز نمی کنند کم وسعت و بطورناقصی اسفالت شده است. اغلب خانه ها کوچک و مصالح ساختمانی عمده آن از آجر و گل و خشت خام می باشد. مجاری عمیق و مکشوف فاضل آب که از سطح کوچه ها می گذرد بر تنگی آنها می فرازد.

عده محدودی از این خانه ها دارای لوله آب تصفیه شده می باشد و بقیه که سکونت در اطاق های تاریک و بدون منفذ آن بسیار دشوار است آب مصرفی را با اشکال زیادی از لوله های که در وسط هر محله ای نصب شده است تهیه می نمایند. این قسمت از شهر آبادان محل سکونت کسبه و پیشه وران و تجارتی ادارات دولتی و عده ای از کارگران (که واجد شرایط استفاده از خانه های شرکت نفت نیستند) می باشد.

بالید، روزنامه ها، جزوای تبلیغاتی شرکت نفت بیشتر به ظا هر فریبند آن می پرداختند تا فساد باطن و ظلمی که در آین شهر نسبت به کارگران اعمال می شد را پرده ای به آن واختفا بیانند. در این سالها آبادان برای عده ای (کارفرما یا نومامورین انگلیسی) بهشت موعود بپرای کارگران وزحمتکشان جهنم سوزان بود. آبادان برای کارگران نیکه برای رهائی از زنجی بیکاری، دهقا نانیکه برای فرار از مظلالم طاقت فرسای اربابها و خوانین و بی انصافی پیله و ران، برای فارغ التحصیلانی که به قصدورود به جا مده کار و کوشش بدآن جاروی می آوردند قبرستان سوخته ای بود که اسکلت های سیا و دودزده مردگان نش با نیروی مرگ آور استثمار در حرکت بود. سنگ بنای شهر آبادان همزمان با ساختمان پلاسیه ای یعنی در زمستان ۱۹۰۹ میلادی گذاشده شد. در فاصله سالهای ۱۹۳۰-۱۹۲۰ یعنی بعد از جنگ جهانی دوم بطور متوسط فقط ۴۰ هزار کارگر در آن زندگی می کردند. (۱۱۶)

حال بینیم شهر آبادان از نظر جغرافیای اجتماعی چه شکلی دارد. این مطالعه به ما اجازه خواهد داد تا با وضعیت مسکن کارگران بهتر آشنا شویم.

آبادان خود از لحاظ مناطق مسکونی به دو بخش تقسیم می شد. مناطق مسکونی آزاد و مناطق مسکونی متعلق به شرکت نفت.

الف - مناطق مسکونی آزاد که خود به دو بخش تقسیم می شوند:

### شهر آبادان

این قسمت در بین دو کانال مصنوعی و شط العرب و خیابان

۱۱۶ - بقیه کارگرانی که برای شرکت نفت درسا یرنقا طرفتی کار می کردند ۴۳ هزار نفر بودند. در این سالها شرکت نفت حدود ۷۰ هزار کارگر دراست خود را داشت.

احمدآباد

این محله که می توان آنرا کوی کارگران نامید بشکل مستطیل درین خبابان های آبادان - بهمنشیر و آبادان بوارده و بوارده شمالي و قبرستان مسلمین محصور شده است . اين محله نيز نظر شهر آبادان می باشد . اين تفاوت که چون تازه سازتر است بهمین جهت در خابان بندی آن دقت بيشتری بعمل آمده است ولی در عوض مردمانش فقير تروخانه ها يش پوشالی تروشلوغ تراست بنحوی که حتی دکان های این ناحیه نيز زا يش گونه موجودات سرگردان معلومی باشد .

فقط در ابتداء ووسط این محله نیست که کپرهای احداشی از بوریا و تخته باعث رونق خانه های گلی و نیمه آجری اطراف شده است بلکه در انتهای این محله مساکن مخصوصی دیده می شود که از روی هم گذاشتن چند قطعه حلبي زنگ زده ، گونی پاره ، شاخ درخت خرماء ، لنجه کفش متدرس و سفال شکسته بوجود آمده .

مهمنترين مسئله مشکلی که سکنه آبادان و احمدآبادان مواجه هستند مسئله کمیا بی خانه است و این مسئله لایحل طبقا ظهار پیران این شهر با پیدا يش آبادان بوجود آمده و هنوز هم اما مه داشته و روز بروز مشکل ترمی گردیده همین مسئله است که میران کرایه خانه را بطرز سوسما آوری با لابرده بطوري که هر کس میتوانست در چند متر مربع زمین با روی هم گذاشتن مقداری گل و بوریا و تخته دخمه های تنگ و با ریکی بنا ما طاق بسا زدما هیانه عایدی مهمی بدست آورده و هر کارگری که میخواست در این شهر زندگی کنید با یدسهم نسبتا " مهمی از دستمزدنا چيز خود را بکرایه خانه اختصاص می داد .

ب : مناطق مسکونی متعلق به شرکت نفت .

این منطقه نيز بجهت این حیه زیر تقسیم می گردد :

اين ناحیه بشکل ذوزنقه بین شهر آبادان و ادارات استخدا م واقع شرکت و پالایشگاه قرار دارد ساختمان اين خانه ها آجری و منظم و دارای حیاط و با غچه و سالم پذیرا شی و حمام مولده آب و برق و با دزن الکتریکی سقفی می باشد . در این ناحیه کارمندان طبقه ۲ دفتری و فنی که دارای ساقه خدمت نسبتا " طولانی هستند سکونت دارند . ( این مناطق بعدا زجنگ جهانی دوم ساخته شد ) .

بهمنشیر

اين ناحیه از مقابله دبیرستان رازی و خیابان بریم - بوارده شروع شده و در چندین ردیف در امتداد خیابان آبادان - بهمن شیرا زیک طرف و دیووار قسمت مخزن نفت پالایشگاه از طرف دیگر تا رو بروی با غات بهمنشیر ادامه دارد .

خانه ها شیکه در ابتداء و انتهای هر ردیف قرار دارند چهار طاقی و بقیه سه طاقی می باشد . ساختمان این خانه ها نیز آجری بوده و دارای همان وسائل مذکور در ناحیه قبلی است ولی از لحاظ وسعت و طرز ساختمان در درجه بعدا ز خانه های پارک آریا قرار دارد بخصوص اینکه خانه های ۳ طاقی این ناحیه فاقد باعچه نیز می باشد .

درا این ناحیه چند ردیف خانه دوا طاقی نیز ساخته شده که بهیج وجه فاقد سکونت نیست . این خانه ها عبارت از یک چهار دیواری محصور و بدون منفذ بوده که از وسط بوسیله دیوا رکوتا هی بدو قسمت شده و بوسیله چرا غی که در با لای دیوا روسط کارگذا رده شده است روشن می گردد .

درا این ناحیه نیز کارمندان فنی و دفتری طبقه ۲ و کارگران با ساقه سکونت دارند . تعداد خانه های این ناحیه بالغ بر ۴۵۵۷ دستگاه است .

### حلبی آباد و حصیر آباد

تا قبل از ملی شدن در اطراف آبادان شهرکهای برپا شده بودند که یا از حبیر (حصیر آباد) یا از حلبی (حلبی آباد) ساخته شده بودند. (۱۱۸) کارگران علاوه بر خانه‌های حصیری و ساخته شده از حلبی در آلاجیق‌های چوبی نیز زندگی می‌کردند. این خانه‌ها فقط قادر به دسترسی نداشتند و مسکن کارگرانی را که با خانواده‌های خود زندگی می‌کردند برآورند. در آلاجیق‌های زندگی می‌کردند تعداد فرازدیده‌ترین افراد بودند و مسکن آنها در آن‌جا می‌باشد. آشامیدنی نداشتند و مجبور بودند از چشم‌های که در فاصله نسبتاً دوری از محل زندگی آنها قرار داشت آب مورد نیاز خود را تا میان نمایند. در کنار چشم‌های همیشه صاف آنبوهی از کارگران که در بال آب آمدند بودند وجود داشت. (۱۱۹)

### بوا رده

در جنوب شهر آبادان، در منطقه وسیعی که شامل خانه‌های قشنگ خیابان‌های زیبا، درختهای سبز و خرم، چمن‌های شاداب، استخر شنا، زمین‌های تنیس و فوتbal، باشگاه‌های وسیع‌الحجم و رستوران‌های درجه اول می‌باشد. ناحیه‌ای صفائی بوارده قرار دارد. خانه‌های این ناحیه بچندین درجه تقسیم شده‌اند که بهترین آنها بکارمندان انگلیسی تعلق دارد. این ناحیه زیبا که محل سکونت کارمندان طبقه اول ایرانی و هندی است اگرچه از هر حیث بمیزان بسیار عالی

۱۱۸ - فاتح مصطفی، "پنجا ه سال نفت ایران"، ص ۴۳۵

۱۱۹ - پرویز داور، رساله دکتری سیکل سوم

*Les fondements de la Nationalisation de l'industrie  
Pétrolière en Iran, P.318 Bruxelles 1973-1974*

### کلبه‌های گل

این کلبه‌ها که بالغ بر ۸۹۰ دستگاه می‌باشد روزماں جنگ برای سکونت کارگران ساخته شد.

جنگ می‌که شخص تازه‌واردی به حفره‌های تنگ و تاریک‌داخلي آن نگاه می‌کندشا یه‌فرکنده شرکت نفت این محل را در زمان جنگ برای نگاهداری چهار پایان ارتش متفقین ساخته باشد و موقعی که از خود شرکت نفت سئوال نماید فوراً "رفع استبا شده و معلوم می‌گردد که شرکت نفت این محل را برای سکونت کارگران ایرانی ساخته است.

دراینجا، ارتفاع خانه‌های کارگران حومه آبادان از قد معمولی انسان کوتاه تر بود. تازه‌تعداً داین خانه‌ها هم با نداره کافی نبود و فقط می‌توانست بخش کوچکی از کارگران را مسکن بدهد. (۱۱۷)

اینجا، در اطاق‌های قبر ما ننداین کلبه‌ها که در دیوارهای کج و معوج آن هیچ روزنه‌ای برای تهیه و وجود نداشده‌اند دخمه هایی که در تراستا به گرمی کوره‌های هنگری بوده و در زمستان از سقف و دیوارهای آن آب سرازیر می‌شود، موجوداتی زندگی می‌کنند که از هر چیزی بی ارزش تربوده و کارگرا برانی نامدارد.

برای تحصیل خانه‌درنواحی فوق الذکر ظاهراً "با یستی شرایطی را که با حقوق و سابقه خدمت در شرکت متناسب می‌باشد" دارا بود. ولی چون کارگران زیادی هستند که با دارا بودن این شرایط سالها از تحصیل خانه محروم مانده‌اند، معلوم می‌شود که طالبین سکونت در خانه‌های شرکت نفت با یستی علاوه بر دارا بودن شرایط با لامور دتوجه خاص شرکت نفت باشند.

۱۱۷ - عبدالهیف، "وضعیت مادی طبقه کارگرا ایران" *تلخی* فرهاد کشاورز، انتشارات پا دزه، ص ۱۳۴

گل و سبزه را با نظم و ترتیب جالبی بقطعاًت مختلف تقسیم می‌کنند، لطفتی که ازوش نسیم آرام و مطبوع شط العرب در میان این‌گلهای وسبزهای خیابان های قشنگ جریان دارد و همچنین از صدھا زیبائی و محاسن دیگر، این ناحیه بوجود آمده که همواره در آغوش یک آرامش مطبوع و سحرآساشی لمیده است.

در درون خانه‌های پرسعادت این ناحیه همه گشته و ساپل آسایش موجود بوده و با بودن این نوسایل نه گرما، نه سرما، نه رنج و نه زحمت، نه فقر و نه بیماری بهيج وجه بدرون این خانه‌های راه ندارند.

اگر بگوئیم که این ناحیه یک بهشت کاملاً است درگفته خود هیچ مبالغه ننمودیم. زیرا در اینجا نیز درست ما نندھمان بهشت مصنوعی و معروف "حسن صباح رئیس مذهب اسلام علییه" مقامات مسئول این کشور مسحوراً عجاز خدا یا نفت گشته بردنگی و عبودیت آنان را می‌پذیرند.

آری از اینجا در این منطقه قشنگ و آرام، در این گلستان بهشت آسای و فریبندهای که از همه جا و همه چیز آن بوى صلح و صفا بر می‌خیزد، تما م اختلافات طبقاتی که منشاء تما منزاع های نژادی و مذهبی، و منبع و تما مفسادهای اجتماعی تما مفتنه‌های آبادان سرچشم می‌گیرد. (۱۲۰)

این مشاهداتی بود در با ره شهر آبادان و مسکن کارگران در این شهر که با یاد آنرا شهر تبلیغاتی کمپانی نامید درسا پر شهرها وضع بسیار اسفانگیز است.

از نواحی سابق الذکر جلوتر است با اینجا لبانا حیه انگلیسی نشین برمی نیزقاً بل مقايسه نمی باشد. درست است که در این ناحیه کارمندان طبقه اول از قبیل دکتور، مهندس، پزشک، استاد، حسابدار و روا مثال آنها سکونت دارند و ما نندھمکاران انگلیسی خودلباً س تمیز پوشیده و برای رفع عطش ویسکی و سودا نوشیده و در شب نشینی ها و مجالس رقص شرکت می کنند. واگرچه بعضی از سکنهای این ناحیه برای اینکه در موقع اضافه حقوق عقب نمانده و یا اینکه می‌باشد با نظا هربملیت شغل خود را از دست داده و بنا بمقتضیات این کشور راهگذائی پیش‌گیرند. بمیل یا اکراه ایرانیانی را که در زیر آفتاب سوزان و بكمک عرق بدنه و دودنفت پوستشان را سوخته و بدای غی شده و از صورت و شکل ظاهری یک بشر طبیعی خارج شده اند مورده خشم و غضب قرار می‌دهند و با لآخره با اینکه عده‌ای از آنان در این خوش رقصی راه افراط اپیش گرفته و برای اثبات وفا داری خلل ناپذیر تما مقدسات ملی خود را نیز در این راه به پست ترین وضعی قربانی می‌کنند. با اینجا لچون ایرانی هستند، چون نفت مال آنهاست، چون موجرا این ثروت ملی می‌باشند، چون بنا بر عرف امیرا طوران نفت با یستی با امتیازاتی که خیلی کمتر از امتیازات مستاجرین است ساخته و راضی باشند لذا بوارده نیز بمزیزان استحقاق آنها ساخته شده است.

### بریم

این نامبر منطقه‌ای اطلاق می‌گردد که در قسمت شمالی پالا بشگاه احداث شده و محل سکونت کارمندان انگلیسی شرکت نفت است. از ترکیب ویلاهای با شکوه و زیبائی که در میان انبوی درختان سبز و گلهای رنگارنگ قرار گرفته‌اند. با غهای با صفائی گه در تمام فصول سال شاد بوده و هر روز بزنگی درمی‌آیند. خیابان‌های صیقلی و مشجری که از همه جا گذشته و این عروشك‌های زیبائی و تپه‌های

۱۲۰ - نقل تلخیص از ابوالفضل لسانی "طلای سیاه یا بلای ایران" انتشارات امیرکبیر، تهران چاپ دوم ۱۳۵۷، ص. ص. ۰-۲۹۴-۲۸۴. آقای لسانی این فصل را از مشاهدات یکی از نویسندهای ایرانی نقل می‌کندا مانام اورانمی برد.

خودمنزلی تهیه نمایند. لذا هر کدام به جهت خود در زیر می‌باشد  
خدمه‌ای حفر کردن دویا با چوب اطلاق های ساختند. (۱۲۳)

### ۲-۱-۳: بهداشت و ایمنی محیط کار

به هنگام عقد قرارداد ۱۹۳۳ به این نکته توجه شده بود که چون  
غالب نواحی نفت خیز کشور در بیان نهای سوزان و بین دره‌های  
غیر مسکونی و صعب العبور است و در هیچ‌کجا از این نواحی این  
جهت مسکن وجود ندارد و مهمت را آن، نا مساعده بودن هوای خوزستان،  
شراط زندگی را ساخت می‌کند. بنابراین شرکت ملتزم می‌شود  
درا مرتبه مسکن اقدام کرده تا سیاست بهداشتی را از هر حیث برای  
کارگران شاغل در مناطق نفتی تهیه نماید. ماده ۱۷ قرارداد ۱۹۳۳  
درا این مورد بیهوده قرار را بترصیح می‌کند:

"کمپانی تشکیلات و مخابرات تا سیاست و تفتیش و اداره وسائل  
صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ المصحه  
معمول در ایران در تما ماراضی و این مسکن اعضاء و  
عملیات خودکه در حوزه امتیازیه کار می‌کنند بعده می‌گیرد."  
در فصل مربوط به مسکن دیدیم شرکت در مرور تعهد بساختمان  
مساکن هیچ‌گونه اقدام موثری نکرد. در این بخش برآسان اسناد  
ومدارک گوناگون نشان خواهیم داد در باره وسائل بهداشتی و صحت  
عمومی چه برای بیماران و چه برای بهداشت محیط کار وسائل ایمنی  
نیز شرکت بر تعهد خود عمل نمی‌کند.

اول و سالن پس ازیا داری قرارداد تو عهد موضوع ماده ۱۷  
می‌نویسد: اما در سراسر منطقه فعلیت شرکت، یک زايشگاه و در  
برخی مناطق حتی یک قابل هم وجود نداشت. (۱۲۴) در همین زمینه

۱۲۳ - از شماره ۶ "پیکار" اول ژوئن ۱۹۳۱، نشریه حزب کمونیست  
ایران  
۱۲۴ - اول و سالن به نقل از مقاله عبدالهیف، تلخیص فرهاد  
کشاورز، همانجا، ص ۱۳۵

لازم به یا داری است که بسیاری از خبرنگاران و نویسنده‌گان  
که در آن سالها در باره شرائط و اوضاع کار روزندگی کارگران شرکت  
نفت مطلب می‌نویسند این اوضاع اسف با ررا تائید می‌کنند. بطوط  
مثال عبدالهیف نویسنده شوروی بدون اینکه به جزئیات بپردازد  
چنین می‌نویسد:

"مساکن شرکت نفت نیز مختلف بود: انگلیس‌ها در ولایات  
جداگانه یا در آپارتمان‌های وسیع و مجهز زندگی می‌کردند، ایرانیان  
که جزو گروه‌ها ول محسوب می‌شدند در مناطق ویژه‌ای که برای یشان  
ساخته شده بودندگی می‌کردند و کارمندان و متخصصین متعلق به  
گروه‌دوم در شرائط مسکنی بدتری قرار داشتند. تنها خارجیان  
بودندگه در همان آغاز شروع به کار در شرکت، خود بخود خانه دریافت  
می‌کردند، کارگران و کارمندان محلی می‌باشند در نوبت بمانند  
وحتی کارگران ما هر نیزگاهی تا ۳۰ سال می‌باشند دریافت  
خانه انتظار پیشند. (۱۲۱)"

در روزنامه پیکار (شماره ۶) که به همت مرتضی علوی و شخصی  
بنام اسف (۱۲۲) در آلمان انتشار می‌یافتد در باره آبادان و وضع  
زندگی کارگران چنین نوشته شده است.

تاسال ۱۹۱۰ ناحیه آبادان فقط عبارت بود از یک صحرای  
بدون هیچ‌گونه آبادانی ولی بعد از آنکه کمپانی تصمیم گرفت که  
لوله‌نفتی را از مسجدسلیمان بدان طرف بکشدو درناحیه مزبور شروع  
باستخراج نفت نماید بدون اینکه برای کارگرانی که بدین صوب  
می‌آیند تهیه منزل و مأموریت بدهد کثیری کارگران بدین خدمت  
ایرانی را روانه نقطه مزبور شود کارگران مجبور بودند که برای

۱۲۱ - عبدالهیف - تلخیص از فرهنگ ادبیات و زبان، ص ۱۳۴

۱۲۲ - بنا به قول ائمه اهل سنت ایمانی "اسف" بعداً "با پهلوی ها  
همکاری کرد شرطی اندوخت حتی به نمایندگی مجلس نیز  
رسید. اما همانطوری که میدانید علوی در زندان روسها کشته  
شد.

بهداشت کارگا هزیا دبود، هیچ خسارت وجود نداشت و تازه کارگر مریض یا از کارافتاده کارخود را ازدست می داد. نداشتن مسکن مناسب و غذای کافی عدم بهره برداری از شرائط مناسب کار در کارخانه باعث شده بود که کمتر کارگری به امراض مختلف دجا رنسوده باشد "کارگران نفت، معمولاً" از جراحت و ارده در موقع کار رژیمی کشیدند که آینه خود نتیجه عدم توجه کارگران که به هنگام کار از سیستم های حفاظتی بود، معمولاً "کارگران که به هنگام کار جراحت سخت پیدا می کردند به سادگی تمام از کار اخراج می شدند و شرکت حقوق استمراری به آنها نمی پرداخت، که هیچ، حتی از یک حداقل مساعده مالی برای یک با رنسابت به آنها نیز خودداری می کرد." (۱۲۸)

#### ۴-۱-۳: وضعیت غذاشی کارگران

براساس مدارک متعدد موجود کارگران شرکت نفت بین ۱۱ تا ۱۲ ساعت کار می کردند. تهیه مواد غذاشی لازم و مناسب به دوچهت برای کارگران مقدور نبود. یکی کمی دست مزد - دستمزد در سال های ۱۹۲۰ بین ۲ تا ۳ قران در روز بود - دیگراینکه، در مراتق و نواحی ای که کارگران کار می کردند و احدهای توزیع مواد غذاشی یا وجود نداشتندیا اگر پیدا می شدند قیمت مواد غذاشی دویا سه برابر شهر بود. با روزی ۱۱ تا ۱۲ ساعت کار دیگر و وقتی برای تهیه غذاشی مانند راین با راه روزنا مهپیکار می نویسد: "بیچاره کارگر در مدت یک ما هیک دفعه هم رنگ گوشت را نمی بیند، زیرا مزدا و بقدرتی که مونا چیز است که بیشتر از اینکه یک سیرخرما یا نان خالی بخورد کفایت نمی کند." (۱۲۹) در مورد وضعیت غذاشی کارگران نفت

عبدالهیف اضافه می کنند راحلیکه کارکنان اروپائی شرکت، از کمک های طبی و بهداشتی همه جانبه ظریف را بخوردند. (۱۲۵) ابوالفضل لسانی، درباره وضع بهداشتی کارگران می نویسد: "با ید دولت برای جراء ماده ۱۷ مراقبت نماید، "هیچ گوشه دقت و کنترلی در کار نیست و دولت آماری صحیح یا ناصح در این باب تهیه نکرده است. ولی آنچه محروم و مسلم است آنست که، تشکیلات بهداشتی کمیابی نفت چه از حیث کیفیت و چه از جهت کمیت به هیچ وجه مناسب با گروه انبوبه کارگران و کارمندان شرکت نفت نیست". (۱۲۶) روزنا مهپیکار درباره وضع بهداشتی کارگران چنین اظهار نظر می کند: "به علت نداشتن مسکن مناسب و غذای کافی کمتر کارگری سالم و تندرنست دیده می شوندو همگی مبتلا به مرض های مختلف بودند و از طرف کمپانی حتی یک دکتر ناشی هم برای حفظ ظا هر به محل مذکور فرستاده نشد و یک مریض خانه موقتی همدا شربا تاسیس نکرد. بهمین علت کارگران سالم مجبور بودند کارگر مریضی که در حال مرگ است یا بتوسط قایق یا روی دوش خود کشیده تا محمره برای معالجه و مداوا ببرند." (۱۲۷)

#### ۳-۱-۳: بیماری و از کارافتادگی

این بود وضعیت بهداشتی و صحي کارگران شرکت نفت سا بق علیرغم این وضعیت کارفرمای انگلیسی با استشاره رجزوات و مقاولاتی در کشورهای اروپائی و در ایران چنان و آن مودتی کرد، گویا سرویس های پزشکی و بهداشتی وجود دارد. علاوه بر این برای کارگران از کارافتاده که تعداد دشان به علت عدم وجود این و تامین

۱۲۵ - اثربیشین

۱۲۶ - ابوالفضل لسانی، "ظلای سیا هیا بلای ایران"، ص ۳۲۴

۱۲۷ - روزنا مهپیکار شماره ۶ اول ژوئن ۱۹۳۱

۱۲۸ - عبدالهیف، تلخیص فرهادکشا ورز، هما نجا، ص ۱۳۵  
۱۲۹ - روزنا مهپیکار، هما نجا

ساختمان کارگاهها، کارگران فعال در ساختمان لوله‌های نفتی، کارگران راهساز، کارگران ساختمان، کارگران زهکش آب در مراحته ای از نفوذ آب در امدادی، کارگران بارانداز، کارگران کارگاه‌های الکتریکی و مکانیکی و آهنگری، راهداران، نقشه‌کشها، مهندسین، کارکنان بخش اداری، متخصصین شیمی، مکانیسین‌ها، راننده‌ها و ...

همانطوریکه گفته‌یم، بخش بزرگی از کارکنان را کارگران ساده تشکیل می‌دادند. آماری که بوسیله دفتریین المللی کار ۸۰٪ تا ۷۰٪ انتشاریافت نشان میدهد فقط در آبادان تقریباً ۸۷٪ از کارکنان شرکت را این کارگران تشکیل می‌دادند. آنها خود به چهار درجه تقسیم می‌شدند: کارگران ساده، کارگران درجه ۳، کارگران درجه ۲، کارگران درجه ۱ (۱۳۱) در برآردستمزد این کارگران دربخش استخدا مود استمزد بحث خواهیم کرد. مقاطعه کاران سهم بزرگی در استثمار کارگران داشتند. شرکت نفت سجای استخدا م کارکنان و بعده‌گرفتن مدیریت عملیات حفاری، ساختمان، لوله کشی و غیرا زاینها، برای اینکه تعهدی در برابر کارگران پیدا نکنند بخش قابل اهمیتی از کارهای خود را به مقاطعه کارها می‌داد. مقاطعه کارها کارگران را با قیمت خیلی پائین استخدا م کرده‌پس از پایان عملیات بدون هیچگونه تعهدی آنها را بیکار می‌کردند.

### ۶-۱-۳: استخدا م و سطح دستمزد

مساله استخدا م کارگران ابتدا شروع فعالیت شرکت

Bureau International du Travail

-۱۳۰

Les Conditions de Travail dans l'Industrie du Pétrole en Iran, Genève 1950, P.12

-۱۳۱

در بخش مربوط به سطح دستمزد و شرائط استخدام با زبحث خواهیم کرد.

### ۵-۱-۳: ترکیب شغلی کارکنان

قبل از پرداختن به ترکیب کارکنان و مشاغل آنها با یدبیه اصلیت کسانی که در مناطق نفتی برای شرکت نفت کار می‌کردند (۱۹۰۵-۱۹۴۵) پرداخت. وقتی شرکت نفت تاسیس شد و دارای رسی "شروع به اقدامات حفاری سهود برای حفاظت از تاسیسات خود را با یلات جنوب؛ بختیاری‌ها و ایلات عرب زبان استفاده می‌کرد. وی با بختیاری‌ها پیمان متقابلی بست و بخشی از درآمد را به آنها وعده داد. اصلیت کسانی که در شرکت نفت کار می‌کردند بیشتر از یلات جنوب چه بختیاری و چه ایلات عرب زبان یا از کسانی بودند که از جزائیر طراف خلیج فارس به مناطق نفتی آبادان، مسجدسلیمان آغاز جاری، دوگنبدان و ... آمده بودند. علاوه بر این، بخش دیگری از کارگران را کارگران هندی تشکیل می‌دادند که بوسیله انگلیس ها به ایران کوچ داده شده بودند، هندی‌ها بیشتر از کارگران ایرانی از کارفرمای خود را طاعت می‌کردند و دوستی کارفرمای انگلیسی از وجود ملیت‌های مختلف برای بهتر حکومت کردن خود استفاده می‌کرد. وجود ملیت‌های مختلف اجازه میداد تا کارفرما بتواند "تدبیر" آن سیاست‌دارانگلیسی (لرد با توم) را به کارگردانی گفت: "تفرقه بیان نداز و حکومت کن".

این عنده‌ترین درصد کارکنان شرکت نفت را تشکیل می‌دادند که اکثریت قریب به اتفاق آنها کارگران ساده بودند. در با ره‌ تقسیم‌بندی کارگران ساده‌کمی بعدگفتگو خواهیم کرد. گروه دیگر کارکنان اروپائی بودند که مشاغل تخصصی و فنی و حساس را در دست داشتند. اما بطور کلی میتوان مشاغل موجود در شرکت نفت را به شکل زیر بین کرد: کارگران حفاری، کارگران شاغل در بخش

نفت را از جهات مختلف مورد مطابعه قرار داده است - کارمندان و کارکنان شرکت به سه گروه تقسیم می شدند: گروه اول را اروپائیان تشکیل می دادند که در ضمن، چند تن از کارمندان ایرانی هم که تحصیلات عالی شان را در انگلستان انجام داده بودند جزو این گروه محسوب می شدند. گروه دوم از کارمندان هندی و پاکستانی و ایرانی و تکنیسین های متوسط تشکیل می شد. گروه سوم، خودا زسه دسته بوجود می آمد: ۱ - کارگران ما هتروسر کارگران ، ۲ - کارگران متخصص ، و ۳ - کارگران غیر ماهر. دو دسته اخیر را منحصرا "کارگران تشکیل می دادند. شرکت نفت این دسته از کارگران را بیشتر از طریق پیمانکاران استفاده می کرد و در نتیجه در مقابل آنان رسما "تعهدی نداشت و شیوه مرسوم دستمزد در شرکت، شامل حاشیان نمی شد. این دسته از کارگران ازلحاظ مسکن هیچ نوع تأمینی نداشتند و پیما رنکاران در هر لحظه ئی که می خواستند می توانستند خراجشان کنند. این شیوه خردمندی که کاردرکشورهای نیمه مستعمره و مستعمره رواج داشت و غیر انسانی ترین شکل آن بود". (۱۳۳)

اما در رابطه با نیروی انسانی با یادگفت استفاده می قسمت اعظم کارگران در مناطق نفتی بنا به درخواست کارگران صورت می گرفت. آنها از نواحی ایلاتی و کوهستانی جنوب ایران برای کار و دریافت دستمزد روزانه ۳ تا ۴ قران می آمدند.

استفاده مکارگران ما هر وغیر ما هر که سا به کار در صنایع کوچک و دستی ایران را داشتند بوسیله دفتر مرکزی که در تهران واقع بود انجام گرفت. علاوه بر این، دفاتر توزیع نفت، شبکه اصلی استفاده کارگران ما هر و نیمه ما هر را تشکیل می دادند.

کارکنان متخصص اروپائی هم با دستمزدی چندبرابر دستمزد معمول،

"بوسیله" دارسی همیشه مشکل برانگیز بوده است. دولتهاي ايران به شرکت نفت فشار می آورده اند تا کادرها را نیز از ایرانیان استخدا م نمایند ولی شرکت نفت زیربا رئیسی رفت. سیاست همواره بدین منوال بود که کارمندان و تکنیسین ها و مهندسین و مدیران خود را از میان انگلیسی ها و گاهی هندی ها، کارگران ساده و درجه اول را از میان ایرانیان استخدا منماید. کارگران ایرانی غالب پست تربیت مشاغل را در طبقه بندی شغلی شرکت نفت، بعده داشتند وضع دستمزد شان از همه بدتر بود. (۱۳۲)

حال آنکه شرکت نفت طبق امتیازات مه موظف شده بود بمرور بر تعداد ایرانیان شاغل در بخشهاي تخصصي و اداري و مدیريٽ بيفزايد، ولی هرگز زيربا را يين کارئي رفت و بيشتر ترجيح می داد، فقط کارگران ساده را از ايرانیان استخدا منماید. در هر صورت، اختیار از دست دولت خارج بود، زیرا کمتر دولتی دیده شد که در مقابل این مسائلها استقامت کنند و از شرکت جدا "بخواهد به تعهد خود عمل کند. مگر مصدق که همین امر را بشدت دنبال کرده هم در جريان ملي شدن و همدرم موقع تخمین خسارت ازان بعنوان حربه ای عليه شرکت استفاده کرده در جلد دوم به این مسائل به دقت خواهیم پرداخت.

به رحال شرکت بنا به سیاست و گرددش کارخود را توجه به منافع و مصالح خود، بدون کوچکترین احساس تعهدی به هر طریقی که خودش می خواست، در باره استخدا م اقدام می کرد.

"در موسسات شرکت نفت انگلیس و ایران سیستم حقوق ما هانه معمول بود. بنا به نوشته‌اللول ساتن - که در طول خدمتش، شرکت

G.Lenczowski, Oil and States in Middle, op.cit, - ۱۴۲  
P.296

غاصب ایستادگی کند، اوضاع استخدا می کارگران فعال در سندیکا های آن زمان از هیچگونه ثباتی برخوردار نبود شرکت نفت به اقسام بعنهای متعددی شد و کارگران فعال را از شرکت اخراج می کرد.

اما وضع دستمزد به مرابت اسفناک تربود. اکثر کارگران ایرانی شاغل در تاسیسات نفتی می خواستند از مواد غذائی لازم برای زندگی که معمولاً "با یده رکارگر بطور طبیعی از آن برخوردار باشد" بهره مند شوند با دستمزدی که دریافت می کردند هیچ وجه قادربای خرید مواد غذائی لازم نبودند. همانطوری که گفتیم اکثریت کارگران شاغل را مردم روستاها و ایلات ایران تشکیل می دادند که از نظر غذائی به حداقل عادت کرده بودند. و بانان و ماست یا دوغ یا بانان و خرما و کشمش و قدری سبزیجات شکم خود را سیرمهی کردند. شاید این مواد برای مردم روستاها و ایلات که از میوه جات موجود در دهات نیز استفاده می کردند و از طرف دیگر کارگران را سختی نیز انجام نمی دادند می توانست کافی باشد زیرا شرائط تاریخی کار احتیاجات طبیعی زندگی روستائی را آنچنان رقم زده بود. اما برای کارگری که ۱۱ تا ۱۲ ساعت زیرآفتاب سوزان جنوب کارهای سخت بدنسی را انجام می داد شرائط کار عوض می شد و آن ترتیب مواد غذائی به هیچ روکفایت نمی کرد پس با یعنی حق انسانی و بشری کارگر بود که از مواد غذائی کافی استفاده کند تا بتواند بطور طبیعی زندگی کند. اما چون دستمزد به انداده کافی نبود هرگز مواد غذائی کافی به بدن کارگران شاغل در شرکت نفت نمی رسید. یعنی نخستین احتیاج طبیعی برای تولید و باز تولید تو ان کارکارگر که موردنیاز چشمی کارفرمای استثمارگر می باشد بروزه نمی شد. چه برسد بدها ینکه حداقل ما یعنی احتیاج زندگی او تا مین شده باشد. شرکت نفت از پائین بودن سطح احتیاج و حواej کارگران ایرانی و عادت به کم مصرفی و یا مصرف های سنتی زندگی ساده روستائی آنها سود

در کشورهای اروپائی استخدا می شدند. تا این سالها که ما در فصل اول جنبش سندیکائی ایران مورد مطالعه قرار می دهیم (۱۹۴۰) میلادی) قانونگاری وجود نداشت. کارفرمای انگلیسی به عنوان یک صرفه، سیاست و بیهوده و ریش اجازه می دهد کارگران را استخدا موازن کار بیکار می کند. مبارزات سندیکائی علیرغم کوششها ای فراوان هنوز قادرنیست کارفرمای اراده اربه قبول تعهدات معمول و متعارف در باره روابط کارگروگار فرما سازد. تبعیض نژادی بین مستخدمین شرکت نفت به شدت به چشم می خورد "حتی مواد استفاده از تبویس استراحتگاههای جداگانه را نیز شا مل می شد".<sup>۱۳۴</sup> اخراج کارگران بسادگی انجام می شد "شیوه معمول استخدا و اخراج کارگران، به مدیران شرکت نفت امکان می داد که کارگران، "حرف نشو" رایی هیچ در درسی آخر از کننداین سیاست در ضمن برای شرکت نفت متألف از یزد و بیردراشت شرکت نفت، بنا بر نوشتہ امال و لسان، می باشد که هر کارگر اخراجی در ازای هرسال سابق کار اوحقوقی معادل یک هفته بپردازد. در نخستین سالهای پس از جنگ دوم جهانی قریب ۶۰٪ از کارگران اخراجی حتی یک سال سابق کار مداوم نیزنداده شتند و در نتیجه بی دون پرداخت دیناری وجه، اخراج شده بودند. فقط ۲۸٪ کارگران اخراجی آن، سابق یک ساله داشتند.<sup>135</sup> در مورد استخدا مهم مانند یگرموارا ذقبیل شرائط بهداشت و ایمنی محیط کار، وضع مسکن، دستمزد و غیره نه مقامی وجود داشت که مدافعان حقوق کارگران باشد (دولت همواره طرف کارفرمای انگلیسی را می گرفت زیرا غالباً دولتها بوسیله انگلیس ها و عوامل شرکت نفت روی کار می آمدند) و نه تشکیلات کارگری قوی و با تجربه ای بود که بتوانند در چنین موادری در مقابل کارفرمای

۱۳۴ - اول و لیسان بنقل عبدالهیف، همانجا، ص ۱۳۶

۱۳۵ - اول و لیسان بنقل از عبدالهیف، همانجا، ص ۱۳۶

می جست . زیرا در ایران، به دلایل تاریخی، طبقه زحمتکش زیاده خواهند بود و بدها می دوستند "مظلوبیت" می یافته . از سوی دیگر وجود نبوده تا این بیکار و فقیر که در شهرها بدبانی کار می کشند عرضه نیروی کار را افزایش می داده اند و زمانی که این عرضه تقاضا به نفع کارفرما تغییر می داد، درنتیجه، نیروی کار به این پاس پائین تروده بسیاری از مواد را که خریداری می شد . بطوریکه مزد حاصل از کار رسمی توافق نداشت بلکه ما بحاج لازم برای زندگی کارگری از قبیل غذا، پوشاسک، مسکن و استراحت را تامین کنند . پس کارگران، در شرائط بسیار سخت کار می کردند . این شرائط با نداندن از هم غیر انسانی بود که باعث کوتاهی عمر کارگران می گردید . بسیار ردیده می شدند که از کارگرانی که پس از زده پا نزد هسال کار، دیگر توافق ندارند و تولید نیروی کار را ندانند شنیدند . در این شرایط ریشه ایجاد شد که این کارگران را از شرکت نفت دریافت ندانند . طبق اسناد دومدا رک موجود دستمزد کارگر غیر متخصص شا غل در شرکت نفت از روزی ۳۰ فقران تجاوز نمی کرد . از سال ۱۹۴۵ پس از اعتماد کارگری و بروز اختلاف بین حکومت ایران و شرکت با عقد قرارداد ۱۹۴۳ دستمزدیه ۵ فقران رسید .

برای بهتر روش شدن سطح دستمزد، درست این است که دستمزد را با سطح قیمت ها و میزان حواچ کارگران و خانواده آنها مقایسه گنیم. مثلاً سفانه برای این دوره آماری در با ره سطح قیمت ها در مناطق نفتی بدست نیاوردیم. مثلاً "اگر می دانستیم قیمت یک کیلوان چقدر بود و یک کارگردان ما به چند کیلوان احتیاج داشت و همین طور قیمت بقیه مواد لازم را اگر می توانستیم دقیقاً بدست آوریم آنوقت می شد به میزان بی انصافی گارفرمای انگلیسی وشدت استثما ر کارگران و شرائط غیر انسانی حاکم از نظرسیاست

پرداخت دستمزد بطور دقیق تر پی ببریم . . اما برای جلد دوم این کتاب که مربوط به سندیکالیسم درسا لهای ۱۹۴۱-۱۹۵۳ است چنین آماری بدست آورده‌ایم که آنرا مورد تحلیل و بررسی علمی و متدیک قرار خواهیم داد .

مسئله اختلاف دستمزدربین کارگران نیز از همیت ویژه‌ای برخوردار است. در شرکت نفت از نظر دستمزد، اختلاف قابل توجهی بین کارگران وجود داشت. در آن ماری که سازمان جهانی کار را ائمه می‌دهد، برای چهار طبقه کارگر که قبلًاً "نا مبرده شد" تفاوت دستمزد را به قرار زیر ذکرمی‌کند. لازم بپرسید آنکه می‌باشد این آمار را تحت مراقبت و همکاری شرکت نفت تهییه شده است. کنترلی برآن نیست و آن را دیگری در همین زمینه برای مقایسه وجود ندارد.

حدا قل دستمزد

کارگر درجه ۳	%۲۰	با لاترا زحدا قل دستمزد
کارگر درجه ۲	%۴۰	" " "
کارگر درجه ۱	%۷۰	" " "

از این گذشته، سطح دستمزد نیز برابر آس تبعیض نژادی بود،  
بخشی از این تبعیض در اشرمها رت و عدم مهار رت و تخصص و عدم تخصص  
بوجود می‌آمد. ! ما بخش دیگر به علت تفاوتی بود که کارفرمایی  
به کارگر ایرانی با هندی و پاکستانی و اروپائی وغیره قائل می‌  
شد. عبدالهیف در این باره چنین می‌نویسد: " در صنعت نفت،  
اختلاف دستمزد برابر آس تبعیض نژادی بود. شرکت نفت استالیس و  
ایران، بطور ماحله، به یک کارگر ایرانی هشت، به یک کارگر  
هندی سی، و به یک کارگر اروپائی یکصد و بیست تومان حقوق می‌  
پرداخت، هر چند که حقوق اروپائیان در حقیقت از این هم بیشتر

۱۳۷ - نگاه کنید به

## Les Conditions de Travail dans l'Industrie du Pétrole en Iran, Bureau International du Travail 1950, P.25

تشکیل می دادندحال آنکه این درصد برای کارمندان ۱۲٪ بود. هما نظریکه گفتیم این وضعیت در اشتمبا رزات کارگری در سالهای بعد تغییر پیدا کرد.

### ۲-۳ : سندیکاهای کارگران نفت جنوب

کارگران نفت جنوب در تمام طول مبارزات سندیکائی و کارگری ایران همیشه قوی ترین سندیکای کارگری را داشتند. آنها در حساست ترین مراحل تاریخی ایران با اعتماد بات خود تو انتهایند به یاری مبارزات مردم ایران برخاسته و دشمنان میهن خود را به زانود را ورند.

### ۳-۱: انجمن هموطنان

انجمن هموطنان را با یادنخستین اتحادیه کارگری به شمار آورد، یکی از انگیزه‌های تاسیس این انجمن گرداوری کارگران ایرانی در یک تشکل بوده است زیرا در ابتدای شروع فعالیت شرکت کارگران هندی و عرب نژاد بخش بزرگی از کارگران نفت انگلیس و ایران را شامل می شدند. با وجودا ینکه این انجمن بعنوان نخستین اتحادیه کارگری در تاریخ کارگری نفت ایران ثبت است اما در کمتر جایی از آن ذکر شده است. انجمن مذکور، پس از مدت کوتاهی با طرح شعارهای همه جانبه و پرداختن به خواستها و مطالبات توافقی کارگران تو ایست قریب ۹۵٪ از کارگران را بخود جلب کند. متاء سفانه اساسنا مهای از این انجمن در دست نیست.

### ۳-۲: شرکت‌های تعاونی و اعضا این‌ها

کارفرمای انگلیسی برای اینکه بتواند از قدرت "انجمن

بود، زیرا شرکت خانه‌ای بزرگ و خدمتکار را اختیار آن را نمی‌گذاشت و خرج سفر مخصوص استحقاقی آنان را نیز می‌پرداخت. کارکنان هندی نیز از مزایایی برخوردار بودند. اما افرادگروه کوچک متخصصان ایرانی با حقوقی که از شرکت نفت می‌گرفتند به هیچ وجه نمی‌توانستند زندگی نسبتاً "قابل قبولی برای خود تا میکنند".

(۱۳۸)

تابلوزیر، شرکت کارگران را از تظر ملیت، در سال ۱۹۳۱ در آبان نشان میدهد.

		مشاغل / ملیت	ایرانی	انگلیسی	دیگر ملیت‌ها
۶	۱۰۴۷	کارمند	۱۲		
۷۸۱	-	کارکنان اداری مرئوس	۸۵۵		
۸۵۴	-	کارگر متخصص	۲۶۰۴		
۵۲۵	-	کارگر ماهر	۲۶۴۳		
۵۰۱	-	کارگرساده	۸۸۰۸		
-	-	کارگر روزمزد	۲۰۸۹		
۲۶۶۷	۱۰۷۴	جمع	۱۹۰۱		

منبع این جدول رساله دکتری عبدالحمید - اعظم زنگنه تحت عنوان نفت ایران می باشد. (۱۳۹)

بدین ترتیب می توان چنین نتیجه گیری کرد که در سال ۱۹۳۱ بدین ترتیب می توان چنین نتیجه گیری کرد که در سال ۱۹۳۱ ۹۴٪ کارگران شاغل در شرکت نفت انگلیس و ایران را کارگران ایرانی - عبدالهیف، همانجا، ص ۱۳۲ - یا دآوری می شودا این آمار باید مربوط به سالهای بعد از ۱۹۴۰ باشد.

Azam Zanganeh - Abdul hamid, *Le Pétrole en Perse*, thèse, Paris, Domat-Montchrestien 1933 - ۱۳۹

در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۲) کارگران هندی صنعت نفت دست به اعتصاب زدند. از خواستهای آنان اطلاع دقیقی در دست نیست، کارگران ایرانی نفت در این اعتصاب بدآ عتماً بیون پیوستند. انگلستان با دخالت قوای نظامی اعتصاب را سرکوب کرد و ۲۰۰۰ نفر از کارگران هندی را به هندوستان فرستاد.

در سال ۱۹۲۵ از حاصل کشمکش‌ها و مبارزات کارگران با "اتحادیه" وابسته به کارفرما "سنديکاهای کارگران نفت جنوب" بوجود آمد. "سنديکای کارگران نفت جنوب" صورتی از مطالبات کارگری تهیه کرده و به دولت و شرکت نفت انگلیس و ایران ارائه داد. در این مطالبات، پس از ذکر مسائل کارگری و خواستهای اقتصادی، کارگران خواستار آزادی کامل بوجود آوردند تشكیل هنای کارگری شدند. سنديکای فوق الذکر، دست به یک سلسله آموzes‌ها در بین کارگران زدکه وجوداً ناجتنمای وسیاسی و مبارزاتی آنها را بیدار می‌کرد و آنها را با حق و حقوقشان آشنا می‌ساخت.

عمده‌ترین فعالیت این سنديکا مبارزه علیه دفترها منیست بود. اما دفترها منیت چه بود؟ دفترها منیت واحدهای بود که از مدتها پس از شروع فعالیت شرکت تاسیس گردیده هدفش برقراری "نظم" در مناطق نفتی و سرکوب کارگران می‌بود. این مرکز پلیسی، بوسیله دکترا M.O. Young (یونگ) پژوهش شرکت و یک گروهبان سابق انگلیسی که سابقاً "درا رتش هندکار می‌شد. دفترها منیت ایلات مسلح جنوب را در اختیار خود داشت و از آنها بعنوان عامل سرکوب کننده کارگران استفاده می‌کرد.

مدتها پس از نخستین کنگره حزب کمونیست هنگامیکه سیاست شغب پرپیدا کرد (۱۴۱) عده‌ای از فعالین و مبارزین سنديکاهای

هموطنان "کارگران هندی" مقابله با این انجمن تشكیلاتی بودند و در تحت عنوان "شرکت‌های تعاونی و اعضاً آن‌ها" که مستقیماً "زیرنظر انگلیس‌ها" فعالیت می‌کردند مدیریت انگلیسی داشت. آنها با سیاست‌های خاص خود را لایحه توافق نمودند پس از مدتی همبستگی "انجمن هموطنان" را از هم‌بپا شند و بین اعضا و گروههای کارگری مشکل در انجمن کشمکش‌ها ظهرت. در این هنگام چند اعتصاب بوجود آمد که مشهورترین آنها اعتصاب آذربایجان ۱۲۹۹ بود.

### ۳-۲-۳: اعتصاب آذربایجان ۱۲۹۹

در آذربایجان ۱۲۹۹ (۱۹۲۰ میلادی) کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران بدنیال تقاضا برای افزایش حقوق و دراعتراف به شرائط محیط کار را کارخانه دست به یک اعتصاب زدند. این اعتصاب همگانی سه روز طول کشید. در این اعتصاب همه کارگران از جمله کارگران هندی شرکت داشتند.

کارفرمایان انگلیسی ابتدا با استفاده از زنیروهاي نظامي مستقر در شرکت سعی کردند اعتصاب را در هم‌کوبندولی موفق نشند و نیروی کارگری در مقابل آنها ایستادگی کردند و از پس آنها برآمد. قوای مسلح شیخ خزعل با تفاق ۵۰۰ ملوان انگلیسی دست به سرکوب زندنی‌کارگران را بزور و دار به از سرگرفتن کارگرند. بدنیال این اعتصاب بعد از از کارگران از شرکت اخراج شدند. در خواست کارگران در این اعتصاب افزایش دستمزد بود. برای سرکوب ساختمان این اعتصاب کنسول انگلیس در بوشهر با کشتی جنگی با عده زیادی وارد بیندر شد. قوای نظامی انگلیس عده زیادی از کارگران هندی و افریقائی را دستگیر و از ایران خارج نمودند. کارگران در این اعتصاب قا در به افزایش ۷۵ درصد استمزد خود شدند. (۱۴۰)

۱۴۰- ابوالفضل لسانی "طلای سیاه یا بلای ایران" ص ۳۵۴ و ۳۵۵

کارگری برای سروسا مان دادن به سندیکا های نفت جنوب عازم این مناطق شدند. آنها توانستند اعتصابی را در سال (۱۳۰۴) یعنی نخستین سال تا سیس سندیکای کارگران نفت جنوب به راه اندازند که خصوصاً "بها فزا یش دستمزد کارگران توجه داشت و با شورای مرکزی سندیکا های کارگری ایران در ارتبا ط بود.

از سال ۱۳۰۴ سندیکای شرکت نفت به دفعات مختلف زیرپیوش قوای نظامی قرار گرفت، حکومتها وابسته دراین دوره عامل مشروعیت دادن ورودی کارآوردان رضا خان بودند. حکومت رضا شاه در سرکوب حرکت های انقلابی کارگران که برای بدست آوردن حقوق و مطالبات مبارزه می کردند نقش بزرگی بازی می کند. در بخش چهارم خواهیم دید چگونه رضا شاه به قدرت می رسد و چگونه دمارا روزگار سندیکا ها در می آورده و همه مردم فعال و مبارزه مترقبی آزادی خواه را روانه سیاه چالها وزندانها و حبس های طویل المدت می کنندیا به تبعیدگا هها می فرستدیا می کشد.

#### فصل چهارم:

#### سندیکا لیسم زیرپیوغ استبداد و میلیتا ریسم رضا شاهی

انقلاب مشروطیت پایه ها و اساس سلسله قاجار را تکان داده بود، از کودتای ۱۲۹۹ قدرتی در ایران در حال شکل گرفتن بود که لایک پشت واروگام بگام درین قاطع حساس حضور پیدا کرده و مستقر می شد. این قدرت، رضا خان، "پسر داشتیک"، افسرسواد کوهی، ما در شاه قفقاز، در نوجوانی بیکاره، پادوی قهوه خانه، خرکچی در قوای قزاق بود که بمرور تا فرماندهی قوای قزاق و شاهنشاھی ایران ترقی کرد.<sup>۱۴۲</sup> (۱۴۲) بسیاری از نویسندهای خارجی حتی

۱۴۲ - فرهنگ قاسمی، از "رضا خان تا رضا شاه" . . . پا ریس، سپتا مبر می ۱۹۸۴، انتشارات بنیاد مصدق، ص ۱۰

سهمگین و خونخوا رخودرا در روح و جسم اقتضا دوسیاست ایران فرو برده بود. یک ما مورانگلیسی قدرت و نفوذ انگلستان را در آن موقع به شرح زیربیان می‌دارد: " خلیج فارس در تصرف بی‌چون و چرای بریتانیا بود، استانهای جنوبی ایران در چنگ تفتگداران جنوب بود که بدست بریتانیا برپا شده، تربیت یافته و فرمانده می‌شد، مرکزوغرب ایران زیرتگین فرماندهی بفداد (خود تخت الحمایه) این قدرت بود ف.ق (قرا رادا شت، دریای مازندران در کنترل ناؤگان کوچک فرماندهی نوریس ) (Commander Norris) از ارتفاعات جنوب شرق بلوجستان ایران سمت شمال به مسافت هزار مایل تا مرودرآسیا مرکزی روسیه در مسیری با ریکوپیوسته بوسیله هیئت اعزامی ژنرال مالسون (General Malleson) و پاسداران نیروی زمینی "نوار شرقی ایران" (East Persian) پاسداری می‌شد.

در پایتخت دولتی برسرکار بود که از هر حیث مورد اعتماد بریتانیا بود. (۱۴۳) تحت چنین شرائطی فراردا ۱۹۱۹ در دولت و شوق الدوله بسته بموجب آن بر قیمومت انگلستان برایران صمد گذا رده شد. کارگزاران قراردا ۱۹۱۹ از جانب ایران سه نگلوفیل معروف، و شوق الدوله، شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله و شاهزاده اکبر میرزا مارم الدوله بودند. این قراردا داد ایران را تحت الحمایه انگلستان می‌کردواز دونقطه نظر صدر صدا ایران در اختیار استعمار انگلیس قرار می‌گرفت. یکی نظا می و دیگری اقتضای و مالی. دوماً ده از این قراردا در زیرمی آوریم تا حدوداً بستگی و اهداف انگلستان نسبت به ایران، روشن شود.

ماده دوم: دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصصی را

۱۴۳ - سرکلار مونت اسکراین (ما مورتب عید رضا شاه به جزیره نوریس) جنگهای جهانی در ایران، مترجم حسین فراهانی، تهران، انتشارات نوین ۱۳۶۳، ص ۱۴۰-۱۳۹

تعدادی از کمونیست‌ها اقدامات اورا چهار سالهای ۱۳۹۰-۱۴۰۷ و چه بعد از این دوره، در پارهای از موارد مثبت ارزیابی کرده‌اند و را فردی متفرقی و طرفدار صنعتی شدن در ایران پنداشته‌اند. باید گفت بعداً "بسیاری از همین آکادمیسین‌ها و نویسنده‌گان به اشتباہ خود پی بردن دوستاری ریخ نشان داد، و نه تنها خدمتی به ایران نکرد بلکه جلوی رشد و نکشاف اجتماعی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را سد کرد. دیکتا توری رضا شاهی باعث شدت‌بسا ری از دست آورده‌ای انقلاب مشروطیت پا بیان شود و قدرت مطلق و مستبد ووابسته او بر سرکار رأید. او برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ارزشی قائل نبود بازیزدستان مثل نوکران خود رفتار می‌کرد و همه ملت ایران را زیردست و توکر و برد خود می‌دانست و ایران را ملک شخصی خود می‌انگاشت. رضا شاه برینیا ددموکراسی در ایران ضربه‌های جبران ناپذیر زد و تهاجمی نهادهای اجتماعی و سیاسی جامعه را آلت دست امیال و قدر قدرتی خود قرار داد. در این فصل ابتداء به علل و چگونگی روی کار آمدن رضا خان می‌پردازیم و آنگاه حملات او را نسبت به نیروهای متفرقی و اساس و بنیاد جنبش سندیکائی و کارگری تحلیل و بررسی می‌کنیم.

#### ۱-۱: علل اقتصادی و سیاسی روی کار آمدن رضا خان

زمینه روی کار آمدن یک حکومت وابسته و مطیع انگلستان در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۹ ریخته شد. در این سالها بولیزه از این نویه ۱۹۱۹ انگلستان از اوج قدرت خود در ایران برخوردار و یکه تا زمینه این بود. آلمان و ترکیه از میدان بدر شده بودند، فرانسه و امریکا فقط در سطح فرستادن هیئت‌های دیپلماتیک کار می‌کردند، مقا صدر و مسیه بعلت تغییر رژیم و انقلاب شوروی سوسیالیستی ناشناخته بود و هنوز بطور جدی وزنه تهدید کننده‌ای به حساب نمی‌آمد. عوض همه اینها، انگلستان در همه‌جا و در همه زمینه‌ها حضور داشت و چنگاً ل

مبارزه بلندکرد. (خلاصه شرح آن در بخش‌های قبل ذکر گردید).  
به نقل ازوینستون چرچیل در نامه‌ای که در تاریخ بیست و  
۱۹۲۵ می‌گرداند، "نظرها یعنی افکار عمومی قبل از  
آن‌ها نشده" (۱۴۵)، قرارداد ۱۹۱۹ ظاهراً "کان لمیکن" تلقی شد.  
اما مفاد قرارداد با یاده‌اجراء در می‌آمد. زیرا همهٔ مذاقع سیاسی  
و اقتصادی انگلستان را در ایران تامین از آن حمایت و آنرا  
تضمين می‌کرد. برای اینکار حکومتی قوی لازم بود. روزنامه  
"کار" که در همین سالها در ایران منتشر می‌شد، رگان بخشی از جناح  
چپ بود در این باره می‌نویسد: "چون انگلیسی‌ها دیدند قراردادی  
را که با وشوق دوله‌بسته‌اند، صورت واساس اجرا شدنی نیست  
و ملت ایران جام زهری را که تالب برده بود به زمین نهاد، طرح  
نقشه نمودند تا آنرا بطور دیگر به حلق ایرانیها فرو ریزند." (۱۴۶)  
اسباب بقدرت رسیدن این حکومت مرحله بمرحله طی شد. اینچنان  
بود که رضا خان از تشكیل کابینه سید ضیاء الدین (۱۹۲۱) تا  
تشکیل نخستین کابینه دوران سلطنت رضا شاه یعنی کابینه ذکاء  
الملک فروغی در ۱۹۲۵ مبرد ۱۹۲۵ بمدت چهار رسال راه پر پیچ خمی  
را طی کرد. در بقدرت رسیدن رضا خان سیاست شوروی سوسیالیستی  
کمتر از سیاست انگلیس امپریالیستی تاثیر نداشت. نیروهای  
با صلح سوسیالیست و کمونیسم مدافعان و مطیع روسیه شوروی در به  
قدرت رسیدن رضا خان نقش کوچکی بازی نکردند. (۱۴۷) حتی لئنین  
هم‌این سیاست را تائید کرد. (۱۴۸) هم آنها بودند که درک درستی  
از جامعه ایران نداشتند و با "زارگون" های سیاسی غرب که ابدًا

۱۴۵ - سرکلار مونت اسکرین، اشپیشین، ص ۱۵۱

۱۴۶ - روزنامه کار، ابوالفضل لسانی، شماره ۲۵۰ مورخ ۸ شهریور ۱۳۰۲

۱۴۷ - نگاه کنید به مقاله مستند خسروشاکری، پیرامون زندگی  
سلطان زاده، اسناد تاریخی... جلد بیستم، پا دزه‌ر،  
پاریس ۲۲ بهمن ۱۳۶۲

۱۴۸ - نگاه کنید به مدلنین به استالین به نقل از اثر با لاص ۴۱

که برای لزوم استخدا آنها در اداره دولتین توافق  
حاصل گردد بخرج دولت ایران تهیه خواهد گردید.  
ماهه سوم: دولت انگلیس بخرج دولت ایران صاحب منصبان  
و ذخایر و مهارت سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحداً الشکلی که  
دولت ایران ایجاد آنرا در نظر دارد تهیه خواهد گردید، عده و مقدار  
ضرورت صاحب منصبان و ذخایر و مهارت مذبور به توسط کمیسیونی که  
از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات  
دولت را برای تشکیل قوه مذبور تشخیص خواهد داد، معین خواهد  
شد. (۱۴۴)

دولت انگلیس، قبل از امضای قرارداد، به این دو ماده عمل  
کرد، گروه متخصصین مالی، ارمیتاژ اسمیت، به ایران وارد شده  
و اسمیت به سمت بازرس کل امور مالی ایران منصوب و امور مالی  
کشور را تحت کنترل و نظارت خود در آورد و بود. از سوی دیگر زیرک  
گروه نظاری انجلیسی مركب از "زنرال آیرون ساید"، "کلنل  
اسمیت"، "زنرال دیکسن"، "زنرال ونسترویل و مالهسن" و "کلنل  
اسما پس" و چند تن دیگر که بعداً در کودتای ۱۲۹۹ اوروی کار آمدن  
رضا خان نقش اساسی و اصلی را بازی کردند و از ایران شدند.

هنوز سه هفته از امضاء قرارداد ۱۹۱۹ نگذشته بود که دولت شوروی  
سوسیالیستی بیان تیهای انتشار را دنبی کراینکه همه قراردادها  
و امتیازها وغیره که از سوی دولت‌های تزاری متعقد گشته و مردم  
ایران را در وضع نا مطلوبی قرار می‌دهد، یا مفهوم مداخله در امور  
ایران را دارد" پوچ و باطل اعلام می‌گردد. مطبوعات، بویژه  
مطبوعات چپ، به مقایسه این دو موضوع پرداختند. در نتیجه مردم  
نسبت به وشوق دوله و دولت اوتونومی پیدا کردند. در هرگوش ایران  
مدادی اعتراض بلند شد از جمله "خیا با نی" علیه این قرارداد علیم

۱۴۴ - حسین کی استوان "سیاست موازنہ منفی" جلد اول ص ۲۶

دسته دیگر به پیشوائی کشورگوکریا زسن می گفتند که تغییرزیمیک  
قدم به سوی انقلاب بورژوازی است و با یدمور دپشتیبا نی قرار گیرد.  
با لآخره نظریه اخیر در حزب مزبور پذیرفته شد. در همان هنگام،  
مجله شرق جدید، تحت عنوان "روابط شوروی و ایران در پنج سال"  
باقلم ایرانسکی نوشت: رضا شاه از میان مردم برخاسته و نهضتی که  
او پیشوای آن می باشد موجب پیشرفت امور بازرگانی و صنعتی و  
فرهنگی در ایران خواهد بود و سبب خواهد شد که ایران از مرحله  
فئودالیسم خارج شده و موجودیت جدی در اقتصاد دوسیاست بدست  
آورد. (۱۵۱)

مدارک زیادی وجود دارد که همه نشان می دهد اتحاد جما هیر  
شوری سوسیالیستی مدافع روی کارآمدان رضا خان بود و در این  
هیچ تردیدی نیست. بخشی از حزب کمونیست ایران هم از این  
فرمان پشتیبانی کرد و مدافعان رضا خان شدوا مروزبا یدقنیل کرد  
جناب راست حزب کمونیست ایران دچار استباشد، استبا هی که با  
هیچ تحلیل مارکسیستی یا تاریخی قابل توجیه نیست.

پس در روی کارآوردن رضا خان هم شوروی و هم حزب کمونیست  
ایران دچار استبا در تحلیل و انتخاب روش مبارزه شدند و در  
حقیقت به امپریالیسم جهانی خدمت کردند. این استبا را با یاد  
پذیرفت کسانی که استبا هات تاریخی را توجیه و تفسیر می کنند و  
نسبت به پذیرش استبا ه تعصب دارند طبیعتاً در استبا هندونی  
توانند علمی فکر کنند. هیچ مورخی تحت هیچ عذر و علتی حتی به  
بها نه "توسعه انقلاب جهانی" و تعبیین معیار تاریخی نمی توانند و  
تباید به توجیه این استبا ه بپردازد. قبول استبا ه گا می بزرگ  
در راه صداقت کار علمی و متديک است، حال آنکه توجیه استبا ه  
کوشش در تحقیق جامعه، غوطه خوردن در گرداب تنگ نظری، تعصب و  
غرض ورزی می باشد و هیچ مشکلی از مشکلات وسائل جامعه ما را بر

۱۵۱ - به نقل "زگدشتہ چراغ راه آینده"، انتشارات جامی، اسفندماه  
۱۳۵۲، ص ۵۱

ارتبا طی با جامعه ایران و با واقعیت های اقتصادی، اجتماعی و  
فرهنگی، خوانائی ندارد تحلیل های شادرستی بدست می دادند.  
رضا خان را نماینده بورژوازی ملی، فردی متفرقی و حرفه ای از این  
قبيل معرفی می کردند. مقامات رسمی دولتی روسیه شوروی مثل  
شومیا تسکی که از تیرما ۱۳۰۱ ه (ژوئن ۱۹۲۳) به ایران وارد شده بود  
به متابعت از دستور حزب بر رضا خان را فردی متفرقی ارزیابی می  
کند. (۱۴۹) تحلیل های محا فله کارانه نظریه پردازان و دولت مردان  
شوری سوسیالیستی و باصطلاح انقلابی بود که به حزب کمونیست  
ایران رهنمود می داد و کثیرت بزرگی از این حزب، بطور کورکوانه  
اطاعت می کردند. چنانچه "لتین خود در تاریخ ۱۳  
اوت ۱۹۲۱ به روتاشابن نوشت، در مورد سیاست وی در ایران چنین  
اظهار نظر کرد: " فکرمی کنم که با سیاست محتاطانه شما در ایران  
کاملاً موفق باشم. من هنوز سخن "طرف" دیگر (ظاهر از دفتر باکو)  
را نشنیده ام، ولی به نظرم رسید که دلایل اساسی شما غیرقابل رد  
باشد. آیا شما می توانید رساله ای در مورد ایران بنویسید تا ما  
بتوانیم همه درباره موضوعی چنین هیجان انگیز و لی کم شناخته  
شده بیا موزیم؟ بسیار مهم است که جهت (اوریانا تاسیون) کارمان  
خا و رتعیین شود..." (۱۵۰)

گویا در حزب کمونیست شوروی، در مورد ایران دوسیاست وجود  
داشت، یکی "به ریاست ویسا نوف، این هامدغی بودند که فکر تغییرزیم  
ایران با جلب نظر و تضارب مستقیم انگلیس ها بوده و با نتیجه  
یک فکر رتچا عی است که برای تقویت و ادامه حیات فئودالیسم  
ایجا دگشته است. افراد این دسته معتقد بودند که با یاری رژیم رضا  
خان مبارزه کردن را هرشدنهضت همانی را در ایران هموار ساخت.

۱۴۹ - نگاه کنید به آزاد اش آوانسیان، دنیا، سال ۹، شماره ۴، به نقل  
از اثربیشین

۱۵۰ - خرسوشا کری، مقاله پیرامون زندگی سلطان زاده... همانجا  
ص ۴۳

ارزان ترتمام می شد. از نظر وضعیت جغرافیائی منابع نفتی ایران برای انگلستان یک عامل استراتژیکی و تعیین کننده محسوب می شد. زیرا اگر منابع نفت ایران از دست انگلیس ها بدرمی رفت، با یادبود سراغ منابع نفتی سنگاپور وغیره مراجعتی کردند که ابدا "به صرفه نبود تازه امیدی به بهره وری آن نمی رفت." (۱۵۲)

همه مطالعات و تحقیقات انگلیسها به این نتیجه رسیده بود که کسی غیر از رضا خان قادر نیست وسائل تامین شرائط استعمال رو استثمار ملت ایران را برای پیشان فراهم آورد. به همین جهت همه کوشش خود را برای روی کار آوردن اول کردند. خواهیم دید رضا شاه همینکه به قدرت می رسد چگونه در مقابل همه نیروهای مخالف خود می استدوقدرت انفرادی خود را مستقر می سازد.

#### ۱-۱-۴: شروع اختناق

رضا خان، بعد از تاجگذاری نخستین حملات سیستمایی و همه جا نبه و آشکار خود را به سندیکا ها او تحادیه های کارگری شروع کرد. در آن زمان غالبا "رهبری سندیکا ها در دست کسانی بود که یا عضو حزب کمونیست بودند یا تماماً ملیات مارکسیستی داشتند.

در سال ۱۹۲۵، رضا شاه رهبران سندیکا های کارگران را در تهران دستگیر کرد. دستگیرشدگان عبارت بودند از: عبدالحسین حسابی (دهزار)، استاد میرزا علی معمار، باقرزاده، محمد پیرواز و... در این موقع اکثریت اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست از چنگ رضا خان گریختند و خود را به کشورهای خارجی از جمله اتحاد

۱۵۲- در این زمینه نگاه کنید به شاه هرخ وزیری، اشوبیشین ص ۶۷  
که نقل می کندا زاسنا دوزارت خارجی انجام شده است

طرف نخواهد کرد. این تحلیل ها یا تاریخ سازی ها، خواه بوسیله حزب توده باشد یا بوسیله ملی ها یا بوسیله ما رکسیست های مستقل ملی یا ما رکسیست های غیرمستقل و وابسته نتیجه های کمسا بیش یکسان دارد. ذکر کمونیست البته جای خود را رد، زیرا به علت ضدیت قضایت پیشکشی داشته از کار علمی نی بهره است.

در هر صورت در مورد علل سیاسی واقعیاً دی روی کار آمدند رضا خان با یادگفت، از نظر سیاست خارجی انگلیسها نظریه اهمیت سوق الجیشی ایران - بعنوان یکی از حلقوه های زنجیر امنیت که حلقوه های آن را دولتها ی تیول انگلیس از مدیترانه تا پا میز برای حفظ هندوستان تشکیل میدانند - با یاد داشت مرکزی مقدری را که در عین حال خدمتگذارانگلستان می بود روى کار می آوردند که بموجب آن افسران انگلیسی جایگزین افسران روسی شاغل در قواهای قرقا شدند و بعد از قواهای نظاہی انگلیس در جنوب به قواهای ارش رضا خان پیوست. این دولت از نظر مالی واقعیاً دی می باشد زیر سلطه انگلستان قرار می گرفت، که تما موکمال قرار گرفت. آرمیتاژ سمیت دریک گزارش که از اسناد دوزارت خارجه انگلیس بدست آمد، سیاست تازه خود را چنین توصیف می کند: هر گونه موضوع گیری و تغییرات سیاسی "با یاد با توجه به ملاحظات مالی و نظایری باشد". زیرا از طریق گماردن زمانداران سیاسی کشور بود که می شده در مقابل انقلابیون که مدافعان آزادی و رهایی ایران بودند ایستاد و هم منافع دولت انگلیس را از نفت حفظ کرد. زیرا نفت ایران از نظر اقتضایی برای بریتانیا که در بحبوحه جنگ اول جهانی قرار داشت پر اهمیت بود. اذا مه زیست کشته های جنگی انگلیس در گروه تولیدات نفتی ایران بود. در سال ۱۹۲۵ کل تولید نفت ایران که بدست انگلیسی ها انجام می شد به ۵۵۰ هزار تن رسیده بود و می شد بزودی ۵۰۰ هزار تن دیگر به آن افزود. از جهت دیگر، تولید نفت ایران، در مقایسه با سایر منابع نفت خیز عتای ۷ بار

و سندیکا های کارگری تصریح می کنند:

- ۱ - آزادی کامل تشکیلات سیاسی و اتحادیه ها و کئوپراتیوهای اشکال دیگر تشکیلات صنفی رنجبران.
- ۲ - حکومت و صاحبان کارخانجات با یدرسما "اتحادیه کارگران راشندا رگان" رسمی تشکیلاتی طبقه کارگر بشنا سند.
- ۳ - آزادی اجتماعات و محافل.
- ۴ - آزادی میتینگ ها و نمایشات.
- ۵ - آزادی اعتراضات.
- ۶ - آزادی کامل برای مطبوعات کارگران.
- ۷ - هشت ساعت شدن مدت کار کارگران در هر روز.
- ۸ - دو برا بر شدن اجرت کارشانه.
- ۹ - منع کارشانه برای نسوان و اطفال.
- ۱۰ - منع کاربرای اطفال کوچکتر از ۱۴ سال.
- ۱۱ - مرخصی با مواجب برای زنان آبستن در مدت چهار هفت پیش و چهار رهفته پس از وضع حمل.
- ۱۲ - آزادی تشکیلات کمیته های کارخانه ای با داشتن حق مداخله در تنظیم روابط میان کارگران و صاحبان کارخانجات و تفتیش استحصالات.
- ۱۳ - ذیحق بودن اتحادیه ها در عقد قراردادها دسته جمعی با صاحب کاران.
- ۱۴ - وضع میزان متوسط مزدبه توسط اتحادیه ها.
- ۱۵ - تعیین ۴۲ ساعت کار در هفته.
- ۱۶ - برقراری سالی دوهفته مرخصی با مواجب برای کارگران و مستخدمینی که بیش از ششماه در موسسه خدمت کرده باشد.
- ۱۷ - تامین میازل موافق حفظ الصحه برای کارگران در معادن نفت، شیلات و صنایع دیگر.
- ۱۸ - منع جریمه.

جمعه هیرشوری رسانیدند و تنها ۱ین رهبران سندیکا ها بودند که به زندانهای رضاشا هی افتادند. در سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ از حزب کمونیست ایران خبری نبود. (۱۵۳) اما فعالیت کارگران علی رغم اختناق و فشار و سرکوب متوقف نشده بود و علیرغم اختناق سندیکا ها فعال بودند.

در آن زمان حزب سوسیالیست سلیمان میرزا هنوز آزاد بود، رضاشا بعلت منتهی که سلیمان میرزا به او گذارد بود، به دفعات متعدد او را حماست کرده، به ما مدد و احده رای مثبت داده بود هنوز از بستان حزب اخودداری می کرد. بنا بر قول آوانسیان کارگران به عضویت حزب سوسیالیست درآمد بودند، آردا شزمی گویدا بین تاکتیک ما بودکه با سوسیالیست ها همکاری کنیم و فعالیت سندیکائی را از حالت مخفی درآوریم. (۱۵۴)

#### ۲-۱۴: کنگره دوم حزب کمونیست (عدالت)

در فصل قبل گفته ایم حزب کمونیست در نخستین کنگره خود برنا مهای برای فعالیت سندیکائی در نظر نگرفته بود، ولی مدتی بعد از این کنگره تاکتیک های تغییر پیدا کرده کارهای دموکراتیک و فعالیت های اجتماعی وسیا سی در میان کارگران شروع شد. تا تشکیل کنگره دوم جنبش سندیکائی تجربه بسیار آندوخته بود و ضرورت آن از هر نظر مورد توجه قرار گرفته بود. به همین لحاظ در کنگره دوم، که در سال ۱۹۲۷ در شهر رومیه (رضا شاه) تشکیل یافت، مسائل فعالیت های سندیکائی در برنا مه حزب کمونیست (عدالت) قرار گرفت. بخش چهارم این برنا مه به شرح زیر در مورد کارگران

۱۵۳ - نگاه کنید به خاطراتی از حزب کمونیست ایران مجله دنیا سال سوم شماره ۱ به نقل از استاد... جلد ۱ ص ۱۳۶

نمود. در همین سال سندیکای مذکور دست به یک اعتصاب بزرگ زد خواستهای اعتصاب کنندگان، افزایش دستمزد و بهبود شرائط کار کارگران بود. در میان کارگران نفت یوسف افتخاری فعال بود و رهبری سندیکای کارگران نفت را بعهده داشت.

در ژانویه ۱۹۲۹ کارگران مشکل در سندیکای کارگران نفت جنوب کنفرانس بزرگ دیگری را با شرکت سی هزار نفر از کارگران برگذاشتند. برای نخستین بار زنان کارگر در چتین گرد همایی حضور داشتند. این کنفرانس خواستاری بازگشایی باشگاه کارگران گردید که از یک سال قبل به ابتکار کارفرمای نفت بسته شده بود. بعده لاهه، طی این کنفرانس قرار گیری اعتصاب در روز اول ماه مه گذارد شد. اما دستگیری ۹۳ نفر از کوشندهای سندیکا در روز ۲۹ آوریل برنا مه اعتصاب را به تعویق آوردند. دستگیری کارگران توسط عوامل شرکت نفت و پلیس رضاخان بیش از پیش به این اعتصاب رنگ سیاسی داد. با لایحه در روز ۴ ماه مه یک اعتصاب عمومی با شرکت ۹ هزار (۱۵۵) کارگر شرکت نفت انگلیس و ایران بوقوع پیوست. قوانین نظامی به اعتصاب بیون حمله کرد و تعداً دزیا دی زخمی و دستگیرشدند.

فردا روزی که قوانین نظامی به کارگران اعتصابی حمله کرد، کارگران به محل اقامه متپلیس محلی روی آوردند و آنجا را سنگ با ران کردند و آزادی زندانیان را خواستار شدند. در اثر همین حملات، کارگران یکی از ساختمانهای شرکت سابق نفت را "کاملاً" ویران ساختند. در این اعتصاب سایر کارگران محلی، کارگران شاغل در شرکتهای مقاطعه کاری، بازاریان، شرکت کردند

۱۵۵ - یک سال، تعداً دکارگران اعتصابی را ۱۰۰۰ نفر ذکر می‌کند

این برنامه‌ای بود که به تصویب رسیده بودا ما برای بردن این اهداف به داخل جریانا ت کارگری و کارخانه‌ها و معتقد کردن کارگران به آنها کارزیا دی لازم بود و در زمان دیکتا توری رضاخان اصولاً "بعداً زمان ۱۳۰۴" فعالیت سندیکائی بسیار رخشد بود و مکان کارآشکار وجود نمی‌داشت. به همین منظور، حزب کمونیست کمیسیونی بنا می‌کمیسیون اتحادیه "تشکیل می‌دهد که بنا به نوشته آردا شزا و انسیان اعضاء این کمیسیون عبارت بودند از: حجازی، آردا شزا و انسیان، استاد میرزا علی معمار، عطاء الله عبدالعزیز و رضاقلی سیفی، کمیسیون مزبور به کار تماشیا کارگران و سازمان دهی سندیکا های آنها و به راه آنها اختنث اعتصابات و آگاهی دادن کارگران می‌پردازد.

جشن اول ماه مه ۱۹۲۷، در شرائط اختناق به کوشش رهبران سندیکائی بوزیر کارگران مطبوع، نساجی، خبازی، کفاشی، شورفرا، نجارها و در تهران و در باغی در نزدیکی دولت آباد بدرگذاشته شود. (جمعه سوم ماه مه ۱۹۲۷) بعداً زوایر کارگران به حزب سوسیالیست می‌روند و جشن را در آنجا ادا می‌دهند، ظاهراً "سلیمان میرزا" زاین جشن اطلاعی شدارد. پلیس از برگذاشتی جشن چه در باغ دولت آباد و چه در حزب سوسیالیست با خبر نمی‌شود. اما چند روز بعد پس از اطلاع پیدا کردن عده زیادی از کارگران شرکت کننده را دستگیر می‌نماید.

دراعتصاب اردیبهشت ۱۳۰۸ "کمیسیون اتحادیه" نقش بازی می‌کند.

#### ۴ - ۲: اعتصاب اردیبهشت ۱۳۰۸ (ماه مه ۱۹۲۹) سندیکای کارگران نفت جنوب

در سال ۱۹۲۷ اتحادیه طی یک کنفرانس حدود ۲۰۰ نفر از کارگران را در محلی جمع کرد و در مورد خواستهای آنان تبا دل نظر

نفردرزندان از بیماری و کم غذا<sup>۱۵۹</sup> ای جا ن سپردند. (۱۵۹) از نوشته خامهای چنین بر می آید که این دونفر اخیر در اعتصاب آبادان شرکت داشتند. (۱۶۰)

در صفحات قبل گفته شد حزب کمونیست و کمیسیون مربوط به تشکیلات سندیکائی در بودجه آوردن اعتصابات به ویژه اعتساب آبادان نقش بازی می کند. اما نقش وناشیرا و چقدر است؟ وقتی به اسنادی که درباره این اعتصاب چاپ شده‌نگاه می کنیم همیشه یوسف افتخاری بعنوان یکی از رهبران برجسته و ردیف اول اعتساب معرفی شده است. یوسف افتخاری ظاهرا "عفو حزب کمونیست" نبود. اما یک سندیکالیست بود که در میان کارگران نفت طرفداران زیادی داشت.

انور خامهای معتقد است این اعتصاب مستقل از شوروی و کمیترن تحت رهبری یوسف افتخاری انجام گرفت. (۱۶۱) آنچه مسلم است آردا شزوپیشه و ری که هردو از فعالین حزب کمونیست بودند در اعتصاب حضور داشتند، دستگیر می شوند و به زندان رضا شاه مسی افتتد و همراه یوسف افتخاری تا آخر سلطنت رضا شاه بدون محاکمه و با زجوشی در حبس می مانند. پس اینها نمی توانند دراعتصاب بی نقش بوده باشند ما رهبری اعتصاب در دست یوسف افتخاری می بود. زیرا او کارگر شرکت، مقیم آنجا، صاحب نام و شهرت در مبارزات سندیکائی بوده است.

بعدا "خواهیم دید، در زندان، بین یوسف افتخاری و آردا شر همیشه اختلاف و کشمکش وجود داشته، زیرا ولی مخالف استالین بود" بیشتر به مبارزات مستقل سندیکائی عشق می ورزید، به شکلی

۱۵۶ - نگاه کنید به انور خامهای "خاطرات ... جلد اول صفحه ۱۷۲  
۱۶۱

۱۶۰ - همانجا، ص ۱۲۲

۱۶۱ - انور خامهای، "خاطرات ..." جلد اول ص ۱۸۶

زد خورد بین کارگران و پلیس محلی و قوای نظامی شرکت نفت به مدت سه روز بطول انجام می‌دست. قوای نظامی انگلستان که در بصره آماده بود به کمک پلیس محلی آمدوختی جنگی "سیکلامن" وارد عمل شد.

در همان روز شروع اعتصاب، هیئتی از سوی دولت مرکزی که زیرنظر مستقیم رضا شاه قرار داشت به خوزستان فرستاده شد. این هیات نظامی ۲۰۱ نفر از کارگران اعتصابی را توقیف کرده بزندان خرمآباد عزا مداد شد بدنبال باز پرسی‌های مقدماتی عده‌ای از آنهای آزاد شدند. آزاد شدگان متعهد شده بودند به خوزستان و فارس مسافت نکنند. ۵ نفر از کارگران سندیکائی را به تهران و به زندان قصر بردند و بدون هیچ محاکمه‌حتی بازجویی هر پنج نفر را در زندان نگاهداشتند. (۱۵۶)

این پنج نفر عبارت بودند از: رهبران سندیکا؛ یوسف افتخاری، رحیم همداد، (۱۵۷) علی امید (۱۵۸). کارگران تاسیسات نفت؛ عطا عبدالهیف (ماشینیست موسسات برقی) پیشه وری (جواد چوادزاده) را شنده و ارشیلر (آوانسیان) معلم، از دیگر سندیکالیست‌هایی که در این ایام در زندان رضا شاه بودند سیسید محمد تنها (اسماعیلی) و حسین پور حمتی را باید نام برد. این دو

۱۵۶ - ابوالفضل لسانی، "طای سیاه یا بلای ایران" انتشارات امیر کبیر، تهران ص ۳۵۵

۱۵۷ - روندشاو (با زل) شماره ۵۵، سپتامبر ۱۹۳۴ نامه میل رحیم همدا درا ذکر نکرده است. ترجمه‌ای مقاله در اسناد... جلد شما ره ۶ ص ۱۳۸ به کوشش خسروشاکری، یافت می شود، مترجم سیزنا مخانوادگی را ذکر نمی کند.

۱۵۸ - در مورد علی امید نیز به ترتیب فوق نامخانوادگی نوشته نشده است بنا بر قول خامهای در زندان اوراع باس گاندی می نمایند.

دا دند... در همین روز در مسجدسلیمان و نواحی نزدیک دیگر نیز اعتراض شروع شد...<sup>(۱۶۲)</sup>  
اما ببینیم خواستهای کارگران در این اعتراض بزرگ چه بوده است؟ مطالبات کارگران را در این اعتراض از دو منبعی که بدست آورده ایم ذکرمی کنیم بعد این دوران در کنار هم قرار داده مقایسه می نمائیم. آنگاه نگاهی هم به رساله دکتری آقای شا هرخ وزیری می انداند زیمتا معلوم شود با لآخره کارگران را ریخت نگاری در جامعه ما چگونه انجام می شود.

بنابرگزارش ما موران شرکت نفت خواستهای کارگران نفت در این اعتراض به قدر از پیش بوده است.

۱ - قبول نما پندگان کارگران در اداره محل کار و هیات بهداشتی  
۲ - افزایش دستمزد به ۴۵ ریال.

۳ - پرداخت دستمزد به هنگام بیماری.  
۴ - تامین مسکن از طرف شرکت نفت.

۵ - روزگار شش ساعته (با توجه به گرماه) هوا).

۶ - همطرازی کارگران ماه را ایرانی با هندی ها.

۷ - مقامات ایرانی مرجع رسیدگی به شکایات باشد.  
۸ - کارمندان دفتری ایرانی همطراز هندی ها باشند.

۹ - اختلافات بین ایرانیان و رومانیان و نیز شرکت نفت، در دادگاههای ایرانی مورد رسیدگی قرار گیرد.

۱۰ - حقوق بازنشستگی پرداخت شود و در صورت فوت به فرزندان کارگران پرداخت گردد.<sup>(۱۶۳)</sup>

۱۶۲ - روزنامه ستاره سرخ، ارگان تئوریک حزب کمونیست ایران  
به نقل از عبدالصمد کا مبخش جلد اول ص ۲۶

۱۶۳ - "The condition of the working class in Iran" workers strike in Abadan and their demands Abadan 2nd. May 1929, Source: F.O.371/13783 f.130-34 May 1929, Research and preparation: Cosroe Chaqueri, Oct 1978, Florence.

طرفدا راستقلال حزب کمونیست از شوروی بود (کمونیست ملی) دومی مدافعان شوروی، طرفدا راستالین می بوده و اعتقاد است که با یاد از شوروی و حکومت آن بعنوان یک الگوی درست سوسیالیسم ویگا نهاده تحقق ایده آل کمونیسم نا مبرد، سالهای بعد اختلاف بین این دو بالا لامی گیرد و تا سالهای ۱۹۵۰ ادامه پیدا می کند.

جالب است که کامبیش در اثر غرض ورزی و دعواهای داخلی حزب توده در موردرهبری این اعتراض، از هیچکدام از رهبران نه یوسف نه پیشه‌وری و نه آزاد اشزیا دشمنی کند.

دیگر در مورد اعتراض ۱۳۰۸ کارگران شرکت نفت با یادگفت، این اعتراض از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا هم از حیث تجمع کارگران و هم از حیث همکاری دولتی با شرکت نفت برای سرکوب کارگران به آنگاهی کارگران دامن زد.

در این اعتراض تعداد ۵۵ تنفر از کارگران از شرکت نفت اخراج شدند.

روزنامه ستاره سرخ، شرح این اعتراض را چنین بیان می کند:  
روز ۴ ماه مه ۱۹۲۹ ساعت ۸ صبح اعتراض شروع شد، دستگاهات پلیس که در محل واقعه آماده بودند به علت کمی، جرأت حمله به کارگران را ننمودند. کمپانی زورقهای موتوری خود را برای حمل قشون از بنا در شهرهای دیگر کارانداشت، کارگران آمدن قشون را با خواندن سرودهای اقلایی و فریاد محدود با کمپانی انگلیس و ایران محوبا دعمال امپریالیسم، محوبا دامپریالیسم انگلیس تلقی کردند، پاسبانان و سربازان با مشیر و قمدهای بر هنده به کارگران حمله و کارگران با سنگ و چوب مقاومت کردند. درنتیجه ۲۵ تنفر کارگر و ۱۵ تنفر پلیس زخمی شد... از ده هزار تنفر کارگر ۹ هزار کارگر دراعتراض شرکت کردند. عملیات معدن بکلی فلوج و دکار کین همه بسته و کارگران بیکار را به صفات اعتراض بیرون پیوستند و جمعیتی قریب بیست هزار تنفر کارگر و کسبه در برآ بر قشون و پلیس ترتیب

او ۲۰۵ را از کتاب کامبخش نقل می کنند و مورد ۴۶ را "فرا مسوش" کرده و نقل نمی کنند. (۱۶۵) بیچاره کسی که به منابع اولیه دست نداشته باشد، سا نسور در مطلب قبل "سا نسور شده کامبخش و بعد آنرا بعنوان خواستهای مبارزات کارگران شرکت نفت به خوردمحافل جهانی داده واقعاً اسفناک و تعصباً وراست.

خسروشاکری در مقابل خود تحت عنوان "تکوین و گسترش جنبش کارگری در ایران" روز وقوع اعتصاب را ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ (اول ماه مه ۱۹۲۹) ذکرمی کنند. (۱۶۶) در حالیکه دیگران از جمله کامبخش ولسانی روز شروع اعتصاب را به نحوی که در صفحان قبل ذکرگردید روز ۱۵ اردیبهشت می نگارند به نظر می رسدر روز ۱۵ اردیبهشت درست باشد.

۳-۴: اعتصاب کارخانه کا زرونی "وطن" در اصفهان اردیبهشت ۱۳۱۰ (ماه مه ۱۹۳۱)

در آن زمان اصفهان یکی از شهرهای بزرگ صنعتی ایران به شمار می رفت و کارخانه وطن اصفهان یکی از کارخانهای بزرگ زمان خود محسوب می شد. این کارخانه خود را تشکل کارگری بود. بعداً زکنگره دوم حزب کمونیست ایران، فعالیت در میان سندیکا کارگران کارخانجات وطن بالا گرفت. کامبخش فعالیت حزب کمونیست را به قرار رزیرومی نویسد: "پس ازا ینکه مقدمتاً" از طرف

۱۶۵- شا هرخوزیری

*Du Chanat à l'oléduc : essai sur le pétrole et pouvoir en Iran*

۱۶۶- مقاله "تکوین و گسترش جنبش کارگری در ایران" خسروشاکری نگاه کنید به استاد تاریخی جنبش کارگری و سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، انتشارات پا دزه، پاریس ۱۹۴۹ سفند

۱ ما عبدالصمد کامبخش مورخ حزب توده در چلدا ول کتاب خود خواستهای کارگران را به شرح زیر بیان می کند:

- ۱ - با لایبردن دستمزدت ۱۵%
- ۲ - به رسمیت شناختن اتحادیه کارگری.
- ۳ - به رسمیت شناختن عیدا ول ماه مه.
- ۴ - دخالت دادن نهادینگان کارگران در موارد اخراج و قبول کارگر.
- ۵ - هفت ساعت کار برای جوانان کمتر از ۱۸ سال وغیر... (۱۶۴)

در مقایسه ای که بین این دو خواست انجام می گیرد ملاحظه می شود غیر از موردا ول از منبع کامبخش و مورددوماً ز منبع ما موران شرکت نفت بقیه مواد تقریباً "هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارند. کدامیکی واقعی است و کدام مساختگی؟ پاسخ به این سوال با وجود منابع و مدارک کمی که وجود را در مشکل به نظر می رسد، ما امیدواریم با دست یافتن به اطلاعات بیشتر درستی یکی و نا درستی دیگری یا نا درستی هردو درستی موردنیمه به اثبات برسد. اگرنا ریسخ سندیکائی و کارگری ایران نتوانند بداند، این بزرگترین اعتصاب کارگران شرکت نفت (که همه مورخین آن به عنوان بزرگترین اعتصاب نا درستی هردو درستی موردنیمه به اثبات برسد. اگرنا ریسخ سندیکائی و کارگری ایران نتوانند بداند، این بزرگترین اعتصاب کارگران شرکت نفت (که همه مورخین آن به عنوان بزرگترین زمان خود محسوب می شد. این کارخانه خود را تشکل کارگری بود. بعداً زکنگره دوم حزب کمونیست ایران، فعالیت در میان سندیکا کارگران کارخانجات وطن بالا گرفت. کامبخش فعالیت حزب کمونیست را به قرار رزیرومی نویسد: "پس ازا ینکه مقدمتاً" از طرف

سازمان مخفی بهزهبری نصرالله اصلانی - کامران کنفرانسی از نمايندگان کارگران تشکیل یا فت کارگران دست به اعتصاب همگانی زندن<sup>۱۶۷</sup>. (۱۶۷) انور خامه‌ای درباره کامران و نقش او در کارخانه کا زروني وطن و ما موريتش از سوی کمييترن وارتبا طش با ارادتی می‌نويسد:

"چون بطور يك‌گه کمونيست‌هاي قديمی درزندا ن می‌گفتند حزب کمونيست ايران درگذشته خيلي بدای متحان داده بود و مقامات کمييترن و حزب کمونيست شوروی از کمونيست‌هاي ايراني خيلي ناراضي بودند. بهو حال دكترا رانی با موقفيت از شوروی به انگلستان رفت و دزلنلن نيزگويا با حزب کمونيست انگلستان تماس گرفت و سپس به ايران بازگشت. اينکه دكترا رانی در گنگره هفتم کمييترن شرکت کرده باشد مسلم نیست. مسلمان "يکنفردراین گنگره به‌نمايندگی کمونيست‌هاي ايراني شرکت داشته است. اما معلوم نیست که این شخص دكترا رانی بوده است یا کسی دیگر. در نتیجه‌این جريان نظرالله کامران (اصلانی) از طرف کمييترن مخفیانه به ايران فرستاده می‌شود که با کمک دكترا رانی حزب کمونيست ايران را تشکيل دهد. کامران قزوینی بود و در گذشته مدرسه کوتلو (KUTB) را دیده بود. بعداً در کارخانه نسا جي کا زروني در اصفهان مشغول به کار شده و کارگران را متشکل ساخته و در سال ۱۳۱۵ اعتضابی را به راه آنداخته بود." (۱۶۸) مقدمات‌این اعتصاب در چشم روزاول ماه مه ۱۳۱۵ که در چهار ریا غاصهان انجام گرفته بود ریخته می‌شود.

روز چهار ماه مه ۱۹۳۱ برابر با ۱۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۵ اعتصاب کارگران کارخانه کا زروني شروع می‌شود پليس رضا شاه وارد عمل گردیده ۲۵ تون از فعالان سندیکائی را دستگیری کند. از این ۲۵

۱۶۷- عبدالصمد کامبیش "نظری به جنبش ... " ص ۳۶

۱۶۸- انور خامه‌ای "خاطرات ..." جلد اول ص ۸۵

نفر عده‌ای را درزندا نگهداشت و عده‌ای را تبعید می‌کند.

مطلوبات کارگران بقرازی بر بودند:

۱- آزادی تشکل سندیکائی.

۲- تغيير دستمزدا زکار فردی - روزانه به ما هانه.

۳- هشت ساعت کار روزانه وحدا قل دستمزد پنج ریال.

۴- نیم روز استراحت در هفته اضا فه بر جمهوده‌ها.

۵- لغومقررات کنترل به هنگام ورود به کارخانه.

۶- لغومقررات جریمه و تنبیه بدنی کارگران از طرف کارفرما.

۷- جبران مخارج بیما ری و پرداخت صدمه بدنی وارد درسکار.

۸- پرداخت کلیه مخارج بیما ری.

۹- تعطیل کارخانه در روزهای تعطیل رسمی.

۱۰- پرداخت دوبرا بر مزد برای ساعت کار اضا فه.

۱۱- حداکثر روز کار ۱۵ ساعت (با اضا فه کار).

۱۲- تامین وسائل و امکانات بهداشتی در کارخانه.

۱۳- پرداخت منظم و بدون وقفه دستمزد. (۱۶۹)

از میان نوشته‌ها ئی که در این باب بذست آمده را شرآوانسیان

و خسروشا کری مطالبات کارگران را ذکرمی کنند. دومی را در بالا

ذکر کردیم حال ببینیم شفراول در این باب چه نوشته است.

آردا شزا و انسیان درباره اعتصاب کارگران کارخانه نجات وطن

می‌نویسد:

"در ماه مه سال ۱۹۳۱ چهار مدد فرکارگر کارخانه نسا جي "وطن"

متعلق به کا زروني متشکل شده در خواستهای ۱۳۱۳ گانه خود را به رئیس

کارخانه پیشنهاد کردند. شرائط کار در کارخانه سخت بود. ساعت

کار در آنجا ۱۳ ساعت بود. فحش، کتک و توهین نصیب کارگران شده

بود. حقوق آنها بسیار نیز بود. در عوض صاحب کارخانه پولهای

۱۶۹- خسروشا کری، مقاله "تکوین و گسترش جنبش کارگری در ایران"

استاد... شماره ۱۱ انتشارات پا دزه رص ۱۱۹

است . کامبخش می نویسد: " دستگاه حاکمه مجبور شد برای فرونشاندن هرچه زودتر اعتماد مابهان کارخانه را وارد که با وجود وضع بحرانی قسمتی از تقاضاهای کارگران را برآورده سازند . نتیجه‌هاین اعتماد این شدکه ۴۰٪ به دستمزد کارگران افزوده ۱۲، ساعت کار روزانه به ۹ ساعت تقلیل یافت و عمل تحقیرآمیز تفتیش کارگران به هنگام خروج از کارخانه موقوف گشت " .<sup>(۱۷۱)</sup>

حال ببینیم آوانسیان این دست آوردها را چگونه ذکرمی کند: " نتیجه‌هایین مبارزه برقراری ۹ ساعت کار شد . حقوق کارگرها ۲۰٪ اضافه شد و برخی چیزهای دیگرازا ربابگرفتند " .<sup>(۱۷۲)</sup>

حال با یددید ۴۰٪ درست است یا ۲۰٪ یا اصلاً هیچ‌کدام . متأسفانه آقای شاکری همدر مقالم خود در باره دست آوردهای اعتماد به جمله " اما با این همه کارگران توanstند بشه برخی از خواستهای خود دست یابند " اکتفا می نماید .<sup>(۱۷۳)</sup> در همین رابطه مقاله‌ای بدست آمداد روزنامه " تنهضت " (چاپ برلن ۱ مارس ۱۹۳۲) برا بر با ۱۳۱۵ اسفند شماره اول ( تحت عنوان تجربیات سیاسی ) اعتماد نساجان اصفهان ، در این مقاله در مورد مطالبات کارگران حرفی در میان نیست . فقط ، در باره دست آوردها ، می نویسد: " در میان مولادی که از طرف هیئت مدیره کارخانه در تحقیر شاشا رنساجان قبول شده است مواد مهمی مثل ۹ ساعت کار در شبانه روز عوض ۱۲ ساعت اضافه دستمزد ۲ درصد و غیره موجود می باشد " .<sup>(۱۷۴)</sup>

این بود شرح اعتماد اردیبهشت ۱۳۰۸ کارگران نساجی وطن ، چون در بسیاری از موارد وحدت قول وجود نداشت ، مجبور به

۱۷۱- عبدالصمد کامبخش "نظری به جنبش ..." ص ۳۷

۱۷۲- آوانسیان ، همانجا ، ص ۱۳۹

۱۷۳- خسروشاکری ، " تکوین و گسترش ..." همانجا ، ص ۱۱۹

۱۷۴- به نقل از اسناد ... جلد ششم

هنگفتی از استثمار کارگران عایدش می شد . پارچه‌ای که متوجه اقران برای اوتمام می شد به ۴۰ قران می فروخت ".<sup>(۱۷۵)</sup> اودرباره خواستهای کارگران به شرح زیر می نویسد که با آنچه که خسروشاکری نوشته و ما قبلاً " ذکر کردیم تفاوت دارد . نوشته آوانسیان را مرتب کرده با آنچه که قبلاً آورده ایم مقایسه می کنیم . " برخی از تقاضاهای کارگران عبارت بودند از :

- حق داشتن اتحادیه و صندوق تعاون .
- تقاضای هشت ساعت کار ( روزانه ) .
- دست کم ( حداقل دستمزد ) ۵ ریال در روز .
- هفته‌ای یک روز مرخصی .
- موقوف شدن کتک و فحاشی نسبت به کارگران و اخراج بی جهت .
- معالجه بیمه ران به حساب کارخانه .
- در مقابل صدمه دیدن ( به ) اعضا بدن کارگران باید پول مربوطه پرداخت شود ( خسارات از کارافتادگی جزئی و کلی ) .
- اضافه کار باید با پرداخت مزدباشد .
- اضافه کار نسباً باید بیش از دو ساعت در شبانه روز باشد .

مقایسه این دو گروه مطالبات ( بارعا بیت این اصل که آوانسیان " به برخی از تقاضاهای شاره می کند " بیدقتی کارمورخین را نشان می دهد . مسلم است کار آوانسیان خاطره نویسی بوده زحمت مراجعتی استاد را به خود نداشده یا شاید بعلت خفغان دوران رضا شاه اصولاً سنده بیرباره خواستهای کارگران در دست نبوده است . متأسفانه آقای شاکری که خواستهای ۱۳۱۳ نه را در مقابل خود ذکرمی کند منبع نقل این مطالبات را ارائه نمی دهد .

اما در مورد دست آوردهای این اعتماد با زناظرات گوناگون

۱۷۵- ارداشزا آوانسیان " خاطراتی از حزب کمونیست ایران " مجله دنیا سال سوم ، شماره یک به نقل از اسناد ... جلد اول ، ص ۱۳۹

مقدمة ای کوتاه شدیم، تا خواسته‌گان خود، درا شرخوا نشدن این مقایسه، به حقیقت و اصل مطلب پی ببرند.

اما در رابطه با نصرالله کامران همبندیست به نظر چندتن از کسانی را که در این باره (اعتراض نساجی وطن) مطلب نوشته‌اند اشاره بشود.

خمامای درباره نصرالله کامران می‌نویسد: "بعد از اعتراض کامران شناسائی و دستگیری شوبدۀ همراهی یک افسرا منیمه به تهران فرستاده می‌شود. افسرا منیمه مزبور که ستون سیا مک (سرهنگ سیا مک معروف) قزوینی واژه‌وازاران کمونیسم شوروی بوده است در میانه راه و سائل فرار کامران را فرامی آورد و بعد گذاش می‌دهد که فرار کرده بدینسان کامران به شوروی می‌گریزد و در کمین‌ترن شغلی با وی دهنده. (۱۷۵) کامران را بطاطرانی و کمین‌ترن باقی می‌ماند. پیشه‌وری در تاریخچه نهضت کارگری ایران، در مورد نویش کامران هیچ نمی‌نویسد، کامبخش و آزادشزا و انسیان در خاطرات خود از حرب کمونیست ایران وقتی به اعتراض اصفهان می‌رسند فقط نا می‌از کامران می‌برند. این امر نشان می‌دهد یا نویسنده‌گان از وجود نویش کامران اطلاعی در دست نداشته‌اند و یا اگرداشته‌اند بنا به مصلحت‌های سیاسی و دعواها و فرقه‌گرائی ها خواسته‌اند نا موارد مبارزه اور ارزبین بپرندیا نقش اورا تضعیف کنند. این امر جای بسی تا سف می‌باشد.

اما نویسنده مقاله تکوین و گسترش جنبش کارگری می‌نویسد: "رهبری این اعتراض در دست سید محمد اسماعیلی معروف به "سید محمد نهاد" بود. (۱۷۶) متأسفانه، نویسنده مقاله مذکور، منبع مورد استفاده خود را از این نمی‌دهد.

۱۷۵ - انور خمامای، "خاطرات ...،" جلد اول ص ۸۵ و ۸۶

۱۷۶ - خسروشاکری، مقاله تکوین و گسترش ... هما نجا ص ۱۲۰

#### ۴-۴: یورش همه‌جا نبه و آشکار به سندیکاهای کارگری

هراندازه قدرت رضا شاه افزایش پیدا می‌کند، امکان فعالیت سندیکائی در ایران کمتر می‌شود. رضا شاه خود با انتکاء به قسوات نظامی و میرلشگرها یش اردوان‌گاههای کاربودگی آورده، تحت عنوان آبا دسا ختن کشور، مردم و کارگران بیچاره و بی دفاع را به بیگانی و امنی دارد تا به شایعه‌های "صنعتی کردن" و "ترقی" و فراهم آوردن زمینه‌های "انقلاب بورژوا دموکراتیک" و "رفورمیست بودن" که بیشتر از افواه مدافعان "کمونیسم روسی" بروز می‌کنند از بزند. یحیی دولت آبادی در مورد بیگانی و اردوان‌گاههای بدتر از دوران برده‌داری که برای "مدرتیسم رضا شاهی" و "صنعتی کردن" کشور برپا شده بودند، راجع به راه‌سازی در آذربایجان که توسط یکی از میر لشگرها از بناء عبده‌الله طهماسبی والی نظا می‌آذربایجان انجام شده چنین می‌نویسد: "جمعی از کارگران در قافلانکوه در سرمهای زمستان کمدرتخت او امر نظا می‌آجیارا" کارمی کرده‌اند بی دست و پنجه‌شده و یا تلف شده بودند. (۱۷۷)

جالب اینجا است که "شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران" در تعریف و تمجید از رضا شاه با سایرین هم‌مدانمی شود و مرتبه "کارگران را به تشكیل و اتحاد مبارزه فرامی‌خواند و احتجاجات رژیم را در محافل بین المللی به گوش جهانیان می‌رساند. در یک گزارش فرستاده شده به بین الملل سندیکاهای سرخ گفت‌شده در پاکستان ۱۹۲۵م انتخابات مجلس شورای متحده مرکزی بطور خشونت‌باری مورد تجاوز و زقرا رگرفته به شکلی که فعلی است اوبه اقدامات مخفی کا هشیار فته، دولت آنرا به رسمیت نمی‌شناشد، به غیر از چند سندیکا از قبیل "سندیکای مطبوعه، کارکنان پست، داروخانه‌ها، پارچه‌باف‌ها، معلمین، کفash هنای بقیه عملاء" از

۱۷۷ - یحیی دولت آبادی "حیات یحیی" جلد چهارم، ص ۲۵۷

دستگیرمی گردند، به حبس‌های بلندمدت یا به تبعیدگا ه فرستاده می‌شوند.

سندیکای کارگران نفت، کارگران نسا جی اصفهان، کارگران قالی با فی خراسان، نسا جی‌ها، ما بون پزها و ما هی گیران رشت و آنزلی، سندیکا‌های تبریز، کارگران نسا جی و مطبوعه تهران و بطور کلی شورای مرکزی سندیکا‌های کارگری ایران "شمگا" بشرحی که گذشت مورديورش قرار می‌گیرند. سندیکا‌ها مجبور به فعالیت مخفی می‌شوند، درسالهای ۱۳۰۹-۱۳۱۱ روزی نیست که در گوشه‌ای از ایران قوای پلیس رضاخان سندیکائی را در کارخانه‌ای کشف نکنند و اعضاء و فعالین آنرا به سیاه چالهای وزندانها نیاندازد. "طی این دوسال طبق نوشته روزنامه پیکار در حدود بیش از دوهزار نفر زندانی سیاسی تحت فشار و شکنجه قرار گرفتند." (۱۷۹) در عین حال رضا شاه دست به اقداماتی می‌زد که بتواند تهدیدهای کارگر را بخود متوجه کند. یعنی سیاست "هويچ و با طوم" را بکار می‌گرفت، از یکسو سندیکاها و نیروهای متفرقی را زیر حبس، فشار قرار می‌داد، از سوی دیگربنا به توصیه اربابان و مشاورین خود سعی می‌کرد، بخشی از مطالبات کارگران را فراهم آورد. همان سال که قانون خردادر ۱۳۱۵ (ژوئن ۱۹۳۱) را به تصویب مجلس می‌رساند (شرح خواهد آمد) اداره کل صنعت و معاونت را تشکیل می‌دهد و عده‌ای را مورمی کند که این نون شرائط اداره کردن کارخانه‌ها را تنظیم نمایند.

۴-۴-۱: قانون سیاه خردادر ۱۳۱۵ (ژوئن ۱۹۳۱) و سندیکا‌های مخفی  
یکماه از اعتصاب کارخانجات نسا جی اصفهان نمی‌گذرد که

۱۷۹ - روزنامه پیکار، چاپ برلن، به کوشش مرتضی علوی، اسدف به نقل از آردا شزا و انسیان، "خاطراتی از... همانجا، ص ۱۴۵

بین رفته‌اند، در شرکت نفت انگلیس و ایران وضع کارگران بسیار ناراحت کننده‌است. "سندیکای کارگران نفت جنوب" شدیداً بوسیله مقامات شرکت دولت مراقبت می‌شوند... (۱۷۸) دریک چنین شرائط سخت و نا亨جا ری است که حزب کمونیست ایران در دو میان کنگره خودکه در سال ۱۹۲۷ درا ورمیه (رضائیه) برگذاشت، دستور زیرا را برای اعضاء صادر می‌کند: "حزب موظف است برای سازماندهی سندیکاها به نفع اقدام آشکار و مخفی دست بزند". در اول ماه مه ۱۹۲۸ کارگران دریک تظاهرات با شکوه شرکت می‌کنند در آن موقع سه سال از استقرار رضاشا بر قدرت می‌گذشت. اما "شورای مرکزی" در این تظاهرات اعلامیه‌ها و تراکت‌های زیادی علیه وابستگی رضاشا به مپریا لیسمبریتا نیا توزیع می‌کند و کارگران را به اقدام و شترک عمل علیه رضاشا هدیکتا توردعوت می‌کند. در مقابله، رضاشا از هیچ‌گونه فشاری خودداری نماید. علیرغم همه‌این فشارها سید مرتضی حجازی کارگرسانی مطبوعه که برای شرکت در چهار رمین کنگره بین الملل سندیکا‌های سرخ ایران را ترک می‌کند، هنگام بازگشت در مراز آنزلی گرفتا رشد در زندان رضاشا هباقل می‌رسد. علی شرقی که بکی از همزمان ستارخان در انقلاب مشروطیت ویک کارگرسان ختمان بود جانشین او می‌شود. او نیز در سال ۱۹۲۹ بوسیله پلیس رضاخان دستگیری پس از تحمل عسال حبس در زندان زیر شکنجه به قتل می‌رسد. در سال ۱۹۲۹ حملات شدید و کور رضاشا و قوای قزاق اش علیه تشكیلات سندیکائی افزایش پیدا می‌کند. بیش از ۵۰ کارگر عضو شورای مرکزی در سرتاسر ایران

"Le mouvement syndical dans les pays coloniaux et orientaux" Rapport pour le IV congrès de l'ISR, in L'ISR au Travail 1924-1928 Moscou, 1928 P.290  
به نقل از صفحه ۹۸  
"La situation de la classe laborieuse en Iran" C. Chaqueri

دا دمتذکر شد:

در زندانهای ایران بیش از دوهزار نفر محبوس سیا سی در زیر شکنجه جان می دهند. حکومت پهلوی برای آنها هیچگونه حق محکمه‌ای نمی شناسد. اتحادیه (سنديکا) انقلابی کارگران در شرائط سنگین ترور است. برخی از روزنامه‌ها نوشتند در دوران رضا شاه بیش از ۲۰ هزار زندانی و تبعیدشدند.

این فقط چپ یا دارندگان عقايداً شتراکی نبودند که مورد آزادی نمی رزیم رضا شاهی قراولی گرفتند. رضا شاه بنا متمرکز قدرت وجود آوردن حکومت متمرکز قوی وایران شمول و ارتقیا واحد هرنسی را در گلوفه می کرد و هیچ جریان اجتماعی، حزبی یا حتی هیچ فردی روش فکریا مرتاج شمی توانست خلاف رای او اقدام نماید. برای او چپ و راست، دوست و دشمن ملت، آزادیخواه و مرتاج تفاوت نمی کرد کافی بود کاری خلاف رای رضا شاه انجام می گرفت. خاطی مورخشم اوضاع می شدو قهر و غضب ا و متعلق به به رطبقه و سرتاسرا ایران بود. از میرزا کوچک گیلانی، مسؤولت الدوله قشقائی، شکرالهخان بوبیرا حمدی، سردار سعد بختیاری، میرزا علی اکبرخان داور، شیخ خزعل، نصرت الدوله فیروز، عبدالحسین تیمورتاش، مدرس، حاج اسماعیل عراقی و کیل مجلس اسدی، نایب التولیه خراسان، کمال الملک نقاش، میرزاده عشقی، فرجی یزدی، واعظ قزوینی، مستوفی الممالک، مصدق گرفته تا سرداران جنبش‌های اجتماعی مثل سید جلال چمنی و کربلائی ابراهم در گیلان، زولفسو، خندو، رشیدخان در درگز و قوچان، سرخی در خراسان، لاهوتی در آذربایجان، لهانک خان باوند با زد خراسان و ... همه و هم‌یا به زندانها افتادند، و در شهرهای آبرم بdest پزشک احمدی‌ها، مختاری‌ها و سرلشگر درگاهی ها با آمپول‌های هوایکشته شدند، مسموم گردیدند یا معدوم شدند، و یا در تبعیدگاهای داخل و خارج کشور به سر بردن دیا اینکه آخر الامر

روغا شاه این با ربطور آشکار و تحت عنوان "قانون اختناق سیستماتیک خود را مستحکم می سازد. این قانون عملای برای از میان بردن هرگونه فعلیت سیاسی و اجتماعی تنظیم شده بود، توسط آن رضا شاه، هرجیریا نی را که بوعی از مبارزات کارگری می داد در هم می کوبید. قانون مذکور با عث می شود تا بسیاری از فعالیت‌های سنتیک را بزندانهای رضا شاه بیفتد و اصولاً فعلیت چپ در ایران بمقدار زیاد متوقف شود. متن قانون به شرح زیر است:

متن قانون مجازات مفسدین علیه امنیت واستقلال مملکت که به تصویب کمیسیون قوانین عدله رسید.

ماده اول - مرتکبین هر یک اجرمهای ذیل بحیث مجرداً زده تاده سال محکوم خواهند شد.

۱- هر کس در ایران بهرام سم و بآ هر عنوان دسته‌یا جمعیت یا شعبه‌ی جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره‌نما یدکه مرا می‌رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا رویه یا مرام اشتراکی است و یا عضو دسته‌یا جمعیت یا شعبه‌ی جمعیتی شود که با یکی از مرا می‌رویه‌های مزبور در ایران تشکیل شده باشد.

۲- هر ایرانی که عضو دسته‌یا جمعیت یا شعبه‌ی جمعیتی باشد که مرا می‌رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا مرا می‌رویه آن اشتراکی است اگرچه آن دسته‌یا جمعیت یا شعبه‌ی در خارج ایران تشکیل شده باشد.

این قانون ضد اجتماعی و خلاف موازین بشری، کلیه حقوق شهروندی را از مردم ایران سلب کردو همچو سدی در مقابله با این قانون ضرایب اعثرا و از فعالیت‌های از کشور های سنتیک ایجاد کرگفت.

این قانون با عث گردید تا عده‌ای از فعالیت‌های خارج از کشور گریختند و در رواپا علیه رضا شاه فعلیت کردند.

علامیه ایکه کمیته‌ضد امپریا لیست در ۲۰ زوئن ۱۹۳۱ انتشار

که چندسال بعد به وزارت صنایع و معدن تبدیل شد، تشکیل گردیده بود. در سال ۱۳۱۵ از طرف اداره مذکور برای تعیین شرائط کار و ظائف کارگروکار فرما و موربهداشت و پرداخت پا داش به کارگران در مواد را دیدگی و فوت ناشی از کارگران نامه‌یا قانونی مشتمل بر ۹۶ ماده به نام "سنامه کارخانجات و موسسات صنعتی" تدوین و در جلسه ۹ مرداد ۱۳۱۵ به تصویب هیئت دولت رسید. مفاد آن در همه کارگران لازماً جراء بود. این آئینه مسدی بود در مقابل اعتضاد کارگران و مبارزات کارگران. غرض از تصویب و به اجراء گذاشتن آئین نامه‌ای دوچیزبودیکی اینکه اسم "در ظاهربه تعدادی از تقاضاهای اولیه کارگران که مرتباً موضوع مبارزات کارگران اعتضادی در صنایع مختلف بود پاسخ داده باشد. بحیدن وسیله از اعتضادی در سما "جلوگیری بعمل می‌آمد. دوم اینکه به بھانه صنعتی شدن و حفظ انکشاف تا سیاست صنعتی از کار فرما یا نجات شده باشد. این انکشاف و صنعتی شدن موقعی موجب رشد می‌شود که بتواند باعث انکشاف مبارزات کارگران و اجتماعی شود. این آئین نامه عملی "از چنین انکشافی جلوگیری نمی‌کرد. در این آئین نامه موادر زیر مورد توجه قرار گرفته شده است:

شرائط تا سیس و ساختمان کارخانه، تعیین وظائف کار فرما در باره نحوه استفاده مکارگروا یا جدا و سائل نامین بهداشت کارگران، وظائف کارگران در مقابل کار فرما، ترتیب تشکیل پست‌های امدادی و صندوق احتیاط برای معالجه و پرداخت خساره به آسیب دیدگان و... هدف اصلی این آئین نامه دفاع از منافع کار فرمانیان و بقول تدوین کنندگان آن "بوجود آوردن مقتضیات رشد صنایع جوان کشور بود. شبیه این آئین نام در سال ۱۳۱۲ برای کارگران معدن یعنی شرکت نفت که زیر نظر انجمنگلیسها اداره می‌شد و برای راه آهن تدوین و بمورد اجراء گذاشده بود.

اجرای آئین نامه کارخانجات و موسسات صنعتی به عهده

خانه نشینی را برگزیدند. در دوران حکومت رضا شاه صدهزار کارگر ایرانی از مجموع ۱۵۰ میلیون جمعیت مرتبه "زیرفشا رواسته" را بسیار بود و حق نفس کشیدن نداشتند. تا قبل از شروع بیورش رضا شاهی قریب ۱۲۵ سندیکای کارگری در شهرهای مختلف ایران فعال بودند و به مبارزات اجتماعی می‌پرداختند، این اتحادیه‌ها نزدیک به ۴۵ هزار عضو رسمی داشتند. اواباقها و توبی رحمی تما م تحت عنوان صنعتی کردن کشور همه را در هم کوبید. او شرائط را برای شرکت‌گران شدن ملاکین و باقی مالک‌خانواده‌ها جا روش خانواده‌های حکومت‌گران و شخص خود را فرا دخانواده‌اش فراهم کرد. کارگران، پیشه‌وران و دهقانان بویژه در دوران دهه آخر سلطنت وزیر وحشیانه ترین استضهای رها قرار گرفتند تا زده هرگز کیسه حسریض آنها پرنشد.

او تحت عنوان صنعتی کردن کشور قوانین ضد بشری علیه کارگران به تصویب می‌رساند و با بوق و کرنای تبلیغاتی چنین وانمودمی کرد که قانون مذکور به نفع طبقه کارگر بوده است. در چند صفحه قبل از آئین نامه کارخانجات و موسسات صنعتی "نام بر دیم. حال ببینیم" این قانون چه بود.

#### ۲-۴-۴: آئین نامه کارخانجات و موسسات صنعتی

این آئین نامه را با یادقا نون شرائط اداره کردن کارخانه ها نمی‌داند. این قانون در واخر سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۶) از تصویب گذشت. علتش اعتضادی بود که توسط کارگران در این سالها در مازندران و اصفهان بوقوع پیوست. پیدایش آن از نظر تاریخی به این شکل بود. در سال ۱۳۱۰ اداره مستقلی به نام اداره کل صنعت و معدن

از مبارزات سندیکائی در این دوره (۱۹۴۱-۱۹۵۵) درس‌های با ارزشی می‌توان گرفت. این درس‌ها با بیدروشنایی بخش شبهای تاریک مبارزات کارگری و سندیکائی ایران درسال‌های بعدمی شدکه نشد، جای بسی تا سفاست. این درسها با یادآوری مروز به عنوان دستاوردهای مبارزات و پیروزیها و شکست‌ها و فرازها و نشیب‌ها، در سرلوحه مبارزات کارگری و سندیکائی ایران قرار گیرد. از این راه، شاید بتوان از تکرار مدام اشتباها تپرهیز کرد یا لاقل اشتباها را به حداقل رسانید.

اول - در این دوره مبارزات سندیکائی و کارگری جدا از مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت و آرمان‌های ترقی خواه سوسیالیسم نبوده است. اگر کارگران در شرائطی در سندیکاها می‌باشند که جنبه‌های مذهبی داشته، رهبران سیاسی-مذهبی این سندیکاها علیرغم، زیربنا فکری مذهبی، اشتباه در مبارزات و انتخابات کنیک‌های غلط، مدافعان رهایی کارگران از استثمار بوده‌اند. اما غالباً "سندیکاها" جنبه‌های غیرمذهبی داشته و آرمان سوسیالیسم موتور حرکت‌های سندیکاها در ایران بوده است. برخلاف پارهای کزاندیشی‌ها ای مروزین، در این دوره آزادیخواهی، استقلال طلبی و عدالت جوئی در سرلوحه مبارزات سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها قرارداشت، چنان‌که می‌بینیم در انقلاب مشروطیت بسیاری از سوسیال دموکراتها در شهر و کوه و محله و کارخانه و حتی مسجد علم مبارزه علیه استبداد را برابرا شتند و در این راه جان دادند. مبارزات سندیکائی در جریان مبارزه برای آزادی و استقلال و عدالت شکل گرفت.

دوم - بطورکلی احزاب نخستین نهادهای بوده‌اند که در مرا منا مهها و اساسنا مهها خود حقوق کارگران را طرح در پارهای از موارد برای این حقوق مبارزه کرده‌اند. مبارزه سندیکائی در ارتباط

نمایندگان اداره کل صنعت و معدن که بعداً "به وزارت صنعت و معدن و با لآخره به وزارت پیشه و هنر تبدیل شدوا گذا رگردیده بسود در تقاضی که وزارت نامبرده نمایندگی نداشت فرمانته را ریها مامور اجرای امر بودند.

مقررات آئین نامه مذکور شا مل کلیه موسسات فاقد موتور که حداقل پانزده کارگرداشتندویا دارای دهنفر کارگر بودند که یک نفر از آنها به رشد قانونی نرسیده بود (۱۸ سال کمتر داشت) و یا با داشتن موتور دارای ۵ نفر کارگر بودند می‌شد. درواقع این مقررات شا مل کلیه دستگاههای صنعتی می‌گردید. بموجب اصل ۶۷، برای نخستین بار تا سیس دفتر مشا غل در شهر داریها پیش بینی شده و دفاتر مزبور مکلف بودند، عرضه و تقاضاها را صاحبان کار و کارگران را تعیین و وسیله معرفی افراد اخیر به صاحبان کار باشند.

طبق این آئین نامه علاوه برای نمکه دولت از منافع کار فرما بیان در بردا برکارگران پشتیبانی می‌کرد. حل مشکلات و اختلافات احتمالی بین کارگروکار فرما را خود بعده می‌گرفت و نقش سندیکاها یا اتحادیه‌های کارگری را منتفی می‌دانست. دولت بدنبال سیاستی بودتا سکوت و سکون کامل در روابط کارگروکار فرما بوجود آید. در این آئین نامه در باره حق اعتراض هیچ اظهار رنظری نشده بود. زیرا در دستگاه رضا شاهی اعتراض بطورکلی در همه زمینه‌ها مطلق "قدغن بود و کوچکترین اعتراضی از جانب کارگران مجاز نبود و باشد عمل سرکوب می‌شد.

تنگ با مبارزات حزبی و سازمانهای سیاسی بوده است . سوم - در این دوره مبارزات سندیکائی تداوم شده است . در اثر قدرت گرفتن دیکتا تور بطور کلی مبارزات اجتماعی ، افت پیدا کرده در نتیجه مبارزه سندیکائی نیز تضعیف شده است و هرگاه دیکتا تور کم قدرت شده یا از میان رفته سندیکاها جان دوباره گرفته وفعال شده است .

چهارم - در این دوره بعضی از شهرها که از وجود کارخانه ها و کارگران بیشتری برخوردار بوده اند ، مراکز مهم فعالیت های کارگری و سندیکائی شده اند . این مراکز همچنان از نظر تاریخی همان کیفیت ها را دارا می باشند و به مناسب خلق و خوی و عادات ویژه ، ظرفیت مبارزاتی آنان همچنان اعتبار دارند آذربایجان ، خراسان ، شمال ، اصفهان ، جنوب و ...

پنجم - وجود مرکزو حدسندیکائی یا شورای مرکزی ، وحدت قوا را باعث شد . وحدت قوا به مبارزات سندیکائی قوت و نیرو بخشید . خوشبختانه ، مرکزا تحدقا و بیعنی "شورای مرکزی سندیکاهای کارگران ایران" - بدنبال تحقیق "وحدت نظر" یعنی "ایدئولوژی واحد" در داخل "شورای مرکزی" نبود . این حسن و نقطعه مثبت سندیکالیسم ایران در این دوره بود که توانست اکثریت نیروی کارگری را علی رغم گونه گونی فکری و عقیدتی دریک تشکیلات واحد متشکل سازد و آنها را به مبارزه علیه کارفرما یا ن تشویق و راهنمایی و رهبری کند .

ششم - اختلافات سیاسی اجتماع بر "وحدت قوا" حاکم در داخل "شورای مرکزی" اشگذا ردو آنرا از هم پاشید . جنبش سندیکائی ایران با پدما نیسمهائی را پیدا کنده که قدربا شد از پاره پاره شدن نیروها و هدر رفتن آن ، جلوگیری نماید .

هفتم - ارتبا ط سندیکا ها با محافل بین المللی برای انکاس مبارزات آنها در نسطح جهانی مهم و با ارزش است . ولی باید مراقبت کرد جنبش سندیکائی بجای تحت تاثیر فرا رگرفتن از ایدئولوژیها

و یا تصمیمات این مراکز که اغلب دورا زشت واقعی وعیتی جامعه می باشد ، با دادن اطلاعات درست و تجزیه و تحلیل های آگاهانه و سنجیده این مراکز بین المللی را تحت تاثیر قرار داده از آنها به نفع مبارزات کشوری و ملی بهره ببرگیرد . سندیکالیسم ایران با پیشنهاد کنندرا رتباط با این مراکز دچار فرقه گرایی نشود و در همه حال منافع کارگران ایران را در نظرداشته باشد .

هشتم - وجود "ارگان" برای انتشار خواست ها و نظرات و عقايد کارگران و تبلیغ برای مبارزه یکی از لوازم اساسی است . این ارگان با پیدای همان خصوصیات ساختاری "شورای مرکزی سندیکاها" یا کنفرانس سیون سراسری ، اداره شود و با زگوکننده نظرات گوناگون باشد ، فکر تازه و راهنمایی و مقاومت و تعاون را در میان کارگران اشاعده دهد . در مورد "حقیقت" اطلاعات زیادی در دست نداریم تا بدآنیم وضع مالی او چگونه اداره می شده است . ما از اعلان هایی که در "حقیقت" وجود دارد می توان دریافت که سهام "شرکت حقیقت" که یک شرکت سهامی عامل بوده به کارگران فروخته می شده است . بهر حال تا مین مالی ارگان با پیدای زمانی و کمکهای خود کارگران باشد همچیز مرکز قدرت - حزبی یا فردی - اتکاء نکند .

نهم - در این دوره دولت و حکومت ایران دست نشانده ا جانب استعما رگربودند . حکومت مداعع منافع کارفرما به ویژه در شرکت نفت سا بق ، حافظ و حامی کارفرمای انگلیسی بود . وقتی پای منافع استعما ربه میان می آمد دولت و حکومت همه نیروی خود را برای سرکوب مبارزات سندیکائی بسیج می کردند . سندیکائی کارگران با پیدا شرط خاص بتوانند بعنوان نیروی اجتماعی در حکومت و نهادهای کشوری اشگذارد .

دهم - در بخشی از این دوره مبارزات کارگران از طریق نمایندگان آنها در مجلس انکاس پیدا می کرد . بطور مثال ، در مجلس چهارم و پنجم مینکارانجا می شد ، سلیمان میرزا و دیگران

چرخ پنجم هیچ حزبی بشود. مبارزات سندیکائی با یدمستقل از مبارزات حزبی باشد. در عین حال سندیکالیسم در ایران نمی تواند غیر سیاسی باشد. اما تشکیلات کارگری با ید آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود را داشته باشد. این آرمانها با یدمتسبع از عینیات و ملموسات و دل مشغولی ها و گرفتاریها و کمبودهای جامعه کارگری و طبقه کارگر ایران باشد. هرگاه سندیکاها در این دوران تبدیل به واحد جنبی حزب کمونیست نمی شوند. علیرغم اینکه به احتمال زیاد به شکل واحدی از حزب سوسیالیست سلیمان میرزا یا سازمانی وابسته به مدرس وغیرا زینها در می آمدند. و مستقل از هر حزبی مبارزات خود را برای دست یافتن به حق و حقوق شغلی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی خود دنبال می کردند و وقتی احزاب قدغن شدن سندیکاها مجبور به کارزاری زمزمه نمی شوند و هم نمی پاشیدند. سیزدهم - سندیکای مخفی قادر به اداهه حیات نبود. تجربه این دوره نشان داد سندیکاها باید در شرائط آشکار مبارزه کنند. در شرائط کار مخفی غیر از تعداد کمی از کارگران حاضر به مبارزه سندیکائی نیستند. دیکتا تور با دست یا زیدن به انواع و اقسام مستمسکها سعی در بروجود آوردن اختناق و تبدیل شرائط مبارزه آشکار به مبارزه مخفی دارد تا چماق سرکوب خود را محکم تر بر سر نیرو های مخالف فرود آورد. مرکز سندیکائی و سندیکالیست فردیه فرد، با یدبا درایت و آگاهی از اقدامات اعمالی که شرائط کار آزاد را به شرائط کار مخفی بدل سازد خود را ری نمایند. در دوران دیکتا توری رضا شاه، از روی که سندیکاها مجبور به کار مخفی شوند همیت و تاثیرگذاری خود را در بسیج نیروی کارگری از دست دادند. در این سالها مجله ستاره سرخ ارگان تئوریک حزب کمونیست در مقاوماتی که در شماره های ۷ و ۸ اچاپ کرد خود را طرفدار کار علی سندیکاها نشان داد. این خط مشی در شصتین دوره احلاصیه کارگران سرخ بین المللی مورده بحث قرار گرفته و تصمیم گرفته

پلندگوی کارگران در مجلس بودند. آنها می توانستند، با لآخره روی سایر اعضای مجلس تاثیر بگذاشند، می توانستند صدای کارگران و خواستهای آنها را در مجلس منعکس سازند و از این راه افکار عمومی را به دفاع از کارگران جلب نمایند. در دوره های بعدی تقاضه های به علت اختناق رضا شاهی جلوی این کار گرفته شد. یافتن مکانیسم های که صدای کارگران را به مرکزونهای دولتی و کشوری برساند مهم است.

یازدهم - در این دوره کارگران توانستند خواستهای خود را به شکل مرتب و منظم تنظیم کرده و برایش مبارزه کنند. بطور مثال خواستهای کارگران مطبوعه در اعتراض ۱۹۰۶ بسیار دقیق و جامع است. این بیان نامه کارگری، تقریباً "بسیاری از مواد مرتب به یک قانون کار را رائی دهد. تنظیم این مطالبات احتیاج به دونوع متخصص داشته و دارایی کارگر که بطور عینی و مادی تضییقات را در باره حقوق خود لمس می کنند و یکی دیگر خبره و مطلع ای که حقوق کار و حقوق مربوط به سندیکاها و مبارزات کارگران را می شناسد کار و حقوق مربوط به سندیکاها و مبارزات کارگران قرار گیرد. و می توانند طرف مشورت و مورداً طمیناً کارگران را در نظرداشتند با شدوار مشاور کارگران با یافتن منافع کارگران را در نظرداشتند با شدوار متعهد کردن کارگران در امور دیگر بویژه بوجود آوردن تعهدات سیاسی برای کارگران بپرهیزد.

دوازدهم - گفتیم مبارزات سندیکائی در این دوره جدا از مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت نبوده و گفتیم احزاب نخستین موتور حقوق کارگری و مبارزات سندیکائی بودند. حال می گوییم در حقیقت از مبارزات چهل ساله کارگران نتیجه می گیریم همین احزاب با عث ایجاد خلل در اساس مبارزات سندیکائی ایران شدند. این تنها مختص ایران نیست - (۱۸۵) سندیکالیسم نباشد

۱۸۶ - برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به "سندیکالیسم در کشورهای جهان سوم" ترجمه فرهنگ قاسمی، انتشارات مصدق (۲)

کناری رضا شاه، وقتی دوباره اماکان مبارزه فراهم می شود، سندیکا هاشتباهات دوره قبل رادرمواردی تکرار می کنند که یکی از دلائلش همین تعطیل در مبارزه می باشد. ثانیا "اگر در کار مبارزه تداوم از بین رفت و تعطیل بوجود آمد، دست آوردهای دوران مبارزه بوسیله حکومت غدا رو دیکتا تور پایمال می گردد، کارگر مجبور است دوباره برای هر کدام از آنها از نوبت روزه کند. حال آنکه اگر تداوم حفظ شود، دست آوردهای قبلی کمتر لطفه می خورند.

شد، سندیکا ها از شرائط مخفی خارج شده به کارعلی بپردازند. اما متناسبه وقتی حزب کمونیست به این نظریه می رسد که خیلی دیر شده و دیکتا تور همه فعالیت سندیکائی را تحت عنوان همکاری با کمونیسم بین المللی به سیاه چال ها انداخته است. چهاردهم - تداوم مبارزه سندیکائی را تحت هرشرائط که خلاف اصول و موازین نباشد باید حفظ کرد. شورای مرکزی یا کنفرانسیون سرتاسری اگر فعالیت خود را از دست می دهد، اگر رهبری آن گرفتاری کشته یا تسلیم می گردد یا با قدرت همکاری و سازش می کند و یا هر علت دیگری پیدا می کند، در شرائط فوق العاده سخت وقتی هیچ چاره ای نمی ماند، حتی به قیمت تغییر اساساً مه و خط مشی - تغییری که خلاف اصول و موازین و خلاف منافع و آزادی های اقتصادی و اجتماعی و حرفه ای کارگران نباشد. با یاد:

- ۱ - ازانحلال سندیکا خود را کرد.
- ۲ - از تبدیل شدن به سندیکای مخفی جلوگیری نمود.
- ۳ - اجازه نداشتن سندیکا تبدیل به سندیکای دولتی شود.

چنین تدبیری یک اقدام انقلابی، اصولی و درجهت منافع جنبش سندیکائی است.

پانزدهم - عدم تداوم مبارزه، حافظه مبارزاتی اجتماع و طبقه کارگر را از بین می برد. از بین رفتن حافظه مبارزاتی همه تجربیات مبارزه از قبیل کار منظم تشكیلاتی، درایت و تجربه رهبری آرمان های مبارزاتی وغیره را به فراموشی می سپارد. اگر کارگر از میدان مبارزه بدور بماند و اگر این دوری از مبارزه مدتی طول بکشد، هرگاه در مرحله دیگر کارگر دوباره فرست مبارزه ای را پیدا کند: اولاً "قسمتی از تجربیات گذشته خود را بdest فراموشی سپوده است، امکان دارد دچار دوباره آزمودن آزموده های قبلی خود گردد به عبارت دیگر ممکن است اشتباها تحت گذشته خود را تکرار کند. در جلد دوم "سندیکا لیسم در ایران" خواهیم دید درست بعداً زبر

*La situation de la classe laborieuse en Iran,  
C. Chaqueri*

- ۱۵- فکردمکرانی اجتماعی و سیاسی در نهضت مشروطیت ایران،  
فریدون آدمیت، تهران، انتشارات پیام  
۱۶- نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، عبدالصمد  
کا مبخش، انتشارات حزب توده، جلد اول  
۱۷- انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی  
آن، تالیف پائولو بوج، تریا، ایرانسکی، چاپخانه نقشجهان  
تهران ۱۹۵۱، ترجمه م. هوشیار  
۱۸- میرزا کوچک خان سردا رجنگل، ابراهیم فخرائی  
۱۹- تاریخ مشروطیت ایران، ایوان  
۲۰- تاریخ مشروطیت، احمد کسری  
۲۱- یادداشت‌های را بینو، بکوشش محمد روشن، کتابخانه  
طاعتی، رشت، بهمن ۱۳۵۲  
۲۲- شاهزاد وزیری  
*Ghanat, à l'Oléoduc, Ed. Piantanida, Lausanne 1978*

۲۳- آبراهامیان،  
*Iran between two revolutions,*  
Princeton University Press.

- ۲۴- تاریخ نهضت کارگری ایران، جعفر پیشه‌وری، تهران، مرداد  
۱۳۲۵، چاپخانه تابان  
۲۵- حیات یحیی، خاطرات یحیی دولت آبادی، تهران، انتشارات  
عطار، چاپ سوم، سال ۱۳۶۱، جلد چهارم  
۲۶- پنجاه سال نفت ایران، مصطفی فاتح

۲۷- پرویزدا ود،  
*Les fondements de la Nationalisation de l'industrie  
Pétrolière en Iran, Bruxelles 1973-1974*

۲۸- *Les conditions de Travail dans l'industrie du  
Pétrole en Iran, D.O.T. Genève 1950*

منابع و مأخذها ؎ی که در تهیه این مجلد مورد استفاده  
قرار گرفته‌اند

الف : کتاب‌ها

- ۱- تاریخ ماد، دیا کونف
- ۲- طریقه مسعودی، ابوالفضل بیهقی، بکوشش قاسم غنی و علی  
اکبر فیاض
- ۳- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، جلد چهارم
- ۴- گنج شایگان، محمدعلی جمالزاده، انتشارات کاوه، برلن
- ۵- تاریخ غزنویان، ادموند کلیفوردبوسورث، ترجمه حسین  
آنوشه، انتشارات امیرکبیر
- ۶- سیر تاریخ، گوردون چایلد، ترجمه احمد بهمنش، انتشارات  
امیرکبیر
- ۷- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد اول، انتشارات  
امیرکبیر
- ۸- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد سوم، انتشارات  
امیرکبیر
- ۹- آثار سلطان زاده، اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال  
دموکراسی و کمونیستی ایران، جلد چهارم، انتشارات مزدک
- ۱۰- اسناد تاریخی، جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و  
کمونیستی ایران، جلد ششم، انتشارات مزدک
- ۱۱- اسناد تاریخی، جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و  
کمونیستی ایران، جلد اول، انتشارات مزدک
- ۱۲- اسناد تاریخی، جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی  
ایران، انتشارات پا دزه جلد ۱۱ بکوشش خسروشا کری

### به همین قلم

- برنامه ریزی پنج ساله در اتحاد جما هیرشوروی
- سندیکا های خودگردان در لهستان
- از رضا خان تارضا شاه
- تحقيقی کوتاه در سال های ۱۳۰۴-۱۲۹۹
- سندیکا لیسم در جهان، جلد اول  
جنبیش سندیکائی در کشورهای جهان سوم

Azam-Zanganeh- Abdul hamid, *Le Pétrole en Perse*, -۲۹  
thèse, Paris, Domat-Montcrestien, 1933

- ۳۰- جنگ های جهانی در ایران، سرکلار مونت اسکرا پین، ترجمه حسین فراهانی، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۳
- ۳۱- سیاست موافقه منفی، حسین کی استوان، جلد اول
- ۳۲- گذشته چراغ راه آینده، انتشارات جامی، اسفند ۱۳۵۷، چاپ دوم، تهران
- ۳۳- خاطرات انور خامدی، جلد اول، انتشارات هفته، تهران

### ب : مجله ها و روزنامه ها

- ۱- مجله شرق نوین، طبقه کارگردان ایران معاصر، شماره ۴۰ سال ۱۹۲۶
- ۲- مجله دنیا، شماره ۳، سال ۴
- ۳- مجله دنیا، سال ۹، شماره ۴، خاطرات آزاد اشزا و انسیان
- ۴- مجله دنیا، سال سوم شماره ۱، خاطراتی از حزب کمونیست ایران، آزاد اشزا و انسیان.
- ۵- نشریه کمونیست، شماره ۴، دوازدهم دی بهشت ۱۳۵۵

Admec/France, Asie, série E /Perse Doss,  
Revue du Monde Musulman, V.5, 1922, - ۶

- ۷- روزنامه حقیقت شماره ۲۱، ۷۵ دیما ۱۳۰۰
- ۸- " " " ۱۹، ۶ دیما ۱۳۰۰
- ۹- " " " ۱۸، ۳۹ فروردین ۱۳۰۱
- ۱۰- " " " ۲۱، ۵۱ فروردین ۱۳۰۱
- ۱۱- " " " ۲۳، ۵۹ فروردین ۱۳۰۱
- ۱۲- روزنامه پیکار، ۱۹۳۱ اژوئن انتشاریه حزب کمونیست ایران
- ۱۳- روزنامه ستاره سرخ، ارگان تئوریک حزب کمونیست ایران
- ۱۴- روزنامه کار، شماره ۱۸، ۲۰ دی بهشت ۱۳۰۲

### در دست انتشار

- سندیکا لیسم در ایران، جلد دوم
- از برگزاری رضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد
- سندیکا لیسم در جهان
- سندیکا لیسم در کشورهای جهان سوم جلد اول بخش دوم
- سندیکا لیسم در اتحاد جما هیرشوروی و کشورهای اروپای شرقی